

کارگران جهان متحد شوید!

۳۱۴ صفحه

۹۷

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۵۹ بهار ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- راهپیمایی ده هزار نفری در مراسم تدفین سه شهید کمونیست
صفحه ۵
- نیروهای کمونیستی و انقلابی کردستان جنایات حزب دمکرات
را محکوم میکنند!
صفحه ۱۱
- عوام فریبی و دروغبارانی: جلوه‌ای از ابورتونیسیم "راه کارگر"
صفحه ۱۷
- در اخلاقیات!
"سود ویژه" طاغوتی است!
صفحه ۲۷

شهادت سه رفیق کمونیست پیکارگر در یورش وحشیانه حزب دمکرات به دفتر سازمان در بوکان

روز هفتم اسفند در اثر حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقر سازمان در بوکان حداقل سه تن از رفقای ما شهید شدند، تعدادی زخمی و حدود ۲۴ نفر توسط افراد حزب دمکرات دستگیر شدند. سازمان ما و کمیته کردستان سازمان اعلامیه‌ها و تراکت‌هایی در این مورد منتشر کرده اند که ما آنها را در اینجا می‌آوریم:

بقیه در صفحه ۱۱



رفیق شهید طاهر ابرهیمی

رفیق شهید محمود ابلاغیان

رفیق شهید باقر خیاطی

کشتار سه رفیق کمونیست بدست حزب دمکرات را محکوم نماییم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۲/۱۸

سرمقاله

پیرامون اقدام جنایتکارانه اخیر حزب دمکرات

هفته گذشته، کردستان ما شد جنایت هولناک و فجیعی از جانب حزب با صلاح دمکرات بود، جنایتی که چند روز، همه رویداد های کردستان را بشوئی تحت الشعاع خود قرار داد. حزب دمکرات با یک هجوم حساب شده و در پی یک درگیری کوچک اینجا دنده توسط افرادش به مقر سازمان در بوکان هجوم می‌آورد و بنا محاصره آن توسط عناصر مسلحش، با انواع سلاح سنگین و سبک مقرر سازمان را زیر آتش خویش می‌گیرد و یک جنگ تحمیلی و بنا بر برابر به رفقای مادر "مقر"، تحمیل میکند. در طول یک ساعت درگیری، رفقای ما به ناگزیر بدفاع قهرمانانه‌ای در برابر هجوم تاجران و زکات‌ها و ضد انقلابی مزدوران حزب برمی‌خیزند و در حالیکه در زیر شدیدترین حملات مزدوران حزب با سلاحهای سنگین و سبک قرار داشتند، در برابر

بقیه در صفحه ۲

رفیق شهید مالک عباسی:

کمونیستی که در راه آگاهی و رهائی زحمتکشان جان داد
صفحه ۲۱

پیام بیست و ششمین کنگره سوسیال امپریالیسم: سازش با امپریالیسم آمریکا، سرکوب انقلاب خلقها!
صفحه ۱۹

گلوله پاسدار: عید ری جمهوری

اسلامی به کارگران کفش سازی!

صفحه ۱۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

این هجوم قهرمانانه ایستا دند. در پی این حمله وحشیانه ۳ تن از رفقای پیکار گرما، قهرمانانه شهادت میرسند و چندین نفر زخمی میگرددند، چندین ده نفر به اسارت مزدوران حزب درمیایند و اموال "مقر" بتاراج میرود. همای این حرکات وحشیانه، در برابر پرچمان متحرک و متضاد مردمی صورت میگردد که مزدوران حزب در برابر آنان سدی از سلاح کشیده بودند، تا مگر حرکتی از جانب آنان بر علیه متجا وزان صورت نگیرد. جنایت اخیر حزب دمکرات، نه یک حرکت اتفاقی، بلکه جزئی از سلسله حرکاتی بود که حزب از مدت ها قبل بر علیه نیروهای انقلابی بسط اشکال مختلف در پیش گرفته بود. انشا و اعلامیه های تهدیدآمیز بر علیه نیروهای انقلابی به طرز جلوگیری از فعالیت انقلابی آنها، خلع سلاح برخی نیروهای انقلابی و منجمد تعدادی از پیشروگان سازمان ما، بوجود آوردن زمینه های چنددرگیری مسلحانه با رفقای کومله (که با همبازی آنها و خلق انقلابی کردخشنی گردید) و... اشکال مختلف تجلی این سیاست ضدانقلابی در برابر نیروهای انقلابی، در گذشته بود. در مقیاس وسیعتر، این برخورد حزب دمکرات بسط نیروهای انقلابی و آغاز فصل جدیدی در روابط سیاسی و تاکتیکی خود با آنها، بخشی از حرکت سیاست عمومی حزب دمکرات در سه پهنه های مبارزه ملی و طبقاتی و در صحنه سیاست کشور است سیاست و حرکتی که دقیقاً در ارتباط با مجموعه تحولات و روندهای سیاسی جامعه و گردستان در ماه های اخیر قابل تحلیل و ارزیابی است. همانطور که در مقاله پیکار ۹۶ توضیح دادیم، جامعه ما در دوره اخیر و بویژه پس از جنگ (علیرغم یکدوران فترت کوتاه)، با دو جریان (تشدید یا بنده سیاسی مواجه بوده است، که علیرغم افت و خیزهایش حرکتی صعودی و روبه بالا را طی نمیکرده است. یکی حرکت اوچگیر بسازرات توده ها و بر علیه نظم وجود و فروپاشی تدریجی توهمات توده ها و دیگری حرکت روبه نزای بسط اختلافات و تضادهای درونی ضد انقلاب جامعه گسترش این دورشته تضاد در سطح و عمق جامعه و پیوستگی و درهم پیچیدگی تارهای آن بسط یکدیگر، سیاست خاصی در مناسبات سیاسی نیروها و احزاب بوجود آورد و فعلات و انفعالات سیاسی در مناسبات این نیروها و احزاب، در جهت گیری سیاسی آنها و... ایجا دشود.

آلترنا تیو خود بر روند سیاسی جامعه و بمنظور غلبه بر بحران انقلابی موجود، صف آرائی کرده اند. نیروهای هدایت کننده این دو جبهه ضد انقلابی را در تیکسو لیبرالها و در سوی دیگر حزب جمهوری، تشکیل میدهند که هم اکنون در نبرد سختی با یکدیگر بر سر عبور و نبرد و برای تضعیف و یا حذف دیگری تلاش می نمایند. هر یک از این نیروها اکنون بطرز خاصی خویش، در تلاش برای جذب متحدینی برای خود مشغول است. گردستان و احزاب و نیروهای سیاسی آن نیز از این فعل و انفعالات عمومی سیاسی، برکنار نیستند و این تا شبر، عمدتاً در حرکت حزب دمکرات با زتاب خویش را می یابد.

جنگ دوم در گردستان، در اوایل سال اخیر که با تهاجم گسترده و همه جا نبرد رژیم آغاز گردید، اگرچه جنبش مقاومت عظیمی را از جانب خلق کرد بویژه در شهرها، که سخت اصلی ضربه رژیم را بخود معطوف کرده بود، ایجا دشود، لیکن در عین حال کیفیت نویینی در مبارزه خلق کرد، از لحاظ مضمون طبقاتی آن بوجود آورد که بهیچوجه نمیتوان آن صرف نظر کرد. این کیفیت همانا برجستگی بیشتر مبارزه طبقاتی در مجموعه مبارزات ملی - طبقاتی خلق گردید. با زتاب این کیفیت نویین در گردستان بصورت ایجاد تزلزلاتی در مبارزه سیاسی نیروهای بینا بینی و اقشار مرفه گردستان، انعکاس می یابد. در واقع تداوم گسترش جنبش خلق کرد، آنهم در شرایط ناموزونی مبارزه طبقاتی در ایران، بتدریج نیا زمند آنچنان بتانسیل و کیفیت میگردید که دیگر تما یلات ناسیونالیستی و ملی به تنهایی قادر به پاسخگویی و تامین نیروهای حرکت آن نیستند. اهداف طبقاتی مبارزه تشنه نیروی محرکه ای است که میتوانند در آمیزش با اهداف ملی، نیروی محرکه لازم برای جنبشی را فراهم نمایند که ناچاراً راست تقریباً به تنهایی با سنگین یک نبرد مسلحانه سراسری در برابر تجار و زتاب جم و حشیا نه رژیم را بردوش کشد.

بردمحدود تما یلات و اهداف ناسیونالیستی و ملی، باعث میشود که در صفوف فشرده خلق کرد، شکافهای محسوسی حاصل شود، و نیروهای کسه انگیزه طبقاتی، استواری آنان را به درون جنبش نکشاند و تما یلات و اهداف ملی مهمترین نیروی محرکه آنان را تشکیل میدهد است، دستخوش تزلزلات و یاسا زشهای خیانتکارانه در روند عمومی جنبش گردید. این صف بنسندی و تغییرات عمیق خود را بطور محسوسی در جریانات سیاسی در گردستان و بویژه حزب دمکرات منعکس می نماید. تحت تاثیر این تغییرات توان از اهداف و مفاصلین طبقاتی و ملی جنبش، حزب دمکرات به مثابه نماینده ناسیونالیسم میان پوسیده و ضد انقلابی بورژوازی گردستان، بتدریج هر چه بیشتر از صفوف مردم فاصله میگردد و در حدیث بسا

روند گسترش مبارزه طبقاتی در گردستان بسط رویا روشی مستقیم با آن می پردازد. حرکات ضد انقلابی حزب در برابر مردم، با شکل مختلف فزونی گرفته و ضدیت آن با نیروهای انقلابی در گردستان چهره آشکارتری بخود میگیرد.

این سیاستهای ضد انقلابی حزب، بتدریج توده های هر چه بیشتری را از دور ویرا و می - برانکند و بسط نیروهای انقلابی سوق میدهد و یا حداقل بر توهم و اعتماد استوار آنان نسبت به حزب خدشه جدی وارد میآورد. بنهین جهت حزب بناچار هر چه بیشتر بر نیروهای نظامی اش متکی میگردد و میکوشد تا خلا ناشی از فروپاشی تدریجی توهمات توده ها را با گسترش و تحکیم دستگا های بوروکراتیک و نظامی خویش جبران نماید. این کیفیت جدید در مناسبات حزب با خلق کرد، بیش از پیش او را بصورت طبقه یک ماشین دولتی سرکوبگر که گوش از هم اکنون به تحریر برای حاکمیت ضد انقلابی خویش در گردستان مشغول است، در میآورد.

این تغییرات، بتدریج حزب را به ملجاء و پناگاه منفورترین عناصر ضد انقلابی و مطرود از سران فئودالها و عشا پیرتا قا قچیان مواد سخر، و از جاشهای مزدور گرفته تا مزدوران بعضی و هوا خواه رژیم شاه و بختیارخان، تبدیل میکند حزب دمکرات با تشکیل تدریجی این دستگا ه بوروکراتیک و نظامی ضد انقلابی خویش و تحمیل آن بر جنبش خلق کرد، هر روز بیشتر در برابر توده ها قرار میگردد و با آنان بسان یک حکومت و دستگا دولتی سرکوبگر عمل میکند. از گسترش مبارزه طبقاتی آنان جلوگیری، فئودالها و مرتجعین منطبقه را در کنگف حمایت خود قرار میدهد بر دهقانان به انواع مختلف مالیات می بندد و از آنان اخاذی می نماید. و.....

این جریانات، بعلاوه نزدیکی و همکاری آشکار حزب دمکرات در مناسبات خارجی اش بسا بعضی های ضد انقلابی و با دارودسته های ارتجاعی نظیر بختیار و... بیش از پیش بسط پراکنده شدن توده های کردا زیرامون حزب، و جذب آنان بسط نیروهای انقلابی منجر گردیده است. همین روند، حزب دمکرات را بیش از پیش به ضدیت آشکار با نیروهای انقلابی کشانده است که آخرین نمونه آنرا در جنایت اخیر حزب نسبت به سازمان ما در گردستان میتوان بخوبی مشاهده نمود.

حزب دمکرات پس از انشای ریز نیوستی درونی اش، فضای با زتری برای جولان سیاسی و نزدیکی به باندها و نیروهای ضد انقلابی در عرصه بین المللی بوجود آورد و او را بسط دسته - بندیهای نویین و نزدیکی با دولتهای ارتجاعی بویژه دولت بعثت و باندهای ضد انقلابی مزدور امپریالیسم در خارج از کشور، نظیر بختیار، سوق

بقیه در صفحه ۲۶

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

جنبش کارگری



مروری بر اعتصاب اخیر کارکنان شرکت واحد

درتداوم اوچگیری مبارزات طبقه کارگر برای کسب حقوق منفی وبخصوص سودویژه وعیدی کارکنان منطقه ۳ شرکت واحد اتوبوسرانی نیز دست به اعتصاب وتحصن زندندکه علیرغم به سرانجام نرسیدن، درسهای گرانبهای برای کارگران بهمراه داشت، ازاینروبررسی آن ضروری میگردد. ابتدا لازمست ببینیم جریان واقعه چگونه بوده است:

صبح روز ۳/۱۲/۵۹ رانندگان وکمک رانندگان صبحکار منطقه ۳ موقع تحویل اتوبوسها ازتوقف - گاه، بخشنامهای را مشاهده میکنندکه درآن صحبت ازبروزمشکلاتی درامرپرداخت عیدی کارکنان کرده بود. این خبردرمیان تمام رانندگان وکمک رانندگان خطوط مبیچدوظاهرنگامیکه کارتهای حقوق بهمین دریاقت میکنند، بامشاهده قیدنشدن عیدی وپاداش درآن، کسسی تمامایلی نسبت بهگرفتن کارتهای خودشان نمی دهنه. اغلب میگفتند "حالاکه عیدی را نمی دهندحقوق بهمین راهم نمیگیریم." بعدازظهر اغلب رانندگان برای دیدن یکدیگروا تخاذ تصمیم مشترک به توقفگاه مراجعه میکنند. همچنین کارکنان منطقه ۴ نیز ازدریاقت حقوق خودداری مینمایند.

بدین ترتیب کارکنان شرکت واحد (منطقه ۳) متحدا دست به اعتصاب زده وتصمیم میگیرند تا تحصن کنندوحتی شب عده زیادی درتوقفگاه میخوابند.

صبح روزدوشنبه ۴/۱۲/۵۹ انجمن اسلامی به تکاپوافتاد ورئیس آن برای غریب رانندگان به سخنرانی پرداخته ومیگوید "من خودم درشهرداری بودم وفیشهای عیدی را امانا مشاهده دیدم اگرقبول نداشتندما بنده بفرستیدبرویببینیم!" ما رانندگان که ما هیت فدکارگری اورا میشناختند، اورا هوکرده وپا شین میکشند! رئیس منطقه نیز سعی میکندبا وعده اینکه تمام چهرشنیه عیدیها را خواهندپرداخت، کارکنان را واداربه شکستن اعتصاب کند، اما علیرغم توهمی که بسیاری ازرانندگان نسبت بسوی داشتند، ازآنجا شکی که اورا عملا درصفا مقابله خود میدیدند، اورا نیزهومیکنند.

هنگامظهرعده ای دوتابوت را که با پرچم پوشانده بودندبه محل تحصن میاورندوبه بهانه اینکه الان زمان جنگ است واینها شهدای جنگند سعی داشتنداعتصابیون را تحت فشارقراردهند تا اعتصاب خودرا بشکنند. ولی رانندگان که متوجه سبک بودن تابوتهای میشوند، آنها را ازجنگ آن

چگونه مبارزاتمان را برای خواسته هایمان (سود ویژه و...) متحد و یکپارچه کنیم

متحد و یکپارچه کنیم

سرمایه داران، تاجران وزمینداران حزب... های مخصوص خودرا دارند، حزب جمهوری اسلامی بهشتی ها، نهضت آزادی بازرگانها، جبهه ملی سنجابی ها و..... نمایندگان سرمایه داران برکسی های مجلس تکیه زده اند، بنی صدرنماینده سرمایه داران لیبرال برتخت ریاست جمهوری نشسته است، تاجران میلیونردرراس بنیاد مستضعفین قرار دارند و خلاصه دولت وارکان قدرت دردست طبقه سرمایه داران است. اینا برای کارگران نیز درمقابل سرمایه داران باید متحدباشند، باید درکارخانه و بیرون کارخانه سازمان مخصوص خودرا داشته باشند، درکارخانه بدون شورای واقعی واتحادیه واقعی نمیتوانند به بخشی از بقیه درصفحه ۲۳

تنها مشتهای گره کرده وسینه پرازکینه وخشم درمبارزه برای گرفتن خواسته های برجسته کافینست. این مشتهای گره کرده، این سینه های پرازکینه وخشم که ازظلم وستم سرمایه داران برتن وجان ما کارگران همیشه جاری است کارطاعت فرسا ومزدبخورونمیر، عقب مانندن قسط وکرایه خانه، گرانی، فقر و بیدختی که مردم نصرت ما را از نظام سرمایه داری بیشتر و بیشتر میکند، زمانی میتواند کاری باشد که با هدف، با برنامه و با رهبری دست به مبارزه بزنیم. مبارزه کارگران بدون رهبری وتشکیلات محکوم به شکست است، تنها چاره ما کارگران برای پیش بردن مبارزاتمان، برای حتی جزئی تری خواسته ها اتحاد وتشکیلات است.

گرفتن سود ویژه بنام های وام یا پول غذا یا اضافه تولید و... انحرافی است در مبارزات امروز طبقه کارگر!

مشترک که گرفتن سودویژه است مبارزه میکنندو حرف تمامیشان هم یکی است اما چون این مبارزات جدا از هم صورت میگیرد، ضربه کاری را نمیتوانند به رژیم جمهوری اسلامی وارد آورند. کارگران مبارز با امروز بخوبی اغلب کارگران پی برده اند که باید با هم متحد شوند و اتحادیه های واقعی کارگری ایجاد کنند وخواست مشترکشان را از این طریق از دولت سرمایه داری بگیرند. اما اینکه به چه وسیله ای می بایست موفق شوند هنوز نمیدانند و طبقه کارگران آگاه است که غذا رند مبارزه طبقه کارگر امروز پراکنده شده و هرکدام برای جدا گانه بیرون وظیفه کارگران آگاه است که با افشای توطئه ها وتفرقه اندازی های رژیم حاکم وعوامل مزدورشان مانع تفرقه در صفوف کارگران گردند.

این وظیفه کارگران آگاه است که برای کارگران روشن کنند که رژیم ضد کارگری نیست این است که مانع اتحاد کارگران شود و بهمین بقیه درصفحه ۴

کارگران مبارز!

مبارزه کارگران ایران برای گرفتن چهار ماه سودویژه روز بروز شدت بیشتری باید، این مبارزه امروز در کمتر کارخانه ای است که جریان نداشته باشد. کارگران آگاه چهار ماه سودویژه را حق خود میدانند و بعنوان قسمتی از دستمزد که در عرض یکسال زحمتشان برداخت نشده و اکنون می بایست تمام ما پرداخت شود تقریباً تمامی کارگران بر علیه قانون فدکارگری "لغو سودویژه" اعتراض کرده اند قانونی که چهار ماه سودویژه کارگران را به ۲ ماه رسانده و ۲ ماه آن را به جیب سرمایه داران میریزد. اما با وجود گسترش زیاد این اعتراضات، هنوز آن نیرویی که دولت سرمایه داری را وادار به عقب نشینی کامل کند وجود ندارد. این ضعف اساسی طبقه کارگر است که بطور پراکنده و جدا از هم دست به مبارزه میزند وتشکیلهای وسیع توده ای مثلاً اتحادیه های واقعی کارگری ندارد. کارگران کارخانه نجات امروز همگی برای یک خواست

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



عده در آورده و متوجه میشوند که سنگ و چوب میباید!؟ از اینرو خوشگینا نه بسا همان چوبها به تعقیب حاملین تا بوتها کسه معلوم شد پاسداران با لباس شخصی بوده اند میپردازند. این واقعه به رانندگان حق نیست مبارزه شان را نشان داده و موجب افشای بیش از پیش رژیم گردید.

توطئه دیگر رژیم بر علیه اعتصابیون در اینروز بوسیله نما یئنده مسجد "الرسول" نازی - آبا دانجا مگرفت. او به محل توقفگاه آمده و با نشان دادن مقداری ریور آلات زنا نه میگوید که "ایشان را زنا ن مسجد داده اند، بگیرید و راضی شوید!" این عمل باعث برانگیخته شدن خشم شدید کارگران شد بطوریکه فرد مذکور مجبور به فرار گردید.

رژیم با این اعمال و تبلیغات فراوانی که حول آنها در روزها میهای جیره خواریش بر راه انداخت، قصد داشت اعتصابیون مبارزان تحت فشار روانی قرار دهد. این مزدوران که خودشان علاوه بر جایدن دارائی مردم، دشمنان و به بهانه های مختلف دست گدائی بسوی کارگران و زحمتکشان دراز میکنند، خیال میکنند که توده ها حق خود را گدائی خواهند کرد تا فلان آنکه "حق گرفتاری است و نه دادنی!" و رانندگان مبارز شرکت واحد

نیز به این مسئله پی برده و مشت محکمی بر بوزه جیره خواران حلقه بگوش رژیم زدند. شب هنگام نیز عده ای از رانندگان و کمک رانندگان در توقفگاه میخواستند ضمن آنکه عده ای از خانواده های اعتصابیون در این مدت به جمع آنها پیوسته و برای پدران و همسران خود غذا میاوردند. سرانجام صبح روز ۱۳۵۹/۱۲/۵ فرا میرسد. یکی از اعضای هیئت مدیره که سرپرست امورا داری شرکت واحد نیز هست، بلند - گو دست گرفته و به اعتصابیون هه دقیقاً مهلت میدهد که تا توبوسها را سوار شده و بیرون آورند. این در شرایطی بود که پاسداران اسلحه به دست سرما به نیز در محل حضور داشتند و حتی یکی از رانندگان توسط دو پاسدار تهدید به مرگ شد و بزور او را سوار توبوس میکنند. بدین ترتیب مزدوران رژیم بزور سر نیزه، با توهین به کارکنان اعتصابی و "خدا انقلابی" خواندن آنها اعتصاب را سرکوب میکنند. در این جریان که با اعتراض و مقاومت برخی از اعتصابیون مواجه شد تعدادی از رانندگان دستگیر شده و عده ای نیز زخمی میشوند. رانندگان بعد از شکسته شدن اعتصاب دست به مقاومت منتهی زده و ضمن کم کاری در آن روز بنا به گزارش تعدادی از توبوسها را خراب میکنند!

عمل شکست اعتصاب

این اعتصاب که بفاصله کوتاهی از اعتصاب قبلی منطقه ۴ شرکت واحد، صورت گرفت علی رغم

برخورداری از ادیکال لیسم اعتصاب کنندگان، از رهبری سازماندهی آگاهانه ای برخوردار نبود. این ضعف بزرگ در کنار عدم هماهنگی و وحدت عمل تمامی مناطق اتوبوسرانی، عوامل اصلی به نتیجه نرسیدن اعتصاب بود. بهر آنکه کارکنان در اعمال اعتراضی شان تاکنون بشکل برجسته ای خود را نمایان ساخته است، مثلاً قبل از آغاز اعتصاب اخیر، از روز ۵۹/۱۱/۲۸ در بخش مینی بوس رانی منطقه عباس آبا با اعتصابی با خواسته های مشترک، انجام میگیرد که با دخالت پاسداران سرمایه و تیراندازی آنها شکست می شود. با در جریان تحصن کارکنان منطقه ۳ شایع شده بود که کارکنان منطقه ۴ گفته اند "بعلت عدم حمایت منطقه ۳ از اعتصاب چند هفته قبل ما، ما نیز از آنها حمایت نمیکنیم!" این تفرقه که بیانگر ناآگاهی طبقه ای کارکنان میباید، ضرورت کار آگاهانه هر چه بیشتر در

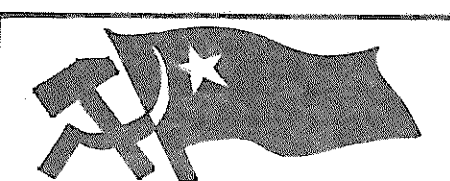
میان آنها و سازماندهی مبارزاتشان را برای کمونیست ها مطرح میسازد. بخصوص با توجه به نقش مهمی که شرکت واحد در تهران دارد و مبارزان کارکنان آن انعکاس بسیاری میباید. به همین دلیل هم هست که رژیم هر بار از حرکت آنها شدیداً بوحشت افتاده و سعی در خواباندن فوری آنها داشته است. با توجه به انقلابی جامعه و آگاهی مبارزات کارگری بخصوص با طر خواسته های صنفی پیش از عید، ارتقا جنبش تنها درگرو بردن عنصر آگاهی در میان جنبشهای خود بخودی و سازماندهی آنهاست.

کاری برای کارگران گذاشته اند. همانطور که می بینید عوامل مزدور رژیم جمهوری اسلامی از ترس خشم سراسری کارگران و آگاهی مبارزات آنها در هر کارخانه بیست صورت سعی در به سازش کشاندن کارگران کرده اند. بنا بر این کارگران آگاه امروز می بایست این توطئه و فریبکاری جدید رژیم سرمایه داری را در میان توده های کارگرا فشا کنند تا مبارزه آنان از عمق بیشتری برخوردار گردیده و مانع از توقف مبارزه شان شود.

کارگران آگاهی بایست تبلیغ نمایند که گرفتن وام یا پول غذا و غیره بجای سود ویژه واقع به نفع رژیم خواهد بود چرا که در هر صورت تبدیل چهار ماه سود ویژه کارگران به ۲ ماه رسمیت پیدا خواهد کرد و در آینده تنها ۲ ماه به کارگران پرداخت خواهد شد. آنهم به عنوان قسمتی از دستمزدها که بعلت عنوان پاسدار و عیدی در واقع رژیم جمهوری اسلامی اگر برای امسال موفق شود که قانون لغو سود ویژه را اجرا نماید، سال آینده دستش درجا و زبه حقوق کارگران بیشتر با خواهد بود. بنقل از ویژه نامه مبارزات کارگری شماره ۲

مثلاً به اندازه مزایای حق مسکن، حق خواروبار و حق اولاد بیشتر از قانون ضد کارگری دولت گرفته اند. در کارخانه ایران کاوه میخواستند با دادن ۳۵۰۰ تومان وام ۲۴ ماهه جلوی آگاهی مبارزه کارگران را بگیرند. در کارخانه مزدا هم یکجوری مدیریت سعی در دمه لخی جزئی به غیر از ۲ ماه تصویب شده دولت را پرداخت کنند تا اعتراض کارگران را بخواباند. در کارخانه لندرو گرفته اند تا مبارز کارگران هر روز ۴ ساعت اضافه کاری کنند و ۲۰ روز هم بعنوان پاسدار اضافه تولید بیشتر از ۲ ماه تصویب شده دولت پرداخت میکنند.

در کارخانه لیلان هم توی روز مدیریت ضد کارگر گفته است اگر کارگران ۱۵ اتوبوس تا آخر ماه تولید کنند ۲۰ روز بعنوان پاسدار اضافه تولید بیشتر خواهد پرداخت. و هر روز ۴ ساعت اضافه -



بقیه از صفحه ۳
گرفتن
دلیل در هر کارخانه بنوعی مبارزه را کور میکند یکجا توسط پاسداران خود و توسط تفنگ و گلوله و جای دیگر با سازش کشاندن مبارزه کارگران و فریبکاری و غیره این نیت شوم خود را انجام میدهد.
چیزی که این روزها هر کارگر آگاه و مبارزی با ید بدانند این است که نباید به هیچ وجه مبارزه برای گرفتن سود ویژه را به سازش کشانده و بعضی چهار ماه سود ویژه فرضا ۲ ماه پاسدار و وام و غیره گرفت. کارگران آگاه باید با افشای این فریب جدید سرمایه داران، کارگران را به مبارزه قاطعانه تری هدایت کنند.

امروزمی بینیم که شورا های سازشکار برای جلوگیری از مبارزات کارگران پیشنهاد گرفتن یک پول جزئی بنا مومو یا مزایا و پول غذا و کارائی و غیره را دارند مثلاً در کارخانه بنظر مبارزه کارگران مدتها قبل برای اجرای طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوق جریان داشت، سر سود ویژه با گرفتن ۲ ماه دستمزدها با جلوی اعتراض کارگران را میگیرند و تا زه منت سر آنها میگذارند که برای سایر کارخانه نگویند که

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



خون کمونیست قهرمان رفیق طاهر ابراهیمی سرخی پرچم ماست!



در حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقرران ما در بوکان کمونیست دیگری با مقابله انقلابی خود در برابر این حزب ضدانقلابی، خویش را تقدیم راه‌های طبقه کارگر و خلق ستم‌دیده کرد نمود، او رفیق طاهر ابراهیمی بود.

رفیق طاهر ابراهیمی انقلابی دانستگانه ارومیه بود، با او جگربری مبارزات انقلابی توده ها در سال ۵۶، رفیق دانشکده را رها کرد و در سنگر طبقه کارگر و توده ها به پیکار انقلابی بسا رژیم ضد خلقی شاه پرداخت، او در تشکیل و فعالیت جمعیت آزادی زحمتکاران بوکان نقش فعالی را ایفا نمود، طاهر در رنگبانی شهر، با شرکت در مبارزات دهقانان آنجا، کمی کردستان درمنازه زمینها، در درگیریهای مسلحانه دهقانان بر علیه فئودالها و مالکین مبارزه میکردند، فعالانسه شرکت نمود.

یکی از همزمان انقلابی او پیشمرگه انقلابی، رفیق شهید تیمور حسینی بود که مشترکا با تشکیل محفلی انقلابی، فعالیت وسیعی را در بوکان آغاز کردند، رفیق طاهر به اتفاق سایر همزمانانش از جمله رفیق شهید تیمور، در بستوی منزلی، دستگا هلی کبی را که با زحمت

راهپیمائی ده هزار نفری در مراسم تدفین سه شهید کمونیست

مردم مبارز بوکان!

همانطوریکه میدانید سازمان پیشگام... در سراسر ایران به ملت بسی انقلابی خود، همواره برود پرورش رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بسوسوه و در این راه شهیدای زیادی را تقدیم خلقهای ایران نموده است.

حزب دمکرات نیز با پرورش خود به متوجهترگان ما در تاریخ پانزدهم ۵۹/۱۲/۸ من حرکت رژیم را در شمال ما و چپخانه قیامت خلق کرد و تکرار کرد. و در این پرورش و چپخانه احد اقل ۳ شهید دیگر تقدیم جنبش مقاومت کرده و چندین نفر از پیشگامان و هواداران سازمان ما زخمی و مجروح شدند.

۴ نفر نیز ششراسر گردیده اند.

با تجمع واحدی خود از ساعت ۱۱ صبح میدان یاد بود این حرکت ضد انقلابی حزب دمکرات را محکوم کرده و خواهشمان پس گرفتن چنانچه شهیدان آزادی اسرا و زخمیهای خود از دست حزب دمکرات گردیدیم.

از سازمان بیکار
در راه آزادی طبقه کارگر
(کمیته کردستان)
۱۳۰۱/۱۲/۸

بوکان به وحشت افتاده بودند، با تیراندازی اقدام به پراکندن صفوف مردم کردند. بقیه در صفحه ۱۰

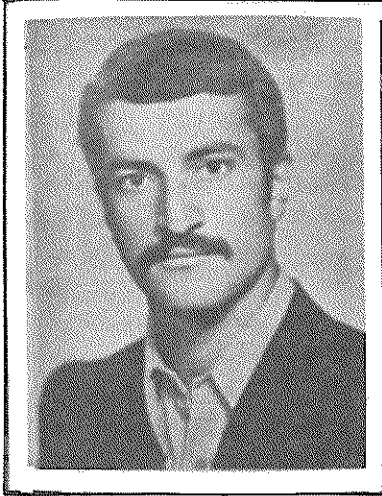
بدنبال حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقرران ما در بوکان و شهادت حداقل سه نفر از رفقای ما، کمیته کردستان سازمان ملی اطلاعیه‌ای از مردم زحمتکش بوکان دعوت کرد تا روز جمعه ۵۹/۱۲/۸ در اعتراض به عمل سنگین و ضد خلقی حزب دمکرات در راهپیمائی شرکت کنند. راهپیمائی از جلومقرسا زمان آغاز گردید و در طول مسیر زحمتکاران بوکان با پیوستن به صف راهپیمایان اعتراض و نفرت خود را به اقدام جنایتکارانه حزب دمکرات ابراز میداشتند همچنین حدود ۳۰ نفر از ویا ش حزب دمکرات در مسیر راهپیمائی با دادن شعارهایی بر علیه سازمان ما و نیروهای انقلابی قصد برهم زدن صفوف راهپیمایی را داشتند که با مقابله سرسختانه راهپیمایان خشمگین از جنایات حزب دمکرات مواجه شده و در اثر حرکت تظاهرات کنندگان تا مقر حزب دمکرات به عقب رانده شدند، در مقابل مقر حزب دمکرات مردم با ردیگر با دادن شعارهایی، جنایات حزب دمکرات را محکوم کردند، افراد مسلح دمکرات که از نفرت انقلابی زحمتکاران

به آرمان سرخ کمونیست قهرمان رفیق باقی خیاطی وفادار بمانیم!



آنها دلیرانه در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستم‌دیده ایران بیکار نمودند و تا جوا نمرده نه توسط حزب دمکرات به شهادت رسیدند. سه کمونیست قهرمان سه رفیق بیکارگر، همسران دلیر خلق ستم‌دیده کرد، فرزندان دلاور کردستان، عاشقان راه آرمانهای کارگران و زحمتکاران کردستان خون خود را وقف تداوم انقلاب خلقهای ایران نمودند. کاک باقی خیاطی "دانشجوی انقلابی، پیشمرگه کمونیست از جمله آنها بود.

کاک باقی خیاطی، دانشجوی دانشگاه تبریز بقیه در صفحه ۱۲



راه سرخ کمونیست قهرمان رفیق محمود (رضا) ابلاغیان را با تمام توان ادامه دهیم!



او یک کمونیست بود، قلبش برای طبقه کارگر زحمتکاران و خلقهای ستم‌دیده می تپید، سه آرمانش که آرمان طبقه کارگر یعنی کمونیسم بود تا پای جان وفادار ماند و در راه آن جان باخت، در دوران طبقه کارگر و زحمتکاران را لمس کرده بود و شیرینی مبارزه طبقاتی را در محیط آکنده از فقر خوانده، در کارهای طاقت فرسای تابستانی، در کارخانه‌ها و در میان خلق ستم‌دیده کرد چشیده بود، صمیمیت، صداقت، پشتکار و

جدیت و عشقش به طبقه کارگر و سازمانش در کاره کمونیستها کارگران، خلق ستم‌دیده کرد و بقیه در صفحه ۱۰

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



فراوان بدست آورده بودند، برآه انداخته و، اعلامیه انقلابی و آگایگان در جهت اسبسات حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد و دعوت توده ها به مبارزه بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی چاپ و پخش کردند.

در جریان دوره اول جنبش مقاومت وقتی که رفیق تیمور برای گرفتن اسلحه به کوه رفته بود رفیق طاهر در شهرمانندوبیا افشاگریها و فعالیتها ی خود، بیگاران انقلابی خود بر علیه رژیم را شدت بخشید

و در جریان همین افشاگریها رفیق شهید طاهر توسط پاسداران و جاشها دستگیر و زندانی شد. بدنبال آزاد شدن شهرهای کردستان توسط پیشمرگان قهرمان خلق کرد، رفیق شهید طاهر از زندان آزاد شده و با عشق و شور و شوق بیشتر به مبارزه خود ادامه داد. او در کارگاهی که به کار مشغول شده و به آگاه کردن کارگران پرداخت.

با تلاش طاهر و همزمانش محفل دوباره شکل گرفت و پس از مطالعه مواضع سیاسی سازمانهای جنبش کمونیستی، در بهمن ۵۸ هواداران سازمان بیگار شده و رفیق طاهر و همزمانش مبارزات انقلابی خود را در سنگرزمان ما ادامه دادند. رفیق شهید طاهر برای زحمتکشان بوکان چهره آشنائی بود و را میدیدند که چگونه سرماله های بیگار

و اعلامیه های سازمان را بزبانی شاد و شیرین برای زحمتکشان بوکان توضیح میداد. مردم بوکان در سرودها و آوای انقلابی او در دورنج زندگیشان را لمس میکردند و از همین رو رفیق شهید طاهر مورد علاقه زحمتکشان بوکان بود.

رفیق طاهر با وساطت قدرت تبلیغاتی توانائی کار توده های و جذب توده ها، نقش فعالی را در گسترش فعالیت انقلابی سازمان ایفا مینمود به هنگام میوروش مزدوران حزب دمکرات به مقبر سازمان در بوکان رفیق طاهر با اسلحه کمبری خود دلاورانه در مقابل میوروش وحشیانه حزب دمکرات ایستادگی کرد و نشان داد که کمونیستها در راه منافع طبقه کارگر و آزادی خلقهای ستمدیده در برابر دشمنان خلقها، سرمایه داران و فئودالها اسلحه بزمین نمیگذارند. او با انتشار خونش در راه خلق قهرمان کرد، تداوم انقلاب خلقهای ایران را توید داده است.

به آرزویش وفا دار ما نسیم و همچون او عاشقانه در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده بیگار نشانسیم!

گوشه هایی از اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات در کردستان

کرده و اموال مردم زحمتکش بوکان را حین ورود بشهر مسافره و جریمه میکنند
مهاباد ۵۹/۹/۳۰

حزب دمکرات ۶ تن از پیشمرگان انقلابی بیگار را پس از ضرب و شتم خلع سلاح نمود.
بوکان ۵۹/۱۰/۵

افراد مسلح حزب دمکرات قلدرمشانه به میتینگ کومله و مردم حاضر در محل حمله کردند و ضمن برهم زدن میتینگ و زد و بزدیدن ماشین کومله مردم و پیشمرگان کومله را مورد ضرب و شتم قرار دادند.
بوکان ۵۹/۱۱/۲۱

حزب دمکرات ساعت ۳ با مداخله روستای "حما میان" آمده و پس از خلع سلاح نگهبانان اعضای شورای آبادی را با خطر عملکردهای انقلابی ضد فئودالیشان دستگیر نمود افراد حزب با ضرب و شتم فراوان مردم زحمتکش محل بسه ما موستا و کومله توهین کردند.
بوکان ۵۹/۱۱/۲۴

افراد مسلح حزب دمکرات برای آزادی یک سرمایه دار و پیشمرگان کومله را بر کجا بستند که در نتیجه آن یک پیشمرگ و یک کودک خردسال زخمی شد. پس از آن حدود ۱۰۰ نفر از جماعتاران حزب به مردمی که برای شنیدن سخنرانی یکی از مسئولین کومله در باره حمله حزب دمکرات در جلو مقر کومله جمع شده بود حمله کرده و آنگاه بسه خیا با آنها میریزند. جماعتاران حزب هواداران نیروهای انقلابی را ضروب نموده و پوسترها و اعلامیه های آنها را با ره کرده و چند نفر را دستگیر میکنند.

اینگونه اقدامات تنها دشمنی حزب دمکرات با خلق کرد و کمونیستها و نیروهای انقلابی و حمایت آن از جاشها مالکین و سرمایه داران را نشان میدهد. و روشن میسازد که حزب دمکرات برای تامین منافع ارتجاعی و ضد انقلابی خود به هر جنایت و خیانتی بر علیه خلق کرد دست میزند.

در حاشیه حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقر سازمان ما در بوکان و شهادت حداقل سه تن از رفقای ما بدست افراد حزب دمکرات ضروری است که مروری بر برخی اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات بر علیه جنبش مقاومت نکنیم:

سروششت ۵۹/۳/۲۸
افراد مسلح حزب دمکرات پیشمرگان انقلابی کومله را بخاطر دستگیری عده ای از مالکین شوروم منطقه "آگلین" از توابع بیران شهر توسط کومله دستگیر کرده و پس از خلع سلاح آنها را بگروگان گرفتند.
هیاندوآب - اوائل آبان ۵۹

افراد حزب دمکرات به روستای زنجیرآباد (ترک نشین) در نزدیکی میان دو آب حمله کردند که در نتیجه آن یک خانه مسکونی برآشوبی جی ویران شد.

بوکان ۵۹/۸/۱۳
قطع درختان اطراف شهر جهت مصارف شرورت - مندان، مالکین و مسئولین حزب.

بیرانشهر ۵۹/۸/۲۱
افراد حزب دمکرات، مقر "راه کارگر" در روستای "عزیزکنند" محاصره کرده و افراد مسلح راه کارگر را خلع سلاح نمودند.

هیاندوآب ۵۹/۸/۲۳
افراد حزب دمکرات به روستای "گردد رش" حمله کردند که در نتیجه آن چهار نفر از جمله یک زن بشهادت رسیده و ۵ کودک خردسال زخمی شدند همچنین در اثر این حمله ۳ انبار علوفه آتش گرفت. بدنبال این میوروش مردم محل بعلت آزار و اذیت حزب دمکرات بطرز عمده انگیزی به تترک روستا مجبور شدند.

مهاباد ۵۹/۹/۷
افراد حزب دمکرات، چهار تن از پیشمرگان کومله را بهنگام انتقال یک جاش منفور دستگیر شده برای با زوجی در مهاباد، دستگیر و مسورد آزادیت قرار دادند.

بوکان اوائل آذر ۵۹
حزب دمکرات از ورود کالاهای شهر جلوگیری

آخرین خبر:

اعتصاب غذای پیروز رفقای زندانی

بعد از حمله وحشیانه حزب دمکرات به پیشمرگان سازمان بیگار و تصرف مقر سازمان عوامل حزب دمکرات ۲۴ تن از رفقای مسلح و غیرمسلح مستقر در مقر را دستگیری می نمایند و آنها را شدیداً مورد ضرب و جرح قرار میدهند. در همان روز دستگیری عوامل حزب رفقای ما را به کمیته قضائی حزب برده و در یک اتاق تنگ و نومور سرد قرار دادند و جماعتش پتو در اختیار آنها گذاشتند. از همین موقع رفقا متحداً در اعتراض به جنایت حزب و بخاطر استرداد اموال سازمانی و آزادی خود دست به اعتصاب غذا میزنند. فردای آنروز رفقای زندانی که از بیرون صدای تظاهرات کنندگان را می شنوند شروع به شعار دادن و خواندن سرود میکنند. در این موقع محافظین مسلح کمیته بخشم آمده و با لاجرم ساعت ۱۰/۵ شب ۵۹/۱۲/۸ بر آن میشوند تا رفقا را به زندان بیرون شهر انتقال دهند. رفقا دلیرانه دست به مقاومت زده. اما عوامل حزب با قنای تفنگ و شلاق (از نوع شلتک آب) چند رفیق را مورد ضرب و جرح وحشیانه قرار میدهند و آنها را بزور سوار کامیون و سپس تترکوت کرده و به زندان خارج ازشهر میبرند.

رفقای زندانی در زندان به اعتصاب غذای خود همچنان ادامه داده و در حالیکه حمایت توده های وسیعی را در خارج از زندان نسبت به خود بوجود آورده بودند و حزب شدیداً افشا شده بود آزاد میگردند. این رفقا در روز ۱۲ اسفند ساعت ۱۰ شب در ششمین روز اعتصاب دلیرانه خود اعتصاب غذا را شکست و فردای آنروز آزاد شده و به شهر باز میگردند.



بقیه از صفحه اشهادت ...

جیبهای رفقای غرقه در خون ما دست زده سوال مقرر را غارت کرده، نشریات کمونیستی موجود در آن را آتش زده و هفت تن از رفقای مسلح و غیر مسلح ما را دستگیر مینماید در حال حاضر مقرر سازمان در دست این جانیان بوده و جنازه شهدا

اقدام چنانیکاران حزب دمکرات را محکوم نمائیم

در اختیار آنانست .

کارگران و خلقهای ایران !

کمونیستها برای استقلال و دمکراسی واقعی برای جمهوری دمکراتیک خلق ویرای سوسیالیسم میجنگند. کمونیستها دشمن امپریالیستها سرمایه داران، مترجمین و همه ضد انقلابیون میباشند. کمونیستها برای پیروزی انقلاب مبارزه میکنند و در این راه لحظه ای فکر سازش با رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و سایر رژیمها و نیروهای ضد انقلابی را بخود راه نمیدهند. آری کمونیستها یا ران صدیق انقلاب زحمتکشان ایران میباشند و به همین خاطر پیوسته مورد سرکوب و تهاجم رژیم شاه، رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و نیروهای ضد انقلابی قرار گرفته اند. رفقای ما هر جا کسسه مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم در جیبها ن بوده در صفوف مقدم جبهه نبرد قرار داشته اند و یکدم از فضای دشمنان انقلاب غافل نیوده اند. سازمان ما نه تنها رژیم حاکم را دشمن زحمتکشان ایران میدانند، بلکه نیروهای مانده حزب توده، فدائیان "اکثریت" و حزب دمکرات را نیز در صف دشمنان انقلاب قلمداد میکنند، چرا که این نیروها بخاطر منافع کارگران و زحمتکشان مبارزه نمیکنند. حزب دمکرات بخاطر اهداف و منافع ضد انقلابی خود با رژیم حاکم مخالفت میکند. این حزب در پی آن نیست تا کارگران و زحمتکشان در

کارگران زحمتکشان خلقهای مبارز ایران!

با ردیگر افراد مسلح حزب دمکرات بر اساس مشی ضد انقلابی حزب، جنایت بیسابقه ای آفریدند و دست به کشتار کمونیستها زدند، افراد حزب دمکرات در همان زمان که رژیم چنانیکار جمهوری اسلامی خلق کرد را قتل عام میکنند و سینه پیشمرگان انقلابی را با گلوله میشکافند، با رگبار مسلسلهای خود رفقای ما را مورد حمله وحشیانه قرار داده و چند تن از آنان را به خون میکشاند.

بعد از ظهر روز پنجشنبه هفتم اسفند در بوکان توسط سه تن از عوامل حزب چنانیکار دمکرات در خیابان رودر حضور مردم یکی از فرزندگان نشریه پیکسار (شماره ای که در آن "مناصبه مجاهد با قاسلو" افشا شده بود) را مورد ضرب و شتم قرار داده و او را دستگیر مینماید. نیم ساعت بعد از حادثه، عوام مسلح چنانیکار حزب با نیروی بسیار زیاد و همراه با یکی از مسئولین حزب دمکرات که در زمان شاه خائن ساواکی و جاسوس بود، با انواع سلاحهای سبک و سنگین مقرر زمان پیکار را در شهر محاصره کرده و مورد حملات نظامی خود قرار میدهند. آنها با آرم پی - جی و نارنجک انداز وحشیانه مقرر سازمان را مورد هجوم قرار داده و به روی مردمی که در پی آن بودند تا از یورش حزبها جلوگیری بعمل بیآورند آتش میکشایند. در برابر یورش ضد انقلابی، رفقای مستقر در مقر دلیرانه دست به مقاومت میزنند. پس از سه ریح حملات فاشیستی و کشتار روز خمی کردن چند تن از رفقای ما توسط حزبیهای جانی رفقای ما پیشنهاد آتش بس و مذاکره میدهند. اما حزبیها که کینه و حشیا نه ای نسبت به طبقه کارگر و پیکارگران راه آزادی طبقه کارگر دارند به تیراندازی خود همچنان ادامه داده و حداقل سه تن از رفقای ما را به شهادت میرسانند. رفیق رضا ابلاغیان، (از اعضای سازمان و عضو (اهل مها باد) رفیق پیشمرگه قهرمان باقی خیاطی (اهل مها باد)، و رفیق پیشمرگه قهرمان ظاهرا برای همی (اهل بوکان) توسط جانیان حزب به شهادت میرسند و بعد علاوه تعدادی از رفقای مستقر در مقر شهیدان زخمی میشوند.

بدنبال این جنایات هولناک حزبیها بدخل مقر نفوذ کرده، رفقای موجود در مقر و از جمله زخمیها را وسیعاً مورد توهین و ضرب و شتم قرار میدهند. این جلادان سپس به دزدی و خالی کردن



ایران به قدرت برسند، این حزب مدافع منافع مالکین و سرمایه داران است و به همین خاطر از یک سو پیوسته کوشیده است تا با رژیم مرتجع جمهوری اسلامی به سازش برسد و با رژیم مرتجع ارتجاعی بعث عراق از رژیم ایران امتیازات جدیدی بگیرد و از سوی دیگر پیوسته مخالفت و دشمنی خود را با توده ها و با انقلابیون صدیق و کمونیستها واقعی بنمایش گذاشته است. همین حزب بارها در دفاع از منافع مالکان، دهقانان را مورد سرکوب قرار داده است، همین حزب بارها کوشیده است تا نیروهای انقلابی ما ندر رفقای کوبه را خلق سلاح کند، همین حزب در گذشته چند تن از پیشمرگان سازمان ما را خلق سلاح نموده است و همین حزب امروز به مقرر سازمان ما حمله وحشیانه نموده و حداقل سه تن از رفقای ما را به خون کشیده و تعداد زیادی از رفقا را زخمی و دستگیر مینماید. آری آنچه امروز حزب دمکرات انجام میدهد امری اتفاقی نیست، به همانگونه که کوشش حزب برای سازش با رژیم حاکم اتفاق نیفتد، به همانگونه که سازش حزب با بعثیهای مرتجع عراق و دیگر کرات، بنهانی سران حزب با بختیار مزدور اتفاق نیفتد، حزب دمکرات بر ضد انقلاب خلقهای ما بوده و به همین خاطر انقلابیون و کمونیستهای صادق و از جمله سازمان ما را مورد هجوم وحشیانه خود قرار میدهند. و پرواضح است که این نیروی ضد انقلابی به این اقدامات و به سازمان ما بستنده نخواهد کرد. سیاست حزب دمکرات در مناطق آزاد شده کردستان حمله گام به گام به تمامی نیروهای انقلابی و فعال را بدنبال خواهد داشت. امروز تمرکز حمله ضد انقلابی حزب بر روی ماست و فردا بروی نیروی دیگری خواهد بود و به همین لحاظ ما به تمامی کمونیستها و انقلابیون فعال در کردستان هشدار میدهیم و از آنها میخواهیم تا اهداف و سیاستها و مشی خائنانه این حزب را برای توده های زحمتکش افشا نمایند و همبستگی و همکاری میان خود را تعمیق بخشند. رفقای ما در کنار سایر نیروهای انقلابی در کردستان، در کنار خلق دلیر کرد و بر علیه رژیم چنانیکار جمهوری اسلامی میجنگند و با طبع در چنین شرایطی سازمان ما خواهان درگیری نظامی با حزب دمکرات نمیشود، اما زمانی که این حزب ضد انقلابی برای خلق سلاح پیشمرگان قهرمان ما عمل میکند زمانی که مقرر سازمان را مورد حمله قرار داده و رفقای ما را زخمی و شهید مینماید تا آنجا که در قدرت و توان خود را به مقتدرانه دست میزنیم ما در برابر رژیم جلاد شاه تسلیم نشدیم، ما در برابر رژیم تبهکار جمهوری اسلامی اسلحه خود را بر زمین نگذاشتیم و پرواضح است که در برابر جنایات حزب دمکرات نیز خاموش نخواهیم ماند و نه دست از مبارزه خواهیم کشید. ما همچون گذشته وفادار به انقلاب توده ها خواهیم بود، بمبارزه علیه هیات حاکمه ایران ادامه خواهیم داد و تا می نیروهای ضد انقلابی همچون حزب دمکرات را افشا خواهیم نمود. ما کمونیست هستیم و تا



خلق ها و مسئله ملی

آخرین قطره خون خود وفا داریه انقلاب و سوسیا - لیسیم باقی خواهیم ماند و حزب دمکرات ، ایسن مدافع مالکین و سرمایه داران ، بدانند که هرگز نمیتوانند جلوی تداوم مبارزه ما را بگیرند ، همچنان که رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی نتوانستند از مبارزه طبقاتی و ملی کمونیستها ، خلقهای ایران و از جمله خلق دلاور کرد جلوه گیری بعمل آورد حزب دمکرات میخواهد کردستان را بیزیر حاکمیت ضد انقلابی خود بکشد ، اما مطمئن باش شد خلق آگاه و دلیر کردستان و نیروهای کمونیست و انقلابی هرگز اجازه نخواهند داد تا حزب دمکرات خیانتکار ، انقلاب خونین خلق را خفه نماید . ما با دیگر بیهوده های کمونیست و انقلابی همداریم و نه تنها از آنها میخواهیم

تا ما هیت و اهداف ضد انقلابی حزب را بطور مستمر افشا نمائیم ، بلکه اقدام جنایتکارانه حزب را در قبال سالها زمان ما و کشتار و اسارت رفقای پیشمر - که ما را شدیداً محکوم نمائند و همصدا با ما خواسته های زبیر را با صدای رسا اعلام دارند :

« محاکمه عاملین تسهک رگشتا و کمونیستهای بیگانه رگرفریق رضا ایلامیان ، رفیق باقی خیا طی رفیق طاهرا برای همی بردا دگا ه انقلابی خلق کرد » تحویل فوری جنازه شهید ، آزادی فوری رفقای اسیر (جان این رفقا بخصوص رفقای زخمی در خطر است) و استرداد اموال سالها زمان که جزوا مسائل زحمتکشان و طبقه کارگر است .

گرامی با دخاله رفقای شهید که در راه انقلاب توسط عوامل حزب دمکرات به خون کشیده شدند ! هر چه رسوا تر باشد دوطرفه های خائنان حزب دمکرات بر علیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست ! برتوانند ترساید جنبش مقاومت خلق کرد ! بر قسرا رسا جمهوری دمکراتیک خلق !

۵۹/۱۲/۱۱

مقرما در تصرف و اشغال این غارتگران و جنازه شهیدان نیز در اختیار آنان است .
مردم مبارز بوکان!
خلق قهرمان کرد!

حرکت دیروز حزب دمکرات و کشتار روبه خاک و خون کشیدن عده ای از رفقای قهرمان ما که هر یک سابقه چندین سال مبارزه بر علیه رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی را دارند ، چیز تازه ای نیست این اقدام حرکت گذشته حزب است . خلق سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی اگر تا دیروز بسا شهید صورت میگرفت ، اکنون با هجوم وحشیانه توأم است . گوشتی حزب دمکرات دشمنان واقعی خود را در میان خلق کرد و نیروهای انقلابی میباید . و بواقع نیز عمل حزب دمکرات همیسن را نشان میدهد . حزب دمکرات همچون پاداران رژیم جمهوری اسلامی مقرب پیشمرگان را محاصره و پس از کشتار عده ای از بهترین فرزندان خلق قصد تصرف مقرر میکنند ، حزب دمکرات پیش از آنکه رژیم جمهوری اسلامی را دشمن بشناسد ، نیزوهای انقلابی کردستان را در مقابل خود میبیند . حزب دمکرات چاشها را در میان خود میپذیرد و آنان را آزاد میکند ولی پیشمرگان انقلابی را دستگیر میسازد . حزب دمکرات نیرو...

جنایتی هولناک توسط حزب دمکرات

و شروع به دستگیری و کشتن گاری رفقای بی سلاح و توهین به آنان می نمایند . افراد زخمی را زیر باران ممت و لگدمیکشند . پیشمرگان قهرمان سالها زمان ما را که تا به امروز در هر شرایطی در صف مقدم جبهه بوده و سینه خود را در برابر تهاجم رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی سپرده اند ، نیز خلق سلاح کرده و با توهین و کشتن گاری اسیر میکنند . بیشتر ما نه ترو وحشیانه ترا ز همه آینه سرب رسیدن یکی از افراد زخمی توسط یکی از جلادان دمکرات میباشد ، شخصی که این کار را کرده در زمان شاه نیز جاسوس و ساواکی و فردی جنایتکار بوده ، او اکنون یکی از مسئولین حزب دمکرات است . لگد زدن و توهین به جنازه شهیدان نیز از شا هکارهای دمکرات است . این جانبا ن در حالیکه پیکر شهدای ما غرق در خون بوده در پی گشتن جیبهای آنان و دزدی کردن بوده اند . به شهادت مردمی که از نزدیک شاهد ما جرابوده اند ، بوی الکسل ناشی از مستی افراد حزب کا ملامعلوم بوده است پس از ما این پیشرمیها و دستگیری حدود چهل نفر از رفقای مسلح و غیر مسلح ما ، این جانبا ن یکی از زندانیان ما را که یک قاچاقچی مشهور و بزرگ جاش رژیم جمهوری اسلامی بود ، با احترام و در حالیکه خود این جاش به نفع حزب شعار میداد آزاد ساخته و او را با خود میبرند ، در کنارت تمام این قضا یا افراد مسلح حزب چندین دفعه بسا تهدید و اعراب و تیراندازی بسوی مردمی که برای اعتراض به حرکت حزب تجمع کرده بودند آنها را پراکنده میسازند و حتی قصد کشتن بستگان یکی از شهدای ما را که در حال افشای حزب بود ، میکنند . غارت اموال مقروآتش زدن نشریات آخرین عمل این جنایتکاران بود . هم اکنون

با دیگر افراد مسلح حزب دمکرات بر طبق سیاست حزب جنایتی دیگر آفرینند و روی پاس - داران ارتجاع را سفید کردند ، این بار نیز جریان طبق معمول حمله و یورش وحشیانه به پیشمرگان یک نیروی انقلابی فعال در جنبش مقاومت خلق کرد است . حرکتی که دقیقاً از پاداران و ارتش ضد خلقی انتظار می رود ، بار دیگر بوسیله حزب دمکرات انجام میگردد . جریان بدین قرار است که تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمکرات که اکثر مست بوده اند بعد از ظهر روز پنج شنبه هفتم اسفند بتعدادر خیابان و در حضور مردم به یکی از فروشندهگان نشریه پیکر حمله برده و او را مورد ضرب و شتم و توهین قرار داده ، دستگیر میکنند ، سپس بسا تجهیزات کامل و سلاحهای سنگین و نیروی زیاد مقر سالها زمان پیکر را در شهر بوکان محاصره و شروع به تیراندازی بسوی مقرونگهان آن میکنند ، اعتراضات مردمی که میخواهند جلوی یورش را بگیرند مورد توجه افراد مسلح حزب قرار نمیگیرند و آنان بروی مردم نیز آتش میگشایند در طی این درگیری حزبها با آرمی - پی - جی و نارتک انداز به ساختمان مقرونگهان آرمی - پی - جی و نما یند ، این حمله وحشیانه با مقاومت دلیرانه رفقای ما روبرو میگردد . پس از آنکه بیش از سه ربع ساعت از درگیری و حمله مغول وارد مکرانها به مقر ما میگردد آنجا که عده ای از رفقای ما شهید و زخمی میشوند ، رفقا از درون مقربیشهاد آتش بس و مذاکره میدهند ، ولی این جانبا ن و جلادان همچون پاداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از کوبیدن مقربا سلاحهای سبک و سنگین دست برنمیدارند تا با لخره بدا خل مرفوفود کرده

های سرکوب رژیم عماد پاداران و جاش و ارتشی را اسکورت میکند و به سلامت به پادگان ما با دود دیگری دگا نها میرساند . ولی پیشمرگان قهرمان سالها زمان پیکر را با خون مینشانند . بزاستی این عملکردهای حزب دمکرات چه فرقی بسا حرکات رژیم دارد ؟
حزب دمکرات احقاً نه خیال میکند بسا ترو و کشتار انقلابیون و از جمله رفقای بیگانه گرما میتواند انقلاب را خفه کند حزب دمکرات همچون هر حزب سرمایه داری دیگر بیهوده میاندیشد که میتواند بسا سرکوب زحمتکشان صدای آنان را برای همیشه خفه کند . ولی هیبتا اگر رژیم ضد خلقی شاه نتوانست انقلاب را نابود کند و اگر رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی توانسته است صدای اعتراض توده ها و خلق قهرمان کرد را خاموش سازد ، حزب دمکرات نیز خواهد توانست انقلابیون را ساکت کند . سالها زمان پیکر کارنا مه خونینش به بیش از ۱۵ سال قبل بر سر میگردد و مبارزه رفقای ما در زمان رژیم دیکتاتور توری شاه باعث به خون غلظیدن بسیاری از رفقای قهرمان ما گردید . اما هرگز در برابر ضد انقلاب یک قدم عقب برننداشتیم . در زمان رژیم جمهوری اسلامی نیز رفقای بیگانه رگما از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب خاک کشور را با خون خویش رنگین ساخته اند . اعدام رفقای بیگانه رگما در خوزستان و آذربایجان و شهادت پیشمرگان دلیر ما در کردستان گواه این قضیه است . اما هرگز کشتار ما را با یک قدم ما مبارزه با زندا شته و نخواهد داشت . یورش وحشیانه و دمدنشا نه حزب دمکرات نیز نخواهد توانست ما را یک قدم از مواضع و نظراتمان بقیه در صفحه ۲۵

اخبار مبارزات توده‌ها



زنان زحمتکش و مصادره ماهیهای دولتی!

در تاریخ ۲۳/۱۱/۵۹، جمعیتی از زنان زحمتکش که در خیابان سلسبیل برای خرید ماهی از فروشگاه شیلات صف کشیده بودند، به باسداران داخل مغازه که با رتی بازی کرده و ماهی را فقط به آشنایان نشان میفروختند اعتراض کرده و زن زحمتکشی روبه پاسداری که در حال خارج کردن یک کیسه ماهی از مغازه بود، کرده و میگوید: "جرا بدون اینکه در صف با بستی ماهیها را با رگردهای ومیبری، مگر تو وجودان نداری، بیخود نیست که کمونیستها شما را باسداران سرما به مینما مند. شما را قاتل و دردمیاند، واقعا حق دارند." با سدا رمز در دریا سخ جواب میدهد: "غلط زیاد نکن زنیکه... که زنان همگی بوی حمله ورمی- شوند و با سدا سرما به فرار میکنند. سپس زنان زحمتکش بداخل مغازه هجوم برده و ماهیهای دولتی را ما بین خود تقسیم میکنند. توده‌های آگاه در مقابل سیاستهای ضد مردمی رژیم سیاست و خواست خود را اعمال میکنند.

★★★

مبارزه زندانیان انقلابی ادامه دارد

در حدود یک ماه پیش، باسداران جهل و سرما به، عده‌ای از جوانان انقلابی را در شهر کُرد به جرم دفاع از منافع زحمتکشان وداشتن افکار انقلابی دستگیر و به زندانگاه افغان منتقل میکنند. این عمل ارتجاعی بوسیله هواداران "سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" (چهارم حال بختیاری) و دیگر کمونیستها افشا شد. طبق اطلاعات موثق شکنجه‌گران رژیم به انواع شکنجه توسل جستند تا شاید روحیه مقاومت را در زندانیان انقلابی بشکنند (شکنجه‌هایی مانند سوزاندن بدن بوسیله آتش سیگار و کتک زدن بوسیله کابل...).

انقلابیون در زندان نیز دست از مبارزه بر نداشته و برای رسیدگی به وضعیتشان ۵ روز اعتصاب غذا میکنند. رژیم ضد خلقی نیز بدروغ قول رسیدگی را میدهد اما هنوز که ازما هیت آنها برمی آید، قول آنها فریبی بیش نبوده. زندانیان انقلابی دوباره دست به اعتصاب غذا زده و تاکنون اعتصابشان ادامه دارد.

به نقل از: کوهننگ شماره ۱۰ - نشریه هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - چهارم حال بختیاری

توطئه‌های رژیم علیه صیادان آزاد را افشا کنیم

خواهیم ما لید.

کارگران! زحمتکشان گیلان!

صیادان مبارز گیلان!

در چنین شرایطی تنها با مقاومت همه جانبه در برابر بریورهای ارتجاع، برقراری ارتباط با دیگر صیادان آزاد منطقه، ایجاد شورایی صیادان آزاد در محدوده فعالیت خود، ایجاد ارتباط با دیگر شوراهای صیادی مانند شورای صیادی آزاد انزلی و تشکیل اتحادیه‌سراسری صیادان آزادی توانید حقوق خود را برابر رژیم جمهوری اسلامی دفاع نمائید.

بیت‌سوی ایجاد شوراهای واقعی صیادی با اندکی تغییر و تلخیص از اعلامیه کمیته گیلان - سازمان

جندی است که بدنبال فرار رسیدن فصل صید رژیم کشتار و سرکوب جمیوری اسلامی از هر طرف به صیادان آزاد منطقه فشار می آورد و تلاش می کند که از صیادان نافع خود جلوگیری نماید.

اخیرا مقامات مرتجع رژیم طی بخشنامه‌های صیادان منطقه تلاش را تهدید کرده که در صورت ادا مه صید تحت تعقیب قرار خواهند گرفت (جنگل - ۱۹/۱۱/۵۹) این اولین باری نیست که رژیم جمهوری اسلامی در مقابل زحمتکشان دست به تهدید و ارباب میزند و صیادان آزاد همچنان که در حمله قهرمانانه سال گذشته خود در انزلی نشان داده اند با ردیگر بوزه ارتجاع را به خاک

یورش ناکام پاسداران و پلیس به زحمتکشان ساختمان لاله

شد. با سناها و پاسداران از ورود مردم به ساختمان جلوگیری میکردند. مزدوران با قنداق ژس به صورت زحمتکشی کوبیدند و خون از دهانش جاری شد. سرکوب با سناها و پاسداران، مقاومت را بیشتر کرد. آنها تیر اندازی هوایی کردند و ملی مقاومت دلیرانه زحمتکشان ساکن ساختمان و حمایت مردم ارتجاع را به عقب نشینی واداشت. مردم مبارز اثنایه را در هم ریخته و زحمتکشان را بداخل ساختمان بردند روحیه همبستگی مردم و ساکنین زحمتکش خانه تحسین آمیز بود و همین اتحاد و یگانگی بود که باعث عقب نشینی مزدوران ارتجاع گردید.

روزی بیونست های توده‌ای و اکثریتی نیز حاضر بودند و چون همیشه به خدمتگزاری ارتجاع مشغول بودند. آنها با "غیر مستضعفان! خواندن زحمتکشان ساکن ساختمان و "ساواکی" نامیدند آنها سعی میکردند مانع از حمایت مردم شوند اما مثل همیشه افشا شده و با ختم و کینه زحمتکشان حاضر و برور شدند.

★★★

روز پنجشنبه ۷ اسفند ماه، باسداران سرمایه به زحمتکشان ساکن ساختمان لاله (خیابان کارگر مقابل موزه فرش) یورش بردند و تا شبه نا چیز آنها را به بیرون ریختند و شکستند. این زحمتکشان از مدت‌ها پیش در این ساختمان ساکن شده اند و با رها از طرف چماق‌داران رژیم جمهوری اسلامی تهدید به اخراج شده اند باسداران سرما به که با یک حکم "بنیاد مستضعفین" به آنجا یورش آورده بودند، با مقاومت زحمتکشان مستقر در ساختمان روبرو شدند. زن زحمتکشی با چماق‌های اشکبار فریاد میزد: "شورم بیکار راست و خودم رختو، حالا خسته و کوفته از کار برگشته ام میبینم میخواستند بیرونمان بکنند، ما بگیا برویم؟" مردم زحمتکش وعده‌ای از عناصر آگاه با اجتماع در مقابل ساختمان به افشای رژیم پرداختند. مردم حاضر شعار میدادند "زحمتکشی حق توست، از خانهات دفاع کن". "زحمتکش، زحمتکش حمایت میکنیم". مقاومت زحمتکشان با روحیه‌ای که از پیشانی مردم گرفتند بیشتر

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده‌ها باشیم



خلق ها و مسئله ملی

بقیه از صفحه ۵ راه سرخ ...

زحمتکشان که او را از نزدیک می شناختند باقی خواهد ماند. همه ما او را مشتاق سم، رفیق محمود (رضا) ایلاتیان را، رفیق کمال مدائن میگردیدیم. در سال ۱۳۳۳ در سورجورد بندها آمد. بدرستی یک پیشه ور ساده بود. زندگی تو ما فقرز میند اصلی رند آگاهی انقلابی و عشق طبقاتی او به طبقه کارگر و توده های زحمتکش بود. اغلب تا بستن آنها برای کمک به بدر زحمتکش خود در راه خانه نوا ده بدشاگردی میبرد اذخ. دو سال تا بستن را در یک معاززه سزی فروشی بکار مشغول بود. خصال یک انسان کمونیست و عشق بی پایان به زحمتکشان، از او انسانی محبوب برای آشنایان ساخته بود. دوران تحصیلات دبیرستانی را در سورجورد گذراند. در سالهای آخر دبیرستان بر اثر مطالعه کتب علمی و مارکسیستی، مارکسیسم - لنینیسم را فرا راه مبارزات انقلابی خود قرار داد. کار آگاهانه و مطالعه و کوهنوردی در دوره دبیرستان جزئی از زندگی شده بود. در سال ۵۳ به مدرسه عالی ورزش راه یافت.

بقیه از صفحه ۵ راه سیمانی ...

اما هزاران زحمتکش بوکانی ضمن دادن شعار "زنده باد آزادی" بهم پیوستند. مرتب برانگسوه جمعیت افزوده میشد و فضای شهر بر ضد دمکرات تغییر یافته بود. حزب دمکرات قصد داشت بدون سرو صدای رفقای شهید ما را دفن کند اما فشار رنجش اعتراضی توده ها، محکوم شدن این جنایت توسط نیروهای کمونیست و انقلابی و اقتضای وسیع رفقای سازمان، حزب دمکرات را مجبور ساخت تا بیگرم شهیدان بخون خفته را از طریق دفتر ما مستأجرا به ما تحویل دهد. پس از تحویل گرفتن جنازه های شهیدان در مراسم پیام کمیته کردستان سازمان که در آن ضمن محکوم کردن اقدام جنایتکارانه حزب دمکرات، آزادی رفقای زندانی خواسته شده بود قرائت کردید. پس پیام سازمان رزمندگان که حزب دمکرات و اقدامات جنایتکارانه اش را بشدت محکوم کرده بود و اعلامیه ای نیز از طرف دفتر ما مستأجرا به عزالدین خوانده شد.

بعدا از ظهر جمعه تمام خیابانهای شهر و اطراف مقر به محل بحث و میتینگهای موفقی تبدیل شده بود. توده های زحمتکش شهرانجا و آنجا تجمع کرده و رفقای سازمان در میان آنها به افشای جنایات حزب دست زده و به توده ها میگفتند که حزب طرفدار انقلاب نیست. فضای شهر کاملاً به ضد حزب دمکرات تبدیل شده بود و مردم زحمتکش این عمل جنایتکارانه را محکوم مینمودند. رفقای سازمان ضمن سخنرانی و اعلامیه و تراکت در سطح شهر توده های شهر را بسیج نموده و با معاذ زطیرا و بلنگونی مساجد

هنکما گذراندن دانشکده ورزش هرگز آگاهی دادن به توده ها را فراموش نکرد. طی یکسال دوره کار آموزی تربیت بدنی در دبیرستان شهراب تهران که مخصوص ارمنی ها بود، به آگاه کردن دانش آموزان ارمنی پرداخت. و با وجود اینکه زبان ارمنی نمیدانست با دادن کتابهای آگاهی بخش به دانش آموزان ارمنی، با تمام توان به کار آگاهانه میپرداخت.

رفیق محب در شهریور ۵۶ با سازمان مناسب گرفت و با یشتکار و علاقه تمام به مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر، وظایف محوله سازمانی را به انجام میرساند. با رشد مبارزات توده ها، رفیق محمود در تمام مبارزات توده ها بر علیه رژیم شاه فعالانه شرکت میکرد. در تابستان ۵۷ با دلی آکنده از عشق به طبقه کارگر، برای آگاهی دادن به کارگران، در کارخانه جنرال شروع به کار کرد. بدنبال مبارزات روز افزون طبقه کارگر و تعطیل شدن کارخانه ها، رفیق محمود مجبور به ترک کارخانه گردید.

در قیام خلقهای ایران، دوش بدوش کارگران و زحمتکشان در مبارزات توده ها شرکت نمود. پس از قیام رفیق محمود با ایلاتیان در دفتر سازمان پیکار در تهران به مبارزات انقلابی خود ادامه داد. در آبان ۵۸، طبق تصمیم سازمان به کردستان

مردم را به تشیع جنازه برای روز شنبه فراخواندند. روز شنبه صبح ۵۹/۱۲/۹ مراسم باشکوه تشیع جنازه رفیق کمونیست بیکار برگزار گردید. در این مراسم بی سابقه هزار نفر از زحمتکشان کرد شرکت نمودند. توده های ستمدیده برای ایراد نزار و نسبت به اقدامات جنایتکارانه حزب، جنازه شهید کمونیست که در میان بارجه سرخی قرار گرفته بودند را بر سر بالای دست حمل مینمودند. جنازه های کمونیست ها به برج سرخی تبدیل شده بود. برج سرخی که به توده ها نوید میداد انقلاب تا استقرار کمونیسم ادامه خواهد داشت چه بر شوکه بود بیکمربخون خفته رفقای که به ما نند برج سرخی در دستهای توده ها در اهتزاز بود! چه بر شوکه بود بیکمربخون خفته کمونیستهای که از مسرک نه پایدند و در راه آزادی و انقلاب سوسیالیسم جان باختند! بدین ترتیب بود که جنازه شهید کمونیست به خاک سپرده شد. بیکر آنان به خاک سپرده شد. اما آلمان و ایلاتیان، کمونیسم، باز هم رخترو درخشانتر گردید. پس از تدفین رفقای شهید، مردم زحمتکش بوکان برای تسلیم به بیشرکان انقلابی سازمان و خانواده های بیشرکه شهیدکار ظاهر کرده و گروه به مسجد آمده، اظهار همدلی نموده و تقرب خود را از عمل خائسانه حزب دمکرات اعلام میگردند. روز یکشنبه در یکی از مسجدهای بزرگ شهر مراسم دیوبد برای رفقای شهید برگزار شد. در تمام این مراسم حزب دمکرات و وسیعاً افشا گردید و توده های شرکت کننده آزادی رفقای زندانی را خواستار گردیدند. رفقای زندانی از لحظه ای که به زندان حزب دمکرات رفته اند دست بیسید

اعزامند و با بدرفتاری مسئولیت دفسر سازمان در سقز در کسار خلقی قهرمان کرد بیکار را انقلابی خود بر علیه ارتجاع و امیر با لیس را شدت بخشید رفیق در سازمان دهی رفقای هوادار در سقز بقیس بسراشی داشت. محمود در طول اقامت در کردستان جز به آزادی طبقه کارگران و خلق ستمدیده گردیدی اندیشید. زحمتکشان، دانش آموزان و انقلابیون سقز چهره خندان، صمیمی و جدی او را همیشه بخاطر خواهند داشت.

رفیق محمود روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۷ در حمله حزب دمکرات به مقر سازمان در بوکان همراه دو همزمش در خون خوبی غلطید. و کلوله های حزب دمکرات قلب او و با راستی را که حزب آزادی طبقه کارگر و خلق ستمدیده گردیدی سید نکاست. رفیق محمود و همزمانش بدست حزب دمکرات شهادت رساندند چون در راه نامین منافع خلقی کرد و مبارزه در راه آزادی انقلابی این خلق ستمدیده، با آشتی ناپذیری کمونیستی خود بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، و با ستها و عملگردهای ضد انقلابی حزب دمکرات مبارزه میکردند. اما آیا محمود و همزمانش مرده اند؟ نه، آنها در قلب کمونیستها، در قلب توده های زحمتکش و خلقهای ستمدیده ایران زنده اند. یادشان را گرامی میداریم و راه سرخشان را با قدرت تمام ادامه میدهیم.

اعتصاب غذا زده و دلیرانه در برابر تهدیدات و فشارهای عوامل حزب مقاومت کرده اند و هیچ کدام حاضر نشده اند با زوجی پس بدهند. رفقای ما کمونیست هستند و به آلمان طبقه کارگر سوگند خورده اند هرگز تسلیم نمی شوند مگر سر شهید قهرمان تسلیم شدند که رفقای زندانی ما در برابر قاتلان آنها زانو خم کنند؟ کمونیستها ما تند حزب دمکرات تسلیم طلب و سازشکارانند که به آلمان خود خیانست کنند؟

بدنبال این افشاگریهای وسیع، حزب که شهیدان را نزار و قرار گرفته بود برای آنکسه اوضاع را منفع خود تعمیر دهد حدیکی از افراد مسلح را روز شنبه تشیع میکنند در این مراسم حزب تنها توانسته بود حدود سه هزار نفر را از دهات اطراف بسیج کند. شرکت کنندگان در مراسم شعارهای زیادی علیه خط ۳ سازمان پییکار میدادند. در واقع حزب این نظرات را علیه کمونیسم برپا کرده بودند "حیثیت از دست رفتند" را بدست آورد. بعد از مراسم حزب حدود دویست نفر از افراد وابسته بخود را شعار های "مرک بر کومه له" و "کومه له بدخلع سلاح کرده" بسیج کرده که ظاهراً این عده قصد داشتند جلوی مقر رفقای کومه له بروند.

در حال حاضر در شهر حزب دمکرات شهیدان منزوی میباشند و شایعاتی مبنی بر حمله احتمالی حزب دمکرات به مقر رفقای کومه له وجود دارد. این شایعات بیکار ردیگر هشارما و سایر کمونیستها مبنی بر ادامه تعرضی حساب شده حزب دمکرات به کمونیستهای دیگر کردستان را اثبات میکند.



نیروهای کمونیستی و انقلابی نوردستان جنايات حزب دمكرات را محكوم می کنند!

حمله ده ساله حزب دمكرات به مفرسان ما در بوکان، و بنیاد سدرتی کمونیست پیکار - بریدست مزدوران مسلح این حزب فدا انقلابی، نفرت بی باکان خلق نوردستان را بر سرانجامهای کمونیستی و انقلابی و نیروهای مترقی موجود در کردستان را برانگیخته است و این سازمانها و نیروهای اعلامیه ها می اقدامات ضد خلقی حزب دمكرات را بنسبت محكوم کرده اند. آنچه كه ملاحظه میکنید، تماما میا قسمتها می از اعلامیه های مذکور است:

زنده باد دلاوری پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار... رفقا محمود ابلاغیان (كاك كمال)، باقی خیاطی، ظاهر ابراهیمیان

بیا ما زمان رزمندگان آزادی طبقه
كا رگرمینا سبت شهادت به تن از رفقای پیکار
به دست حزب دمكرات

هم میهنان مبارز!
مردم مبارز بوکان!

جنايت وحشیانه عمال

حزب دمكرات بر علیه

سازمان پیکار در بوکان



مردم مبارز بوکان!
خلق رزمنده کرد!
هم میهنان مبارز!

دیروز مردم شهر ما صحنه های فحش را به چشم دیدند که برای شان خاطرهای کشتارهای رژیم شاه را بسیار میآورد. تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمكرات بدنیال یک برتا مه از قبیل طرح - ریزی شده دیروز بعد از ظهر بنا گهان اطراف مفرسان ما پیگار در راه آزادی طبقه کارگر در بوکان را محاصره کردند، روی با ساختن نهایی مرتفع اطراف موضع گرفتند، کوجهها و معا بر منتهی به مفرسان ما پیکار را بوسیله افراد مسلح خود سنگربندی نموده و با سلاحهای سنگین شروع به تیراندازی به طرف آنها نمودند این افراد حتی بروی مردمیکه از قضیه خبردار گشته و در آنجا جمع شده و به این عمل حزب دمكرات اعتراض میکردند، اسلحه کشیدند و بدینوسیله از اعتراض آنها جلوگیری می نمودند. افراد مسلح حزب دمكرات که از قبل مصمم به قتل و غارت بودند، بدون کوچکترین تردیدی با سا رنج انداز و آرمی بی بی، به کوبیدن مقبره ساز زمان پیکار پرداختند. پیشمرگان ساز زمان پیکار بمدت سه ربع ساعت قهرمانان ما و مقتدران کرد و دویس از داندن چندین نفر شهید و زخمی شدند. آتش بی و مذاکره دادند. اما جز بار کبار جوانی نماندند. افراد مسلح سبی بداخل مقر ریختند و وسائل و سلاحهای آنرا غارت کردند. گنا نیا و شریبات موجود آتش زده و به خیابان برتاب کردند. این افراد همچون جنايتكاران سلاطین و در حالیکه مردم ما هدیه بودند به غارت حیثیای شهیدای سازمان پیکار پرداخته و حتی در مقابل حشمان مردم شهر، بدون کوچکترین

یختمنیه ۵۹/۱۲/۷ یورش وحشیانه حزب دمكرات به مفرسان ما پیکار که در حقیقت کام دیگری در جهت خلق سلاح زحمتکشان و سازمانهای انقلابی طبقه کارگر بود، با مفا و مست قهرمانان ما این رفقا مواجه شد. این در واقع اقدامات فحش علیه خلق کومله، پیکار، شورای حمایتان و یورش به مقرر رزمندگان و... میباشد بدون شک این آخرین تعرض حزب دمكرات به نیروهای انقلابی نخواهد بود.

ما با رگزان اندوه از دست رفتن سدرتی پیشمرگان را در این نبرد به همراه سدرتی گرانیهای جانبازی و مقاومت آنها در مقابل یورش وحشیانه حزب دمكرات را در لوح خاطر خود محفوظ خواهد کرد. آنان قهرمانان در سگر جنس مقاومت خلق کرد برای آزادی طبقه کارگر مبارزه نمودند. و در این راه جان باختند شهید محمود ابلاغیان (كاك كمال) از مبارزین تدبیری و خستگی ناپذیر دوران ساد دیکتا توری شاه همچون کوهی استوار در راه را به ابرافخار جان خود را بر کف نهاد. شهید پلا هرا ابراهیمیان از مبارزین بود که طعم تلخ شهادت را بهای رژیم شاه و کمپسوری اسلامی را کشیده بود و بی از آزادی همچنان بر توریه مبارزات خود ادامه داد.

و بالاخره كاك باقی خیاطی از پیشمرگان دلیر سازمان پیکار بود که با سرافرازی در این راه جان خود را هدیه راه آزادی رزمندگان نمود این شهیدای خلق کرد که در واقع شهیدای طبقه کارگر ایران نیر هستند همچون ستاره فروزان بر تارک آسمان بر ستاره زحمتکشان ایران میدرخشند. آنچه با هدیه خون خود بسیار دیگر شهید و بیجان و میثاقی های گذشته خود را در مقابل رزمندگان کرد و طبقه کارگر ایران سجد کرد.

شرعی، سربکی از رفقای زخمی سازمان پیکار را بریدند. بنیاد مردم کثیر آنها مست بودند و بوی الکل از دهان شان به منا می رسید. اما اعمال آنها از مستی شان سر حشمت صبر گرفت. بلکه بر - عکس مستی آنها از مستی شان به جنایت ناشی میشد به آنها الکل خوراندند بودند تا کوچکترین عواطف انسانی را در آنها بسمیرا ننهند بدون شرم و عذاب وجدان به کشتار و غارت و سر بریدن بپردازند. حزب دمكرات برای انجام این توطئه بسید، افراد دستچین شده را از ما با دو سقرید بوکان آورده و وارد عمل کرده بود. آنها با غرور و افتخار را بنیاد غارتی را سدرت بلند کرده و هورا میکشیدند و تیراندازی میکردند. آنها حتی از تحویل اجساد شهیدان به خانواده ها بنشان خودداری نموده و بجای انتقال زخمیها به بیمارستان آنها را به مقر حزب دمكرات بردند.

مردم مبارز بوکان!
خلق رزمنده کرد!

توطئه های حزب دمكرات علیه نیروهای انقلابی نازکی ندارد و خود شما با رها شاهد آن بوده اید. کسانی که کوچکترین احساس مسئولیتی در برابر خلق کرد و جنس مقاومت آنها احساس نمیکنند، در غارتی که رژیمها تمام قوا کردستان را از هر طرف میگرد و هر روز فرزندان انقلابی این خلق را به خاک می افکند در روز روشن اقدام به بریدن سر سمرکها انقلابی مینمایند.

دیروز کسانی مفرس پیشمرگان سازمان پیکار را بی محابا، آرمی بی بی، می کوبیدند که در تمام مدت محاصره و بنیادان سدرت سدرت در برابر اسال طبرغم (مردم ما) وجود داشتند. اما کانات و سلاحهای سنگین از وارد آوردن بیگ



ضربه به باشگاه افسران که محل تجمع باسداران بود خودداری کردند.

دیروز کسانی پیشمرگان انقلابی را با این قساوت به قتل رساندند که در تمام طول آتش بس ستونهای ارتش ضد خلقی را سکوت کرده و بداخل کردستان هدایت میکردند که هنوز هم خلق کرد نتایج تلخ آنرا لمس میکنند.

اگر حزب دمکرات سال گذشته در بهترین موقعیتی که جنبش مقاومت داشت بطوریکجا نبه و بیمان نکنا نه آتش بس اعلام میکرد و ستونهای ارتشی را علیرغم اعتراض خلق کردها سا زمانهای انقلابی بداخل شهرها اسکورت مینمود و دور از چشم خلق کرد به مذاکره بینانی با هیات حاکمه روی آورده امسال "ترقی" کرده و به دستگیری شورا های مردمی دست میزند، هوا داران سازمانهای انقلابی را دستگیر و شکنجه مینماید، در خیابان بروی مردم اسلحه میکشد و به کتک کاری افسراد بیدفاع میبرد از به باج گیری علنی و اخاذی از زحمتکشان و کسبه دست میزند، در روز روشن برای پیشمرگان کومله در وسط شهر کمین می گذارد و به قصد کشت به آنها تیر اندازی میکند و سرانجام حمله به مقر سازمان پیکار را سازمان میدهد.

حزب دمکرات هم این اعمال را با طر آن انجام میدهد تا به خیال خود هر مدای آزادیخواهی را در گلو خفه کند. بهانه همیشگی حزب دمکرات این است که گروههای مختلف در باره حزب دمکرات "چیز مینویسند" و یا "محبت میکنند". در حالیکه آزادی بیان و آزادی قلم یکی از آن دستاوردهای گرانبهای جنبش انقلابی خلقهای ایران و قیام میهن ما است که به قیمت خون هزاران شهید بدست آمده و فقط در کردستان و آنهم به قیمت مبارزات سر سختانه و قربانیهای فراوان حفظ شده است و هیچکس حق ندارد و نمی تواند این آزادیها را از مردم سلب نماید. آری حزب جمهوری اسلامی با چماق دستخراگانش را تعطیل میکند اما حزب دمکرات با تانک انداز و آ. پی. جی.

مردم مبارز بوکان! خلق رزمنده کرد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، سازمانی است انقلابی که در حد توان خود در جنبش مقاومت شرکت داشته و در این راه قربانی های ارزنده ای تقدیم خلق کرد کرده است. این سازمان نه فقط صدای حق طلبانه خلق کرد را به گوش مردم ایران میرساند و پورده از جنایات رژیم جمهوری اسلامی بر میدارد، بلکه دست راستی ایران شهادی زیادی را نشان داده است. ماضی محکوم نمودن و ابراز تشنرا را اینگونه اعمال، هندا، رمید هم که جنبش مقاومت خلق قهرمان کرد با زجه دست این با آن نیست. ما با ردیکرا اعلام میکنیم که این اعمال فقط در جهت تضعیف و لطمه زدن به جنبش مقاومت و بطور کلی

جنبش انقلابی توده های مردم ایران است و فقط به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده و دست وی را در سرکوب هر چه بیشتر خلق کرد با زتر میکند.

ما جدا از حزب دمکرات - تشکیلات بوکسان میخواهیم که پیشمرگان و هوا داران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را آزاد کرده و سلاحها و اموال غارت شده را به صاحبان آنها پس دهد.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) - بوکان

۱۳۵۹/۱۲/۸

"جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان" و "شورای سراسری دانش آموزان کردستان" طی اعلامیه ای با عنوان "حمله وحشیانه افراد مسلح حزب دمکرات به نیروهای انقلابی خدمت به ارتجاع حاکم است" گفته اند:

اکنون که مبارزات کارگران، دهقانان، دانشجویان و دانش آموزان و معلمان سراسر کشور در حال گسترش است، در چنین شرایطی حزب دمکرات یکی از نیروهای پیگیر و قاطع را آماج تهاجم خود قرار میدهد که در دیگر شهرهای ایران نیز بخاطر دفاع از حقوق زحمتکشان مورد هجوم وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی است، و در این حمله (۳) تن از رزمندگان فرزندان خلق را به شهادت میرساند و عده ای از مردم معترض به این حرکت را نیز مجروح مینماید.

تهاجم وحشیانه افراد مسلح حزب دمکرات به نیروهای انقلابی تا زگی ندارد و بپوش بی شرمانه خیره مقرر سازمان پیکار را سلاحهای سنگین (آر. پی. جی، نارنجک انداز، تیربار) و بشهادت رسانیدن (۳) پیکارگر "کمال" ظاهر باقی" وچ این جنایات است.

جمعیت مستقل معلمان مبارز... و شورای سراسری دانش آموزان عملگردهای ضد انقلابی حزب دمکرات را قویا محکوم مینماید.

دفتر بوکان سازمان جریکهای فدائی خلق (اقلیت) نیز با انتشار اعلامیه ای تحت عنوان "حمله به مقر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، اقدامی ضد دمکراتیک"، اقدام افراد مسلح حزب دمکرات را شدیداً محکوم کرده و خواستهای زیر را اعلام داشته است:

- ۱- پیشمرگان افراد سازمان پیکار که در زندان حزب بسر میبرند آزاد شده و وسایل این سازمان مسترد گردد.
- ۲- در صورتیکه اقدام پیشمرگان حزب واقعا بدون دستور مسئولین حزب بوده مسبب این اقدام ضد دمکراتیک محاکمه و مجازات شوند.

"راه کارگر" (کردستان) نیز طی اعلامیه ای با عنوان "طوبه ای دیگر از دمکراسی حزب دمکرات" منتشر شده و در آخر چنین مینویسد:

تعرض اخیر حزب دمکرات به مقر سازمان "پیکار" که منجر به شهادت سه تن از پیشمرگان این سازمان و زخمی شدن چند تن دیگر گشت، جلوه ای دیگر از سیاست ضد دمکراتیک حزب دمکرات میباشد. ما این تعرض ناخواسته را محکوم کرده و شهادت سه پیشمرگه قهرمان رفقا "کمال"، "طاهرا براسیمی" و "باقی خیاطی" را به خلنای ایران، جنبش مقاومت خلق کرد و سازمان پیکار تسلیت میکنیم.

بقیه از صفحه ۵ به آزمان

واهل مها با بدید، عشق او به طبقه کارگر - کومنیسم و راه در سنگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر جای داده بود. کاک باقی پس از آشنائی و قبول مواضع سازمان بعنوان رفیق هوادار دلسوز و فعال سازمان، به فعالیت انقلابی خود پرداخت. در پانزده سال ۵۸ بهنگام بورس اول رژیم به کردستان او با شور و علاقه تمام دوش بدوش پیکارگران کومنیست در سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار را به مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و افشای رژیم و ثبات حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد اما مه داد. در تابستان ۵۹ به کردستان با زگشت تا در مها با ددر دل خلنای قهرمان کردیم به مبارزه بر علیه دشمنان خلق کرد اما مه دهد و در پانزده سال اسلحه بس دوش گرفت و جان برکف در صف پیشمرگان قهرمان سازمان در مرحله نویسی از مبارزات انقلابی خود را آغاز نمود. او برای انجام وظایف انقلابی - اش و جانفشانی در راه آزادی انقلابی خلق کرد، به همراه دسته ای از پیشمرگان سازمان به سفر رفت و بعداً زمدتی مبارزه بی امان با ارتجاع حاکم بوکان با زگشت و جزو پیشمرگان قهرمان مقرر سازمان در بوکان درآمد.

روز ۷ اسفند ۵۹ برای او سازمانش، روز تجدید میثاق خونین و انقلابی با خلق قهرمان کرد بود. کاک باقی به اتفاق دور رفیق همزمش با گلوه های جنایتکاران حزب دمکرات در خون خویش غلطیدند. او همزمش با مقامت کوه دلان خود، حماسه ای دیگر بر تاریخ جنبش مقاومت خلق کرد افزودند. کاک باقی همزمش انش بشهادت رسیدند چون کومنیست بودند و با سرکوبگران خلق کرد، با جانان جمهوری اسلامی و با حزب ضد انقلابی دمکرات که آزادی و لای خلق کرد را پهل رسیدن به اهداف ضد انقلابی خود قرار داده در دست زبیدند.

بباید هزاران بار میثاق انقلابی و خونین خود را با خون کاک باقی و شهدای طبقه کارگر و خلقهای ایران تجدید کنیم و سوگند یاد کنیم که تا آخرین قطره خون خود جز به آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده ایران و از حمله خلق قهرمان کرد ننشینیم. اسلحه افتاده از دوش کاک باقی را بر بدوش بگیریم و با تمام قوا راهشان را ادامه دهیم.

با دکاک باقی خیاطی را گرامی بداریم و به آزمان را شیشش او و فادار با نسیم!

پیگار

رزمندگان: تصفیه اپورتونیسیم به شیبوه سانتریستی! (۲)

در قسمت قبل در توضیح انحرافات پیشین رزمندگان که در تکامل خود منجر به مشی گنونی منضمین رزمندگان شد، به انحرافات رفقا در برخورد به تئوری ساخت جامعه، مقوله رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم، در برخورد به قدرت سیاسی، چشم انداز و تاکتیک رزمندگان در مقابل آن اشاره نمودیم - اینک دنباله مقاله:

۵ - سازش ایدئولوژیک: هر کمونیستی که نخواهد در محدوده اختلافات وحدت یافته درونی رزمندگان در آستانه جنگ باقی بماند و بخواد هدیه ندهد چگونه با آغاز جنگ و تحولات بعدی ناگهان دو سیستم فکری کاملاً متفاوت در رزمندگان ارائه میگردد و چگونه ایندو نگرش در گذشته با یکدیگر بر سر می بردند، نمی توانند یا به تئوریک که این سازش را توجیه می نمود، یعنی مبانی فکری رزمندگان در برخورد به تشکیلات را در نظر نگیرد، تئوری اپورتونیسیتی قطب های ایدئولوژیک - تشکیلاتی ملاک های سیاسی، ایدئولوژیک و اشتلاقی عضویت در درون رزمندگان و ملاک های وحدت رزمندگان (در حداقل و حداکثر تمییز نمودن مواضع، در برخورد به شوروی، مرحله انقلاب) خودبنا گذار سازش نا مقدسی بود که نتیجه ای جز انشعاب بهره ای نمی توانست داشته باشد. زمانیکه وحدت ها نه بر اساس خط مشی ویرنا مه برولتری، بلکه بر اساس نزدیکی های که در بر تو آن می توان قطبهای تشکیلاتی بوجود آورد، صورت میگردد، زمانیکه صراحتاً برخورد اشتلاقی به مسئله وحدت صورت گرفته و حداقل و حداکثر مواضع محیا قرار میگیرد و در بر تو آن جریان می که سوسیال امپریالیسم را قبول ندارد، و جریانی که آنرا قبول دارد در هر دو بتوانند وحدت نمایند! و معیار عضوگیری درونی تشکیلات نیز بر این اساس تعیین گردد، و بر واضح است که سنگ بنای اشتلاف از ابتدا چیده شده است. سنگ بنای اشتلاقی که نه تنها در برخورد به رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم، بلکه در درک از مرحله انقلاب، ساخت جامعه، قدرت سیاسی و... نیز وجود داشته است. بر این اساس است که به جریانی بنام آکادمیک و اپورتونیسیت کمیته نبرد، وحدت صورت میگردد، جریانی که خود از مدافعین سر سخت تئوریهای اپورتونیسیتی نظیر "سوسیال امپریالیسم نسبی"، "انقلاب دمکراتیک با مضمون سوسیالیستی"، "فدخلیق فدا امپریالیست" و... بوده است، جریانی که به مسئله سوسیال امپریالیسم بدانگونه برخورد می نمود که گویا "عمده نمودن" این مسئله در امر وحدت انحرافی است و اختلاف بر سر این مسئله اختلاف بر سر تجربه ساختن سوسیالیسم است که باید تحقیق شود، جریانی که فدائیان را به علت فشاری بر "سوسیالیستی بودن شوروی"

کوشید خود را در چهار رچوب مشی انقلابی اکثریت بیوشنا ند، رفقا "عدم صراحت و ابهام برداری" عنصر اقلیت را از جمله مسائلی می دانند که به اتکا آن فرد مذکور توانست خود را در چهار رچوب مشی انقلابی اکثریت بیوشنا ند، آنها سپس به درک اکثریت که تا مل کلی گوئیهاست و جای هزار تعبیر و تفسیر را در برداخته و آنرا بعنوان مشی انقلابی حاکم بر رزمندگان معرفی میکنند که از رزمندگان ۳۴ شکسته شده و اپورتونیسیتها از مشی انقلابی خارج شدند، رفقا در توضیح انحرافات حاکم بر رزمندگان، همگی را منتسب به فرد مذکور نمودند که با انتشار رفلان جزوه (خرده - بورژوازی و انقلاب) و با قتل مقاله، مواضع انحرافی را مطرح می نمود. و حتی مواضع رزمندگان در قبول سوسیال امپریالیسم را به زیر سؤال برده و بدینش "سوسیال امپریالیسم نسبی" را جانشین آن نموده است. سپس رفقا از انحرافات بعدی حاکم بر رزمندگان که به "اعضای اپورتونیسیت بعدی" حیات تحریریه مربوط میگشت، سخن میگویند و از عمیق انحرافات آنان در همان مقاطع گذشته که حتی بعضاً شوروی را "سوسیالیست" نیز ارزیابی می نمودند، سخن به میان می آورند و مدعی می گردند که "از ابتدای نشریه سازمان تا شماره ۳۳ اساساً مشی انقلابی بر تشریح حاکم بوده و تمایلات گرایشات و تلاشهای اپورتونیسیتها تنها بصورت آثار، رگه ها و جنبه های از برخورد های تئوریک سیاسی ظاهر میشدند که نتوانسته بود در آن شرایط غالب گردد." (رزمندگان - ضمیمه ۵). اما رفقا منکر نمی گردند که برخی التقاط ها (کدامیک؟) در برنا مه سازمان وجود داشته است که به اپورتونیسیتها امکان داده است تا آنرا تغییر دهند! بالاخره با بروز جنگ و باروشن نمودن اینکه چه افرادی، چه موضعی اتخاذ نمودند، روشن میشود که بجز عناصر اپورتونیسیت مرکزی، اکثریت رهبری مواضع سانتریستی، برخی متمایل به چپ و برخی متمایل به راست داشته اند و لوسی بهر حال تحت تاثیر مبارزات درونی و بیرونی رهبری اصلاح گردید و مواضع خویش را تغییر داد و مشی انقلابی گذشته سازمان را احیا نمود رفقا میگویند اپورتونیسیتها بیهوده میکوشند تا خود را وارث مشی گذشته بدانند و بگویند رفقای انقلابی رزمندگان را بفریبند! آنچه گفتیم فشرده تحلیل رفقای رزمندگان بر سه شکل گیری اپورتونیسیم در درون رزمندگان و سرانجام آن بود. اما آیا این متدبررسی ما رکستی است؟ آیا رفقا توانسته اند با ارائه تحلیل همه جانبه ای از ظهور و عقب رانده شدن اپورتونیسیم در رزمندگان، خود را از سر بلایای اپورتونیسیم خلاص سازند؟ بگمان ما نه! زیرا:

و نیروهای موسوم به خط ۳ را به سبب فشاری بر امپریالیستی بودن شوروی متهم میکرد که مانع امر وحدت شده اند! آری چنین جریان اپورتونیسیتی در وحدت رزمندگان جای نمیگیرد. در واقع یکی از محورهای اساسی انحرافات رزمندگان دمسازی با اپورتونیسیم و توجیه و تشریح نمودن آنست و این انحراف مبنای تفکرات اشتلاقی رزمندگان در برخورد به امر وحدت معیارهای تشکیلات، عضوگیری و... بود. بر متن چنین اشتلاف نا مقدسی است که اختلافات درونی رزمندگان همزیستی نموده و بالاخره اپورتونیسیم زمینه حضور، رشد و گسترش میابد. در واقع مجموعه انحرافات فوق، رزمندگان را بتدریج به سمت اپورتونیسیم سوق داد و در عین حال گرایشات گوناگون و متفاوت درونی را به سازش با هم کشانید، سازشی که در مقطع جنگ بدلائل متفاوت، از جمله تشدید و تکامل مواضع اپورتونیسیتی جریان حاکم، مبارزه ایدئولوژیک فعال نیروهای جنبش کمونیستی، شدت یابی مبارزه درونی رزمندگان و مقاومت جناح انقلابی رزمندگان در هم شکست و سرانجام به اخراج و تصفیه اپورتونیسیتها منجر گشت. تنها در بر تو درک از عمق انحرافات گذشته نا میرده در بالا است که میتوان تحولات رزمندگان را توضیح داد و از آن درسهای مهمی آموخت، هرگونه تقلیل انحرافات گذشته و نا دیده گرفتن نقش اساسی آن در انحرافات رزمندگان در زمان جنگ و برخورد مکانیکی و ساده گرایانه که گویا این جریان اپورتونیسیت ناگهان از شماره ۳۴ رزمندگان بر آن حاکم شده و مواضع گذشته رانفی نموده است، برخوردی معاشات جویانه و سانتریستی نسبت به انحرافات گذشته و سرپوش گذاشتن بر آنست. حال که درک خود را از انحرافات که به سوسیال شوینیسیم رزمندگان در مقطع جنگ انجام مید، توضیح دادیم به بررسی نظیر رزمندگان در اینبار ره میرد ازیم رفقای رزمندگان در توضیح چونگی شکل گیری اپورتونیسیم راست، علیرغم آنکه خود اظهار می دارند عنصر اقلیت دارای مواضع انحرافی منحصی بود که در جزوه وضعیت سیاسی آینده در مقاله اشغال سفارت منعکس بود، باز میبندارند که عنصر اقلیت "با سازش موقت"

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

مندیبر خوردر فقا به ا بور تونیسیم وظهور و عقب رانده شدن آن، بر خوردی مارکسیستی نبوده و توضیح نمی دهکده بر بستر کدا مین زمینه های عینی و ذهنی، انحرافات گذشته شکل میگیرد در شد میکنند و سرانجام در رزمندگان ۳۴ به سوسیال شوونیسم تبدیل میشود. رفقای رزمندگان بجای بررسی مشی ویرنا ما حکم بر رزمندگان که امکان شکل گیری و ظهور سوسیال شوونیسم در رزمندگان ۳۴ را پدید آورده بوده میکوشند تا با نسبت دادن انحرافات به افراد ا بور تونیسیت آنان را توطئه گرانی بخوانند که با دو پهلوئی و ابهام موسس سازش موقتی، خود را همراه ساخته اند. گویا آنان در صدد یک کودتا در آینده بنا معلومی بودند که از پیش سازش موقتی خود داری از ابراز صریح مواضع "رد" گم کرده اند. رفقا چنین متدی به متد ما تریا لیسمدیا لکتیک متکی نیست بلکه متدی است، مکانیکی و در نهایت ایده آلیستی است. در تحلیل رفقای رزمندگان ا بور تونیسیتها موجودات ثابتی فرض شده اند که از اول همان بوده اند که اکنون هستند. لیکن چهره خود را بر ملا نمی ساختند و میکوشیدند توده های صادق و انقلابی رزمندگان را فریب دهند و البته گاه و بیگاه مواضع خود را نیز بصورت "دزدکی" در تشریه منعکس میکردند که سپس مورد مخالفت های درونی قرار میگرفت. لیکن از آن در سطح جنبش انتقاد نمی گشت (مانند خرده بورژوازی و انقلاب، سوسیال امپریالیسم نسبی و...) نه رفقا! این تحلیل نه بیان نگرش محقق است و علاوه بر آن نه این شیوه، شیوه مارکسیستی برخورد به پدیده ها. رفقا! توضیح بیاکنده رویدادها هنوز نمی توانند ما را به ریشه آنها برسانند به نظر ما، نه ا بور تونیسیتها توطئه گرانی بودند که مواضع امروزی خود را بنیان ساخته بودند، نه جریان غالب بر رزمندگان دارای مشی و بینش جسز آنجا ا بور تونیسیتها آنرا بنا بندگی میکردند، بودند و آنکه شما امروزه مشی "انقلابی" گذشته رزمندگان را احیا نموده اید.

آنچه روشن بود انحرافات که در محلات قبیل نیز توضیح دادیم، بعنوان یک جریان فکری غالب بر رزمندگان (و نه صرفا توسط افراد تاملند - گر) عمل می نموده است و حیات سیاسی رزمندگان را روز بروز بیشتر به ورطه ا بور تونیسیم می کشانده است. درست است که جریان مخالفی با جریان حاکم نیز وجود داشت، لیکن هرگز مواضع آن بر رزمندگان غالب نبوده و در آن انعکاس نمی یافت. بالعکس مواضع "ا فسراد توطئه گر ا بور تونیسیت" بود که بعنوان مواضع غالب بر رزمندگان منتشر میگشت. و در این راه نه تنها بخشهایی از توده های رزمندگان با آن همراهی می نمودند، بلکه اکثریت غالب رهبری رزمندگان نیز خود همراه و در انبانی با مواضع "افراد ا بور تونیسیت" قرار داشته (و یا لا قائل دنیا له و آنان بوده اند) و هم از بیروست گسه

این مواضع امکان انتشار می باید. مگر ممکن است تنها فرد ا بور تونیسیت مذکور در مرکز نیست رزمندگان دارای انحرافات فوق بوده باشند لیکن مواضع این فرداقلیت، بعنوان مواضع رهبری رزمندگان و در حقیقت مواضع اکثریت منعکس گردد. مگر جز این می توانست باشد که در کلیه انحرافات که در شما ره قبل سه آن پیدا ختم دست کم اکثریت رهبری رزمندگان با ا بور تونیسیت مذکور همرا و شریک بوده اند و با دست کم نسبت به آن موضعی مماشات حویا نه داشتند. از طرف دیگر ا بور تونیسیم که امروزه منتسبین وارث آن هستند، چیزی جز "تکامل" مشی ویرنا ما ا بور تونیسیتی پیشین رزمندگان نیست. انحراف ا بور تونیسیتی در جریان روند خود اگر تصحیح نشود، تعمیق میگردد و راه ارتداد را در پیش میگردد. این جبر تا ریخ است. انحرافات ا بور تونیسیتی رزمندگان در گذشته نیز در روند انحطاط خویش، نمی توانست باشد چیزی جز آنچه امروز منتسبین وارث آن هستند بیا نجامد. بدین ترتیب اولاً جریان فکری ا بور تونیسیتی غالب بر رزمندگان در گذشته، بخشی از رهبری و توده های رزمندگان را نیز شامل می گشت و بسیاری را نیز به دنبال خود میکشید و بعنوان مشی غالب در رزمندگان منعکس میگشت، بنا بر این افراد ا بور تونیسیت منتسب امروزه چیزی نیستند که دیروز بوده اند و نباید با چنین بدیده ای بصورت ا بور تونیسیت های خلق الساعه و توطئه گری که ما را نش نموده بودند، برخورد نمود. دارودسته اتحادیه، اکثریت و... نیز امروزه دقیقاً آن چیزی نیستند که در گذشته بودند، آنان در تکامل جبری و ناگزیر روند تعمیق انحرافات خویش، ناگزیر به ارتداد در غلطی بندند. اگر بخوانیم ما میان و نه مارکسیستی به بررسی تکامل پدیده ها بندینیم، آنکه باید بگوئیم مشی و بینش حاکم بر اتحادیه، اکثریت و... به مثابه تکامل انحرافات گذشته حاکم بر آنان نبوده و ریشه در مشی ویرنا ما که داشته آنان نداشته است، بلکه آنان به نفعی مشی انقلابی گذشته خویش پیدا ختم اند و در حقیقت و به روایت ساته اندیشان هوادار ا شرف دهقانی کودتاگران و توطئه گرانی وجود داشته اند که ابتدا خود را بنیان نموده و با استفاده از ضعف و ابهام و... دست به "کودتازده" و سازمان نشان را از مواضع پیشین گسیخته اند. از بیروست که به نظر ما ذکر اینکده مشی گذشته رزمندگان انقلابی بوده و مشی کنونی رزمندگان نیز انقلابی است پس اینان احیا کنند مشی انقلابی و ا بور تونیسیتها شکنندگان مشی انقلابی پیشین بوده اند، اما انحرافی است. این توصیف تا بدی برای عوام قابل قبول باشد، لیکن برای مارکسیستی که میداند آن مشی "انقلابی" پیشین به چنان انحرافی آلوده بود که ا بور تونیسیم منتسب نتیجه تکامل آن به شما میرود، و این مشی - انقلابی کنونی نفی مشی "انقلابی" گذشته شما و میرود قابل قبول نخواهد بود، شما شیکه

یک مارکسیست می بیند در چارچوب "مشی - انقلابی" گذشته "رزمندگان، انحرافات ا بور تونیسیتی و ریزوینیسیتی در برخورد به شوروی، قدرت سیاسی و در ترازهای فذخلق - ضد امپریالیست، روند کودتا، اتحاد عمل علیه ضد انقلاب مطلوب و دهها نظریه ا بور تونیسیتی دیگر وجود دارد، بی شک نمیتوانند ا بور تونیسیت های منتسب امروزی را ادامه دهنده واقع مشی انحرافات پیشین ندانند در واقع ا بور تونیسیتها التقاط و دوگانگی "مشی - انقلابی" گذشته را در هم ننگسته و به فرامیسم و ا بور تونیسیم بیکران بدل نموده اند. برای یک مارکسیست مشی کنونی رزمندگان در نفی دیدگاه های غالب گذشته رزمندگان شکل گرفته است، بنا بر این نه تنها مشی کنونی، احیای "مواضع انقلابی" پیشین به حساب نمی آید، بلکه مشخصاً تجدید نظر در آنها بشما میرود. تجدید نظر در برخورد به ریزوینیسیم و سوسیال امپریالیسم تجدید نظر در تئوری فذخلق - فدا امپریالیست، تجدید نظر در روند جامعه و چشم انداز روند کودتا، تجدید نظر در تحلیل از قدرت سیاسی، تجدید نظر در تکلیف اتحاد عمل در قبیل فدا انقلاب مطلوبه تجدید نظر در قبیل جنگ و... آری مشی کنونی رزمندگان اگر چه ظاهراً تداوم دهنده مشی گذشته بنظر برسد اما در حقیقت در نقطه مقابل مشی و بینش گذشته خود قرار دارد.

اما علت اصرا رزمندگان بر اینکه سیر وقایع را طوری جلوه دهکده کمتر دان من مشی گذشته بر رزمندگان را بگیرد مشی کنونی را احیا کنند مواضع گذشته نشان بدهد در چیست؟ صرف نظر از جنبه های آنکزه ای و مصلحت گرانا - های که میتواند در اتحاد چنین روشی موثر باشد، بنظر ما مسئله اساساً ناشی از گرایش مشی و بینش کنونی است، گرایشی که بجای قطع کامل بیوند با ا بور تونیسیم گذشته حاکم بر رزمندگان، میکوشد خود را احیا کند. آن جلوه داده و در حقیقت بر عرق انحرافات پیشین پرده سازا فکنده و آنرا کم رنگ جلوه دهد. ما به رفقای رزمندگان گوشزد میکنیم که جنبش گرایش، سائترستی و آنتی طلبانه ای بسا مواضع گذشته، میتواند در دل خود ا بور تونیسیم نوینی را رشد دهکده در صورت عدم برخورد با آن جاری ای ا بور تونیسیتها منتسب بگذارد. به نظر ما همچنانکه در پیش گفتیم ضروری است که رفقا با تداوم سازا فکنده و تداوم سائتو لوجیک علیه کلیه انحرافات خویش و از جمله قطع کامل با مواضع پیشین، مواضع م - ل خویش را ارتقا داده و با تکیه بر خط مشی بیروتری در امر تحقق وحدت جنبش کمونیستی موثر افتند.

اما هرگاه رفقا بخوانند با ا بور تونیسیم گذشته خویش طوری برخورد نمائند که خود را از آلودگی بدان مبرا سازند و رفتن اساسی مواضع گذشته را در تبدیل بخشی از آنان به سوسیال شوونیست (که ریشه در عمق تزلزلات و انحرافات



توضیح:

رژیم جمهوری اسلامی که مدافع طبقه سرمایه دار است علیرغم تمام عوامفریبیهایش ناچار است که بیوسته ما هیت فدکا رگری خود را نشان دهد. سرکوب مدام کارگران، نابود کردن تشکیلات کارگری، مسفر کردن حقان در کارخانه، حذف آنها روزانه، حذف با دای و عیدی سالانه کارگران و... همه و همه نشان میدهد حکومت اسلامی با طبقه کارگر است. طبقه کارگر نیز گرسنه است! ریش نه ما هیت ارتجاعی رژیم و نهادهای وابسته آن بی سیردیطور روز افزون سرمایه رزده طبقه سرمایه داران و رژیم سفاک حاکم دست میرند. رژیم نیز برای دفاع از سرمایه داران اسرکوب و کشتار کارگران هیچ ابائی ندارد. هجوم ضد انقلابی با سداران مرتجع به کارگران قهرمان کفش ملی خود نمونه کوچکی از ما هیت جنا بیکارانه رژیم میباشد. ما در زیر بیه درج اعلامیه ای که توسط بیکارگران کفش سازی اندیشه ریافته، اقدام میکنیم:

گلوله وزندان
«عیدی» رژیم به کارگران

مردوزان رژیم نیمه شب دیشب وحشیانه به اجتماع کارگران کفش ملی حمله کرده و با گاراشک آوروز - ۲ چندین کارگر را زخمی کرده و ده ها نفر را دستگیر نمودند.

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز تهران!

صدی اعتراف خود را علیه رضارد دستانه این مردوزان بلند کنید و اجازه دهید که ما دیگر رژیم جمهوری اسلامی بجای خواسته های ترحمی کارگران (سود عیدی و ساداس) گلبله و گاراشک آوروزندان نصیب آنها کند.

طبقه حزب جمهوری، طبقه لبرالها، زنده باد بیکار شده ها
برقرار باد جمهوری دمسکراتیک خلق

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
(تشکیلات تهران)
۵۹/۱۲/۱۴

گلوله پاسدار: عیدی رژیم جمهوری اسلامی
به کارگران کفش سازی

با درود به کارگران شرافتمند کفش ملی که با اتحاد همین خود در مقابل توطئه های سرمایه داران، پاسداران، و رژیم حاکم، قهرمانان مبارزه میکنند!
کارگران مبارز کفش ملی!

وقایع خونین چهارشنبه با ردیگر ما هیت فدکارگری هیئت مدیره و پاسداران و دولت حامی آنها را به ما نشان داد. جریان از آنجا شروع شد که ما برای گرفتن سود ویژه (که چند ماه پیش به دستور بنی مدر و حمایت حزبی هالغوشده بود) نمایندگان مبارز خود را برای مذاکره با هیئت مدیره فرستاده بودیم. «کا م خوش» مدیرعامل جرم رخشان با کمال وقاحت به نمایندگان ما میگوید که فقط حاضر به پرداخت یکما ه حقوق بدون هیچگونه پاداش و مزایا هستند. کارگران که در این شب عیدی و با این گرانی و مخارج سنگین، چشم میدان به این سود ویژه برای روبراه کردن وضعشان بود، از این گفته هیئت مدیره بخشم آمده و کام خوش را کتک میزنند. به دنبال این جریان ۲ نفر از نمایندگان مبارز واقعی ما کارگران دستگیر شده و زمانیکه ما بر نمایندگان از آنها حمایت و پشتیبانی میکنند ۷ نفر دیگر دستگیر و روانه زندان میشوند. رژیم از ترس اوج گرفتن مبارزات متشکل کارگران، نمایندگان ما را به جرم دفاع از منافع و خواسته های بحق ما کارگران به زندان می اندازند. اما مبارزات کارگران کفش ملی در

بیرحمی دست کمی از کاردهای سرسپرده شاه خاش نشانند، میخواهند با ریختن خون کارگران، خشم و نفرتشان را به طبقه کارگر و خوش خدمتی شان را به سرمایه داران نشان دهند. شدت برتاب گزاهای اشک آور در آن نیمه شب بحدی بود که بسیاری از کارگران حالت خفگی پیدا کرده و بیپوش شدند. در این هنگام کارگران که ما هیت هیئت مدیره و پاسداران بیش ریش برایشان روشن شده بود، کینه و نفرت خود را به آنها با داین شعار:

مرگ بر پاسدار! پاسدار حامی سرمایه دار!
نشان دادند، کارگران فراموش نکرده اند که دیروز ما و کیتهای مزدور کارگران جهان جیت را در کاروان سراسر استکی بد خاک و خون کشیدند و امروز این سینه کارگران زحمتکش کفش ملی است که با بده هدف گلوله های آمریکائی پاسداران قرار بگیرد. این وقایع نشان میدهد که دولت های حامی سرمایه داران همیشه و همه جا مبارزات بحق کارگران را با بیرحمی تمام سرکوب میکنند.
کارگران مبارز کفش ملی!

ما با مبارزه متحد و بیکار خودمان مبارزه سرمایه داران و رژیم حاکم را به خاک مالیده ایم. اگر پاسداران مسلح برای سرکوب ما از سلاح گرم استفاده کردند، بیعت ضعف و ناتوانی آنها در مقابل اتحاد و همبستگی ما کارگران است. ما برای اینکه همچنان مبارزه خودمان را ادامه دهیم با همه جنان متحد بوده و عینا مبارز کار و فدکارگر در میان خود افشا کرده و بیرون کنیم. ما می بایستی خواهان آزادی هر چه زودتر نمایندگان خود بسویم. ما می بایستی خواهان اخراج پاسداران از کارخانه بسویم. فقط ما بقیه در صفحه ۲۵

هفته های اخیر تمام خواب و خیالهای دولت سرمایه داری حاکم را نقش بر آب کرده است. از هفته گذشته اعتراضات کارگران در اکثر شرکت های کفش ملی آغاز شده و حتی منجر به اعتصابات برانگیزه و جلوگیری از فروش محصولات هم شده بود. اما زمانیکه این مبارزات پراکنده دیگر چاره کار نبود، کارگران با راهیمائی ۶ هزار نفره خود در محوطه کارخانه و با داین شعارهای متحد و یکمدا علیه فانون کار آزادی کارگر حق مسلم ما است! فانون بدست کارگران ایجاد با بیدگردد، این هیئت مدیره اخراج با بیدگردد! نمایش با شکوهی از قدرت بی پایان طبقه کارگر را به سرمایه داران مفتخور نشان دادند! قدرتی که تنها در اتحاد و پیوستگی ما کارگران وجود دارد. کارگران با کروگان گرفتن ۵ نفر از هیئت مدیره دست به تحمّن زدند. در جمع کارگران، فدائیان اکثریت که ظاهر اولیاس طرفدار طبقه کارگر هستند ما در عمل از پشت به طبقه کارگر خنجر میزنند، برای خاموش کردن مبارزات ما گوش کرده و با کفش اینکه «دولت نمایندگان را آزاد میکند» کارگران را به تسلیم دعوت میکنند. اما کارگران با شعار مرگ بر سازشکار، توطئه های کثیف از آنها را خنثی میکنند. نیمه شب چهارشنبه پاسداران سرمایه داران تفنگهای آمریکائی و گزاهای اشک آور و حنیانه به تحمّن ما کارگران یورش برده و شروع به تیراندازی کردند. پاسداران که در وحشیگری و

آوارگان جنگ ارتجاعی رژیم را افشای کنند

اصفهان - ملک شهر: مسئولین رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۴ بهمن فرم‌هایی را به میان آوارگان مستقر در آوارگانهای ملک شهر آورده و برای فریب آنان میگویند که این فرمها مربوط به کویین، بهداشت و خاموشی برق است و به همین بهانه از عده‌ای از آنان امضا میگیرند. اما از آنجا که آوارگان زحمتکش در طی این مدت تا حد زیادی به ماهیت رژیم پی برده و بارها مح عوامل رژیم را در دروغگوئی باز کرده اند، به فرمها شک کرده و در بعضی از آوارگانهای با خواندن آن دست به افشاکاری میزنند. بتدریج سایر آوارگان با خبر میشوند که در این فرم، نه تنها تهمت بی عفتی به زنان زحمتکش آورده شده است، بلکه قفسه‌داران آوارگان تعهد میگیرند که چنانچه طبق مقررات تحمیلی ارتجاعی در اردوگاه، عمل نکنند آنان را به جبرفت تبعید نمایند. زحمتکشان آواره در روز ۲۶ بهمن به نشانه اعتراض در جلوی دفتر اجتماع کرده و با شعار "ما به جبرفت نمیرویم، حتی اگر بصریم" خواهان برگرداندن فرمها شده و تشکیل شورای واقعی میشوند. مسئولین رژیم که وحشت کرده بودند قبول میدهند فرمها را تحویل آوارگان بدهند. آوارگان با شعار "فردا ساعت ۹ همین جا متفرق" اما مسئولین رژیم فردای آن روز قبل از ساعت یاد شده فرمها را به بلوکها آورده و بیس میدهند و برای سنگ اندازی در راه ایجاد شورای واقعی آوارگان اعلام میکنند که اگر کسی خواسته ای دارد به شورای فرمایشی مراجعه کند. اما آوارگان با پی بردن به ماهیت ارتجاعی رژیم و ارگانهایش در راه تشکیل شوراهای واقعی و تحقق خواسته‌هایشان به پیش میروند.

خودکشی، ارمغان دیگر جنگ ارتجاعی

رژیم خلقی جمهوری اسلامی در ادامه جنگ ارتجاعی کنونی، هر روز تعداد بیشتری از فرزندان خلق را به گوشت دم‌توب خود تبدیل میکند. رژیم آنگنان سربازان و منقضی خدمت‌های ۵۶ را تحت فشار قرار میدهد که برخی از آنها مجارستان ریه‌های روان میگردند، چنانکه در اوایل بهمن ماه "رثوفی" منقضی خدمت ۵۶ که قبلا مهندس برق در شرکت آستون بوده، بر اثر فشارهای شدید روحی در جبهه جنگ اختلال روانی

اخبار جنگ

بیدار میکند. ابتدا او را به بیمارستان منتقل میکنند اما در آنجا هم ساداران سرمایه‌پرست او را تحت فشار قرار میدهند و او نمود میکنند که وی برای گرفتن مرخصی "خود را به دیوانگی زده است". یکبار ساداران او را شدت کتک میزنند و سرانجام پس از ۶ روز بستری شدن در بیمارستان، دوباره به جبهه انتقال میابد و پس از چند روزی که دیگر در خود توان مقابله با این فشارها را نمیدید، با یک گلوله به زندگی خود خاتمه میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که فقط به منافع خود می‌اندیشد، نه تنها به معالجه بیماران توجهی ندارد، بلکه آنها را همچنان به جبهه‌های جنگ گسیل میدارد و تحت فشار قرار میدهد. آری، این رژیم است که برای حفظ منافع فذخلقی خود این چنین فرزندان خلق را در جبهه‌های جنگ ارتجاعی قربانی میکند و حتی آنها را به خودکشی وامیدارد.

نگاهی به وضعیت آوارگان جنگ ارتجاعی در تهران

۱- دهکده المپیک

این اردوگاه را حدود ۶ خانوار از آوارگان جنگی مصادره کرده و در آن سکنی گزیده اند. رژیم هم طبق معمول کمیت‌های دریکسی از ساختمانها ممتفر کرده که آوارگان را تحت کنترل دارد. آوارگان نمایندگان از میان خود در شورای سراسری آوارگان شرکت نفست دارند که رژیم اخیرا سه تن از آنان را دستگیر کرده است. کمک‌های مردمی سوله یا سوله‌داران دزدیده شده و فقط مقدار کمی از آن بین آوارگان تقسیم میشود. ساداران سرمایه‌از وحشت تحاس نیروهای انقلابی سا آوارگان، رفت و آمد اردوگاه را خدیدا تحت کنترل دارند. مسئولین رژیم با عوامفریبی وانمود میکنند که وضع آوارگان ساکن المپیک سیترا سا آوارگان است. یکی از جنگ زده‌ها می‌گفت: "آوارگسان جا در نشین را بنا بدبا ما که حداقل جایی برای زندگی داریم مقاسه کرد، بلکه با بدآنها را با مفامات باایی شرکت نفست مقاسه کرد که الان در هتلهای "کمودور" و "روال کاردن" زندگی میکنند و شما حقوق و مزایای کامل خود را تسر میگیرند".

۲- قصر فیروزه

در قصر فیروزه واقع در خیابان سد-روزی حدود ۲۳۷ خانوار از کارکنان کمرب خرمشهر ساکن داده شده اند. آوارگان در این جا هم مانند سایر اردوگاهها در مضیقه و تنگنا بوده و در مقابل خواسته‌های با وعده‌های سرخرمن از طرف رژیم روبرو هستند.

۳- خوابگاه شماره ۲ دختران دانشگاه صنعتی شریف

در این خوابگاه حدود ۱۷۰ آواره زحمتکش زندگی میکنند، مسئولین مرتجع رژیم در اینجا هم ارتشکلی شورای واقعی و انتخاب نماینده از طرف آوارگان وحشت داشته و بر علیه آنها توطئه میکنند.

۴- خوابگاه شماره ۱ پسران دانشگاه صنعتی شریف

در این خوابگاه هم حدود ۷۰۰ نفر از زحمتکشان آواره مستقر هستند. علاوه بر آوارگان حدود ۴ دانشجوی دختر نیز در آنجا اقامت دارند، که آوارگان در مقابل فشارهای رژیم از آنان دفاع میکنند. تهدید به اخراج و تبعید به جبرفت که یکی از حرب‌های رژیم است مثل حمایت همیشه بالایی سر آوارگان فر دارد.

جنگ زده آوارهای میگفت: "مثل اینکه جبرفت شعیدگاه انقلابیون آواره است". سیاستهای رژیم ارتجاعی در رابطه با آوارگان، سرکوب، فشار و دستگیری عناصر انقلابی است. برای مقابله با این سیاست تنها راه، مبارزه هرجه متشکل تر و متعدد تر، آوارگان و بیوند آن با جنبش کارگران و زحمتکشان بیباک است.

مصاحبه‌های فرمایشی در میدان جنگ!

"ما بارها بر این مسئله تکیه کرده‌ایم که رادیو تلویزیون همیشه در خدمت قدرت حاکم است و بعنوان یکی از ابزارهای حاکمیت عمل میکند. بر این اساس رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه جنگ را دارای "خیرات" میدانند، از رادیو تلویزیون هم مانند همیشه بعنوان بوق تبلیغاتی و توجیه مواضع ارتجاعی خود استفاده میکند. به مطالب زیر توجه کنید:

- برای نشان دادن "رشادت نیروهای اسلام" و اینکه ثابت کنند که "قوای کفر" زیر فشار "مسلمین" فرست قس کشدن هم ندارند، حضرات مجبور به محنه سازی هستند! آن فیلم‌گیرند و بخورد مردم بدهند. بدین ترتیب که مقداری از

بقیه در صفحه ۲۵

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

عوامفریبی و دروغ‌پراکنی: جلوه‌های از اپورتونیسیم "راه‌کارگر" در اخلاقیات!

راست است که اپورتونیسیم‌نیتوانند تنها به سیاست محدود باقی بمانند بلکه در روند تعمیق انحطاط خویش به ایدئولوژی و اخلاقیات نیز کشیده خواهند شد. "راه‌کارگر" که در ابتدای حیاتش با تحلیل‌هایی که بیشتر با طبع لیبرال‌ها بود سخن از فاشیسم میگفت و ضرورت مقابله با فاشیسم (همراه لیبرال‌ها) علیه "فاشیسم" را علم مینمود. "راه‌کارگر" که با "برخی ابهامات و ایرادات" در مورد شوروی آغاز زیدودر مسعود "سوسیالیستی بودن" آن نیز اظهار تردید مینمود! و... آری، امروزه پس از گذشت دو سال از حاکمیت رژیم و حیات "راه‌کارگر" اپورتونیسیم‌ریشه‌دار "راه‌کارگر" بعد از کلی موضع عوض کردن‌ها و "رفع ابهامات"، آنچنان رشد نموده که امروزه و را بدنبال "اکثریت" خائن روان ساخته است، بطوریکه با یکی دوگام فاصله راه‌آورد می‌رود "راه‌کارگر" نیز (البته تنها با برخی مرزبندی) جنگ را عادلانه میدانند، افزایش تولید توسط کارگران را تبلیغ مینمایند، تحت حاکمیت رژیم صلح پایدار در کردستان طرح مینمایند، از حرکت سفارت پشیمان می‌نمایند، راه‌شد غیر سرمایه‌داری را در کوبا تحسین میکنند، از نزدیک‌سازی مناسبات خارجی دولت ایران با اردوی سوسیال امپریالیسم بعتوان یک سیاست مثبت نام می‌برند (که البته تا ساف "راه‌کارگر" از آن است که جمهوری اسلامی نمیتواند چنین سیاستی را بصورت پایدار دنبال کند)، ضرورت نزدیک‌سازی نیروها با اردوی رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم (البته تحت همونی پرولتاریا!) را تبلیغ مینمایند، از استقلال سیاسی حکومت دفاع میکنند و دست‌آخرم چون فدائیان در گذشته، در زمانیکه گام به گام بورژوازیونیسم درمی‌غلظیدند و جنبش کمونیستی را "انترنیشنل و سندیکیالیست" (آنا رکوسندیکیالیست) میخوانند، امروزه "راه‌کارگر" نیز خطاب به نیروهای کمونیست و سوسیالیست "از انحرافات آنرا رکوسندیکیالیستی" نام برده و میکوشد ما را به "راست‌ها" بدایت کند. روند اپورتونیسیم مبدم فزاینده "راه‌کارگر" بطور ناگهانی و بی‌پایان آنها را در کنار اکثریت‌های خواهد داد. اما "راه‌کارگر" برخلاف اکثریت این روند را بصورت ناشیانه طی نمیکند، تا در جنبش رسوا نگردد! "راه‌کارگر" میکوشد به انحرافات رویزیونیستی خویش محل ثوریک بخشیده و با دفاع فعال از انحرافات خود از یکسو و حمله به نیروهای کمونیستی بیگانه، خود را "وفادار" بهم - ل نشان دهد و ژستی حق به جانب بگیرد.

اما از آنجا که "راه‌کارگر" اپورتونیسیم‌نیتوانند انحطاط فکری خویش را در عرصه‌های دیگر و از جمله اخلاقیات و شیوه برخورد بروز ندهد نگاهی به عوام‌فریبی‌های "راه‌کارگر" و دروغ‌پردازی‌هایش میتوان داشت. دعوا را ثابت نماید. این رسم عمومی اپورتونیسیم‌ها و رویزیونیست‌هاست که توجیه مواضع بورژوازی خود را با نسبت دروغ دادن به دیگران، با جعل

و تحریف درم - ل آرایش دهند. بیاد آوریم که چگونه سا زمان رزمندگان تحت هژمونی اپورتونیسیم‌ها منشعب گزینی زمانی که کوشیده می‌ارزاید ایدئولوژیک ما با سخ دهد، در نوشته‌ای ۶ صفحه‌ای تنها با برجس زدن، دروغ پراکنی، انتساب تست‌های دروغ و از خود ساخته و سپس نقد آن و بکارگیری شیوه‌ها ملازم‌ننده و بورژوازی، به ما رزاید ایدئولوژیک علیه ما پرداخت، و صد البته تنها چیزی که با سخ نگفت همان محتوای نقد ما از انحرافاتشان بود. "راه‌کارگر" نیز در قبایل عموم ما رزاید ایدئولوژیک ما با اینان، به جنبش روش اپورتونیسیم که شایسته آن مواضع شیرست، دست‌یازید و آن‌ها را قیافه‌ای حق بجانب!

ما نظرات رویزیونیستی "راه‌کارگر" را در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم به نقد کشیدیم و "راه‌کارگر" ما جزا زبا سخگوشی، تنها گیگ‌های با استیاز نظر ما را در برابر اردوی سوسیالیسم مورد تمسخر قرار داد. ما در کرویژیونیستی اینان را از "سوسیالیسم بی‌بیمار" در لهستان به نقد کشیدیم و "راه‌کارگر" ما جزا زبا سخگوشی، با زهم‌دریکی دو سطر حرف ما که "سوسیالیسم، سوسیالیسم است" را مورد استیاز قرار داد و از زبا سخگوشی ظفره رفت. ما تگوری اپورتونیسیم دفاع از استقلال سیاسی حکومت "راه‌کارگر" را به نقد کشیدیم، اینان در با سخ بجای توضیح علت "دفاع از استقلال سیاسی حکومت فدائینقلابی" که مبنای ثوریک آنرا ما در مقاله ما رکسیم و رویزیونیسم تحت عنوان ثوری رویزیونیستی انتخاب بین بد و بدتر (برخورد توجیح به ضد انقلاب) به نقد کشیدیم، از اصل موضوع ظفره رفته و کوشید با دروغ‌پردازی و نمودن که ما استقلال سیاسی نسبی را قبول نداریم و از اینرو کونومیسیم هستیم. و بدین ترتیب از توضیح ثوری‌های رویزیونیستی خویش (برخورد توجیحی و دفاع از استقلال سیاسی حکومت ضد انقلابی) با زهم‌ظفره رفتند.

از دیگر برخوردهای عوام‌فریبانه "راه‌کارگر" در برخورد به مسئله جنگ بروز نمود، ما در مقالات متعدد ثوری‌های اپورتونیسیم عادلانه خواندن جنگ را به نقد کشیدیم. در بکار ثوریک ۱، به

بررسی مشروح علل جنگ ایران و عراق موضوعات مطروحه در جنگ، اهداف آن و رهبری جنگ و سیاستی که قبل از جنگ دنبال میگشت پرداختیم و نظرات اپورتونیسیم نظیر "راه‌کارگر" را به نقد کشیدیم، تا کتیک عمومی خود را در قبایل جنگ‌های ارتجاعی (و از جمله جنگ ایران و عراق) که تبدیل آن به جنگ داخلی (و ترویج این شعار) بود توضیح دادیم. و در مقاله "رزمندگان ما رکسیم یا رویزیونیسم" تحریفات رویزیونیستی را کارگر رزمندگان را در باره تاریخ جنگ جهانی دوم جنگ آلمان و روس و... به نقد کشیدیم و بنیان

● اما از آنجا که "راه‌کارگر" اپورتونیسیم‌نیتوانند انحطاط فکری خویش را در عرصه‌های دیگر و از جمله اخلاقیات و شیوه برخورد بروز ندهد. نگاهی به عوام‌فریبی‌های "راه‌کارگر" و دروغ‌پردازی‌هایش میتوان داشت. این رسم عمومی اپورتونیسیم‌ها و رویزیونیست‌هاست که توجیه مواضع بورژوازی خود را با نسبت دروغ دادن به دیگران، با جعل و تحریف درم - ل آرایش دهند.

رویزیونیستی این تحریفات را توضیح دادیم. "راه‌کارگر" ما جزا زبا سخگوشی به تحریفات که چه در استناد به تاریخ، چه در استنادات کتیک رویزیونیستی، چه در بررسی موضوع جنگ ایران و عراق و... صورت داده است و بر ملا گردیده بود، خود را خلاص نموده و کوشید تا با انتساب چند دروغ شاخدار، عوام‌فریبانه گرایشات شدیدا رویزیونیستی خویش را بیوشانند. از آن جمله مدعی گشت که بیگانه معتقد است تنها بدلیل آنکه حکومت ارتجاعی است پس جنگ ما عادلانه است آیا هواداران "راه‌کارگر" نوشته‌های ما را در مورد جنگ ایران و عراق نخواهند انداخته و اگر خواننده اند، جنبش دروغ‌پردازی شاخدار "راه‌کارگر" را به حساب میگذارند؟ همچنین "راه‌کارگر" کوشید دروغ و نمودن که زمانیکه ما از تا کتیک تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی سخن میگوئیم، منظور ما این است که اکنون موقعیت انقلابی است و این رهنمودها بدیالفور به اجرا درآید! آیا هر فردی که ذره‌ای از صداقت انقلابی بوبرده ما شد، میتواند منکر شود که ما این تا کتیک را در این دوران به عنوان یک شعار ترویجی و نه تبلیغی و یا حتی فراتر از آن منظور که "راه‌کارگر" میگوید، نه بعنوان یک شعار عطفی مطرح مساختیم (هما منظور که در روسیه در سال ۱۹۱۴ ما تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی به عنوان یک شعار ترویجی مطرح بود). عوام‌فریبی و دروغ‌پردازی‌های "راه‌کارگر" بسیار است (شاید بدون این عمل چیزی برای گفتن و دفاع از خود نداشتند) ما نظرات

سورژواکی راهکار و گزیرا در باره "امراض تولیدی" به نقد کشیدیم و توضیح دادیم که تنها درجه صورتی در یک جامعه سرمایه داری، بیروتیست که ممکن است خود به افزایش تولید دست برند و تحریفات "راهکار رگر" را در برخورد به روسیه افشا نمودیم. اینان باز هم نباید بجای نقد آنچه ما گفتیم، طبق معمول نظری را از خود ساختند و بنا منتسب نمودند و سپس به نقد آن پرداختند که بیکار و بیگوار بود؛ چون جامعه ما سرمایه داری است پس در هر شرایطی افزایش تولید غلط است؛ سراسری نیست که از تحلیلی مشخص طفره میسرود و کیفیت که میگویند تا تحریف نظرات دیگران، با تحریف تاریخ و با لاف به تحریف - ل - شعوری - های بورژوازی خویشتن را پوشش آراسته بخشیدند و با انتساب موضعی تحریف شده و از خود ساخته به دیگران، آنها را مورد طعنه و استهزا پدیدارند و فرار دهند؟

"راهکار رگر" که با لاف در برخی موارد حاضر به ساختگویی شده است با انتساب دروغ و تحریف و موضعی از خود ساخته به ما با اصطلاح به دفاع از خویش برخاسته است، در مورد آخرین میسارزه ایدئولوژیک ما در افشای تسلیم طلبی "راهکار رگر" در مراسم ۲۳ دی، با زدن دست به دروغ برداری زده و سپس به نقد مواضع تحریف شده که ما منتسب نموده پرخاش است. بی آنکه جواب مشخص بابت دادات ما را پاسخ بگوید.

مادریت حایه با سخگویی به ترهات بورژوازیستی "راهکار رگر" در این باره نصییر داریم. چرا که اولانظر اتمان را در مورد انتقادات "راهکار رگر" در این مورد گفته ایم. ما بنا معتقدیم که اکنون میسارست برخورد با "راهکار رگر" را با سبک آرزو با بی مجدداً جایگاه "طبقانی وی صورت داد لیکن آنچه در این مقاله "راهکار رگر" خائب و در عین حال شاید نداشته، با راه از تحریف فراتر گذاشتن و به دروغیهای آشکار، با وقاحت هر چه نتوانیم مسئول شدن است. دروغ برداری "راهکار رگر" در مقاله "سنگار با شمشیر جوسین" میتوانیم عجز و درماندگی "راهکار رگر" را در دفاع از مواضع خویش عربان سازد و به بهترین وجهی نشان دهد که چگونه برای "راهکار رگر" "هدایت وسیله را توجیه میکند!" و برای دفاع از مواضع بورژوازیستی این چگونه به هرگونه وسیله ای و از جمله دروغ برداریهای شان داشته مسئول میگردد. و این همان انعکاس سیاست بورژوازیستی در اخلاقیات و شیوه برخورد بورژوازی "راهکار رگر" است.

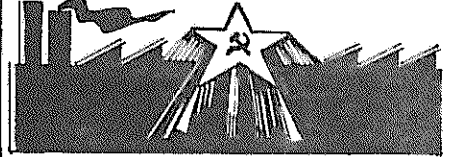
"راهکار رگر" برای توجیه سیاست بورژوازیستی خویش مدعی گشته است که از جمله اختلافات با ما در کمیته هما همگی مخالفت جدی با "عملی نمودن بلاواسطه شعار با رگشائی و وروده گشته دانستگاه" بوده که توسط "سنگار" مطرح شد. "سراسری در مقابل جنین دروغ و نتایج های هما نیست گفت؟ چگونه است که "راهکار رگر" برای سونابندن "چهره زشت بورژوازیست منقطع خویش و فایده بیودن هواداران خویش با سد جنین دروغیهای شاداری

را سر هم کند؛ ما سواستند و هواداران خویش نگوییم. "سنگار" را تا رنست و ما خط اصولی "سنگار" را "راهکار رگر" نمیتواند به استناد آنچه ما گفته ایم تحلیل ما از وضعیت جنین، مسئله خواست با رگشائی، بسیج بوده ها، تعرض علیه رژیم و... را به نقد بکشد. از این سرونات گزیرا ست بدروغ مدعی گردید که از جمله اختلافات نشان ما با "سراسری" است که ما به وضعیت جنین، سطح آن کار برداشته و تنها با کتیک خود را از "فدا انقلابی بودن حکومت بدست میا و رسم و آرا احتمال آن با ند که گسسی سا دکئی به خرج نداده و از "راهکار رگر" "دلایل" بعواهد که خواست مدعی است با یکدیگر با بدست تنها فدا انقلابی بودن رژیم و سطح آکا های روستیگران سرتراست" (که در انتصاب سورت بلافاصله میسارست منازعه مسلحانه علیه رژیم را در دستور روز خویش بی گذاشت) با بسند دروغ شاداری را شویبل داد که "سنگار" اقتصاد شغال عملی دانستگاه را داشت تا شاید خواننده با ورکند! ما در کجا، کی، و چگونه مدعی گشتیم که ما پیدایشگاه را اگر شرایط در این روزها غایب بود تصرف کنیم؟ برای سنی که راهکار رگر برای توجیه بورژوازیست منقطع خویش چه خوب با فدا انقلابی که هم توانا شده و همان تصمیمهای جمهوری اسلامی را که میگوید "ایمان نهادن با سنگار، سراسری آشوب و بلوا و... داشتند" تکرار میکنند و متحد با رژیم نیستیهای خاشن، ارتجاع حاکم و مجاهدین این حرکت را "چپ روی" میخوانند. اما دروغ دیگر راهکار رگر در توجیه حرکت سازمان شکنانه و سفاکیت بورژوازیستی خویش است که میگویند "فدا نه جنین و نمودن که تطاهرات از جانب کمیته هما همگی لغوشده و این موضوع که سراسری در جای دیگر برنامهای داشتند، ربطی به "راهکار رگر" نداشته است. و تنها دو "استفاد کج" که برخی از آنان بیلاکا در دست گرفته و میگویند جمعیت را با اعلام این مسئله که راهیما نمی از سوی کمیته هما همگی لغوشده متفرق نمائند، و ارداد داشته است که تا راه آنها همناشی از قطع ارتباطات تشکیلاتی با اکیبهای بخش! و عجله گساری! دانسته است. امری که در عین حال میسارست بدست بیکار داده است.

سراسری چگونه "راهکار رگر" این چنین مانند دیلما تمهای بورژواکستان دروغ میگوید و هیچ انائی نزنندارد. آما "راهکار رگر" فراموش کرده است که از قبل در کمیته هما همگی تصمیم گرفته شد، در صورت عدم برگزاری راهیما می در محل دانستگاه، محل آن به جای دیگر منتقل شود؟ زمانیکه طبق برنامه فذائی محل راهیما می عوض گشت، راهکار رگر کستانه تصرف محل راهیما می از سوی کمیته هما همگی را (که راهکار رگر عنوانه و تسلیم طلبانه از سراسری "نهاد دو جناح از آن خارج گشته بود، از انومرا سراسری کمیته هما همگی سخوانند! و میگویند جمعیت را متفرق کند و به تنها بدروغ در همان حال بیلاکا رد

ها می میسارست انومرا سراسری از سوی کمیته هما همگی در دست میگیرند، بلکه بعد از سروز در اعلامیه که بدین مسابیت منتشر میکنند مدعی میگردند که کمیته هما همگی با انومرا سراسری به خرج داده و مانع از ایجاد "آشوب" و بلا میگردند. (یعنی برگزاری مراسم بریائی "سوس" و بلوا بود. براسستی راهکار رگر چه خوب اصطلاحات فدا انقلابی حاکم و بورژوازیستنها را در محکوم نمودن یا در گزینهاست!) اکنون "راهکار رگر" ما میویستکننده از زهد دروغ میگوید و اعلام میکند که کمیته هما همگی را سراسری را میگوید. "راهکار رگر" تا یک سید با اعلامیه ای میسارست لغورا هیما می که از سوی کمیته هما همگی صورت گرفته است، میسارست با بدد "آری، راهکار رگر" با وحشت از افراد از جنین کمیته میسارست بدل با سوس - نیم سیکرانس، میگویند با دروغ برداری مواضع خود را موجه طوطه دهد و دیگران را ساد جلعه بگرد سومین دروغ آشکار "راهکار رگر" این است که مدعی میگردند مواضع سیکار در جلسه کمیته برگزاری در آخرین ساعات این بوده که مراسم حتما با بدخلوی دانستگاه برقرار شود و برای ایستاد دروغ خود انتقاد از خود ما را که بعداً صورت گرفت تا هدما ورد، براسستی تا حد مسواون و فاحشیت به خرج داد و بدروغ مدعی گشت که ما در جلسه کمیته برگزاری که تصمیم به سفر محل راهیما می گرفت، با آن مخالفت نمودیم؟ انتقاد ما که بعداً از کمیته برگزاری خود ما صورت گرفت، این بوده که در موقع تصمیم گیری در جلسه کمیته چرا محل را سفیر داده ایم. تنها پس از جمع بندی از حرکت ۲۳ دی بود که ما با انتقاد نسبت به این حرکت بی برده و آسرات درست خواندیم، اما بورژوازیستهای "راهکار رگر" برای سونابندن مواضع تسلیم طلبانه و سازمان شکنانه خود سبه دروغ اعلام میسارست که ما در کمیته برگزاری معتقد بودیم که میسارست مراسم درها بحا صورت میسارست. براسستی "راهکار رگر" اگرک حوا مدافعان انقلابی داشت، هرگز به جنین دروغی را کی - ها و عوا مفریبهائی منوسل نمسند؟

روز بروز که از حیات "راهکار رگر" میگذرد. بموازات شده است های روزیونیستی و انتحام بخشی به بورژوازیست سیکران خویش، سیاست و شیوه سورژوازی در میان رزه ایدئولوژیک "راهکار رگر" نیز میسارست. "راهکار رگر" تنها در سیاست بلکه در اخلاقیات و شیوه برخورد نیز از اکثریتی های خاشن و حزب خاشن نموده، شیوه تحریف و دروغ برداری و عوام فریبی را می آموزد تا در سرونات سواست مواضع بورژوازیستی خویش و سیکاری سوی اکثریت را لایوناسی کند. با رگشائی هواداران صدیق "راهکار رگر" هدا رسد هم: "هدا رکه خطر نزدیک است"



پیام بیست و ششمین کنگره سوسیال امپریالیسم شوروی: سازش با امپریالیسم امریکا ، سرکوب انقلاب خلقها!

امروز در شرایطی که مبارزات طبقه کارگر و خلقهای جهان هر چه بیشتر اوج میگیرد، در شرایطی که تضادهای و بحرانهای سرمایهداری، گتندگی ماهوی امپریالیسم را عیان تر میسازد و در عین حال زمینه مناسبتی برای گسترش بیشتر انقلاب در سراسر کیتی بوجود می آورد، رویزیونیسم پیش از هر زمان دیگر - پروولتاریای جهانی را مورد ضربت خائسانه خود قرار داده است. رویزیونیسم نه تنها احزاب متعددی را در کار خود فروکشیده است، نه تنها بخش وسیع کشورهای سوسیالیستی را به اردوگاه امپریالیسم انتقال داده است، بلکه همچنان به تعرض ضد انقلابی علیه پروولتاریا، سوسیالیسم و انقلاب ادامه میدهد، بدون شک ضربه رویزیونیسم به جهانی شکست مهمی برای پروولتاریای جهانی بشمار می آید، اما این حقیقتی است انکارناپذیر که ضربه رویزیونیسم خروخرفی - برزنی از ایضا بسیار گسترده تری برخوردار می باشد. امروز رویزیونیسم خروخرفی بر اکثر احزاب رویزیونیست و کشورهای بورژوا - رویزیونیست مسلط بوده و به این لحاظ با بشوای معنوی و مادی عظیم خود حسی ها و انقلابات را در بعد وسیعتری مورد تهاجم خود قرار داده و می دهد بنابراین مبارزه کمونیستی علیه رویزیونیسم بطور عموم و علیه قطب رویزیونیستهای خروخرفی و در رأس آن سوسیال امپریالیسم شوروی بطور اخص از اهمیت حیاتی برخوردار است بدون چنین مبارزه دیگری، هیچ انقلابی به سرانجام نخواهد رسید و پروولتاریا قادر نخواهد بود سوسیالیسم را برقرار نماید. فقط یک دیدگاه رویزیونیستی مبارزه علیه بورژوازی را از مبارزه علیه رویزیونیسم جدا خواهد کرد، فقط یک دیدگاه ضد مارکسیستی مبارزه علیه امپریالیسم را از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی جدا خواهد نمود و فقط دشمنان سوسیالیسم و کسانی که نمیخواهند پروولتاریا بقدرت برسد مبارزه ضد رویزیونیستی را نفعی میکنند، این مبارزه بیخ لاابنفکی از مبارزه طبقه پروولتاریا در راه استقرار کمونیسم بشمار می آید.

تشکیل بیست و ششمین کنگره حزب رویزیونیست سوسیال امپریالیسم شوروی، از یکسو در چهار چوب تعرض رویزیونیسم علیه سوسیالیسم و انقلاب قرار داشته و از سوی دیگر بیانگر کوششهای جدید بورژوازی امپریالیستی شوروی در جهت سازشهای نوین با امپریالیسم امریکا و نتایج



تدارک گسترده تری از تهاجم علیه انقلاب جهانی است، از زمانی که رویزیونیسم بردستگاه حزبی شوروی مسلط گردید، حزب بدبازا رویزیونیست در راه تحقق اهداف ارتجاعی اش تبدیل شد و بالطبع کنگره های حزبی سربزه مرکزی جهت برنامهریزی های این بورژوازی بدل گشت. کنگره اخیر سوسیال امپریالیسم در دو عرصه داخلی و خارجی برنامهورژوازی شوروی را اعلام نمود. نگاه کنونی به سیاستهای داخلی و خارجی شوروی یکبار دیگر فدیت رویزیونیستها را با پروولتاریا و توطئه های آنها را علیه خلقهای جهان نشان میدهد.

در زمینه داخلی: بحران اقتصادی و سرکوب پروولتاریا

هما نظر که میدانیم، رودسته خروخرف خائنان برای پوشاندن دیکتاتوری طبقه تالی و بورژوازی خود، دیکتاتوری پروولتاریا را منحل اعلام کرده و مطرح ساختن آنجا که تهاجمات طبقه تالی با بیان یافته شوروی به مرحله اولیه کمونیسم رسیده، دولت پروولتاریا جای خود را به "دولت تمام خلقی" سپرده است. در مقابل این عواقمربسی با بدگفت پر واضح است که به سبب حاکمیت یافتن رویزیونیستها در شوروی، دیکتاتوری پروولتاریا نابود گردید، لیکن از آنجا که پروولتاریا از قدرت فرو افتاده و جامعه شوروی کماکان یک جامعه طبقه تالی بود و از آنجا که قدرت به دست رویزیونیستها افتاده بود، دولت حاکم جدید دیکتاتوری بورژوازی جبر دیگری نمی توانست باشد. اگرچه رویزیونیستهای خروخرفی - برزنی ادعا میکردند که شوروی فقط نیاز به "تدارک مادی واقعی کمونیسم" دارد و تضادهای طبقه تالی و در نتیجه مبارزه طبقه تالی از جامعه شوروی رخت بر بسته است، اما وجود دولت رویزیونیستها در شوروی و طبقات منخام اجتماعی و مبارزه جاری میان آنها در خط بطلانی برای سلیفات رویزیونیستی بود. بقول لنین وجود دولت در جامعه طبقه تالی بیان تضادهای آشتی ناپذیر طبقه تالی است، او میگوید "دولت محصول آشتی ناپذیری تضادهای طبقه تالی است" (دولت و انقلاب) به بیان دیگر زمانی که طبقات از زمین بروند، دولت نیز ضرورت خود را

ار دست میدهد. پس وجود دولت در شوروی بیان وجود طبقات منخام در شوروی و اعلام "دولت تمام خلقی" بیان دیکتاتوری بورژوازی بود. این حقایق را تضادهای مستمر طبقه تالی در این جامعه و ادامه مبارزات طبقه کارگر و خلقهای این کشور و سرکوب مرتجعانه این مبارزات توسط دستگاه دولتی بورژوازی حاکم بارها و بارها اثبات کرده است و در گزارش برژنف مرتد که ادامه دهنده همان خط خروخرف است، این حقایق بطرز عربانه جلوه گیری میکند. برژنف در تمام گزارش خود یک کلام در باره دیکتاتوری پروولتاریا نمی گوید و نمی تواند هم بگوید، اما او در همین گزارش میگوید: "در سالهای دهه هفتاد نزدیکی تمام طبقات و گروههای اجتماعی جامعه شوروی ادامه مبارزات" اگرچه در مبارزه طبقاتی در شوروی و استثنا ریش از بیش طبقه کارگر (رجوع شود به یکا ۸۹) این واقعیت را ثابت میکنند که طبقات در شوروی به یکدیگر نزدیک شده و بلکه بطور روزافزون تضادهای طبقه تالی عیان تر میگردد، اما مسئله جالب اینجاست که رویزیونیستها با بد جواب دهند که اگر بهر حال در جامعه شوروی "طبقات و گروههای اجتماعی" وجود دارند و بنا به گفته لنین هر دولتی نماینده یک طبقه معین است، پس دولت حاکم با قبول آنها "دولت تمام خلقی" مدافع کدامیک از این "طبقات و گروههای اجتماعی" است؟

مسئله مهم دیگر در زمینه مسائل داخلی گزارش برژنف خائنان از اوضاع اقتصادی بود. او در گزارش خود اگرچه عوامفریبانه از "دست آوردهای سوسیالیسم در شوروی" صحبت کرد، اما در همان حال بطرز خجولانه از بحران اقتصادی نبرسخن گفت و بطور غیر صریح از بحران گشاورزی، از کم شدن کارآئی در تولید، از مدیریت نادرستگاههای تولیدی و از عدم تحقق اهداف برنامهماقتصادی صحبت کرد گویا اینکه رویزیونیستهای برزنی حقایق بحران و مساموجود در کشور را میبوسا نند و به طبقه کارگر دروغ میگویند، اما همین اعترافات خجولانه برژنف نشانهای از ماهیت سرمایهداری اقتصاد حاکم بر شوروی است. در کشور سوسیالیستی بحران گشاورزی وجود ندارد، زیرا برچشم سوسیالیسم طبقه کارگر که ری نگرده و با شور کمونیستی تولید سوسیالیستی را مدام افزایش میدهد. زیرا رهبری طبقه کارگر تولید را بر اساس برنامه مرکزی هدایت نموده و طبقه کارگر با تمام قوا میکوشد تا اهداف در نظر گرفته شده برآورده کرده، اما در یک اقتصاد سرمایهداری که قانون سود هر چه بیشتر بر آن حاکم است و هر چه و هر چه در تولید آن به شمار می آید، بحران، بیکاری، تورم و استعمار وجود داشته و کارگران رغبتی به تولید نشان نمدهند، بر واضح است که وقتی رویزیونیستها از بحران صحبت میکنند، آنان بنا بر یک سبب - ماهیت بورژوازی اقتصاد اعتراف می نمایند.

ویا زمانی که روی زمین نیستها از کم شدن کارآئی در تولید صحبت میکنند، این امر این حقیقت را نشان میدهد که طبقه کارگر شوروی تحت سلطه سرما به داری دست به مبارزه زده و کم شدن کارآئی در تولید چلوهای از مبارزه طبقه کارگر سر عیب است شما سرما به شما رمی آید. یکی از اشکال مقاومت کارگران در مقابل قوانین بیرحمانه تولید بورژواژی اختلال و کم کاری دربروسه تولیدی است در کشوری که بر اساس رهنمود رویزیونیستی برژنف در کنگره ۲۴ گفته بود: "کار شدید و پربار زده با بدتشویی شود و با دانش بران شب بیشتر به آن تعلق گیرد". کارگران شدیدا استنما میشوند و به همین خاطر یک بورژواژی انگل بطور متوسط درآمدی معادل ۱۰۰ برابر یک کارگر زحمتکش دریافت میکند (بیکار ۸۹)، آری در چنین کشوری مبارزه و مقاومت و کار رکنی کارگران در تولید سرما به داری امری عادلانه و طبیعی است و بنا بر این در این جامعه انگس سرما به های اقتصادی به اهداف خود نمی رسد، امری ناگزیر است. البته رویزیونیستها در مقابل بحران همیشه چنین توجیه میکنند که به علت آب و هوا و... مثلا کشاورزی رشد لازم را نداشته است! اما این یک عوام فریبی بیشتر نیست. هیچکدام از برنا مه های بنجالسه رویزیونیستها به اهداف مورد نظر نرسیده است مثلا در برنا مه هشتم شوروی (۷۰-۶۶) کشاورزی با عقب افتادگی ۷۶٪ و صنعت با عقب افتادگی ۷۰٪ روبرو بوده است. این شکاف عظیم میان طرح پیش بینی شده و آنچه که بدست آمده یا امر جزئی و اتفاقی است؟ نه هرگز! اگر شوروی هر ساله از آمریکا گندم وارد میکند، این امر بخاطر وجود بحران در اقتصاد شوروی است، بحرانی که نتیجه قوانینی چون قانون سود هر چه بیشتر و هرج و مرج در تولید میباشد. این امر ناشی از ماهیت اقتصاد سرما به داری امپریالیستی شوروی و حاکمیت طبقه بورژوازی میباشد. حاکمیتی که بر پایه سرکوب بیرحمانه و استعمار وحشیانه کارگران و دهقانان زحمتکش استوار است.

در زمینه خارجی: سازش با امپریالیسم و سرکوب خلقها

شوروی امروز یک کشور امپریالیستی است بورژوازی این کشور نه تنها طبقه کارگر و خلق های شوروی را مورد استثمار و استعمار قرار میدهد بلکه به لحاظ ماهیت توسعه طلبانه خود ناگزیر از تجاوز و بزه بند کشیدن خلقها میباشد. شوروی امروز مانند همه امپریالیستهای دیگر خواهان سهم بیشتری از غارت و چپاول جهان است و برای این منظور از یکسویه رقابت و سازش با امپریالیسم آمریکا دست میزند و از سوی دیگر خود مستقیماً و یا به توسط مزدورانش به سرکوب جنبشها و انقلابات میپردازد. شوروی در همان

زمان که با کثیف ترین رژیمهای کشورهای تحت سلطه به سازش دست میزند، میکوشد تا با نفوذ در جنبشهای رهاشی بخش، این جنبشها را به انحراف کشیده و آنها را به ابزار توسعه طلبی خود تبدیل نماید. در گزارش برژنف به کنگره ۲۴ اهداف فوق به روشنی نمایان است. لیکن با ابداع آن نمود که آنچه در نطق برژنف برجستگی خاصی را دارا میباشد شده مان گوشه نشین در سازشهای جدید با امپریالیسم آمریکا است. البته این امر اتفاقی نیست. شوروی در شرایط کنونی گرفتار بحران اقتصادی شدیدی میباشد در اروپای شرقی با مشکلات بسیار بقیه ناتی از تحولات مبارزه طبقاتی در لهستان، رومانی و استرالیا، افغانستان به تاج و زواشغال نظامی خود همچنان ادامه میدهد و از با بت همه ایسین مسائل تحت فشار کشورهای امپریالیستی و تبلیغات آنان قرار دارد. بنا بر این در عین حال که شوروی بنا به ماهیت خود با آمریکا به رقابت ادامه خواهد داد، اما تا کید برژنف در کنگره ۲۴ با سیاست سازش با آمریکا استوار است. برژنف در کنگره به لحن یک مامله - گریزگ خطاب به آمریکا میگوید: "ما پیشنها نمیکنیم در این منطقه (حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند) با انقطاع دموافقت نامه بین المللی خاتمه وقوع جنگ بر طرف گردد. با مساعی مشترک و با در نظر گیری منافع قانونی کلیه طرفها، میتوان در این منطقه محیط ثبات و آرامش بوجود آورد. میتوان حقوق حاکمیت کشورهای این منطقه و امنیت راههای دریائی و راههای دیگری را که بقیه دنیا را به آن مربوط میسازند تضمین نمود." (گزارش به کنگره - مندرج در اطلاعات ۹ اسفند)

برژنف بمانند به نماینده امپریالیسم روس مطرح میسازد که در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند باید صلح برقرار شود، ملحق که "منافس قانونی" همه امپریالیستها را در نظر بگیرد. باید پرسید در این منطقه خطر جنگ از جانب چه نیروهای جز قدرتها امپریالیستی و به خصوص آمریکا و شوروی وجود دارد؟ در نظر گرفتن "منافع قانونی کلیه طرفها" جز به رسمیت شناختن سهم مناسب در چپاولگری امپریالیستها و از جمله شوروی چه معنای دیگری دارد؟ "امنیت راههای دریائی" جز تضمین راههای غارت نفت و ثروتهای خلقها توسط امپریالیستها چه معنای دیگری دارد؟ برژنف میگوید صلح کنیم و خلقهای منطقه را با یکدیگر چپاول کنیم، آری اینست پیام تبهکاران رویزیونیست برای رقیبان آمریکا! ایشان

سپس برژنف در باره مسائل خاور نزدیک و منحل مسئله فلسطین چنین میگوید: "وقت آن فرا رسیده است که با حسن نیت مشترک جستجو برای حل جامع این مسئله را بر پایه عدالت و واقع بینی از سرگیریم. در شرایط کنونی میتوان در چپا رچوب یک کنفرانس ویژه بین المللی به این هدف دست یافت. "هما منظور که

میدانیم رژیم صهیونیست اسرائیل ژانستادرم امپریالیسم آمریکا در منطقه بود و استقرار این رژیم ارتجاعی بقیه اخراج خلق فلسطین از سرزمین فلسطین و سرکوب مداوم مستمر آن بوده است. به همین خاطر انقلاب خلق قهرمان فلسطین هدف نا بودی رژیم صهیونیستی و آزاد کردن تمام سرزمین فلسطین را دارد. اما در چپا رچوب سازشهای امپریالیستی، وسیال امپریالیسم موافق آنست که رژیم صهیونیست باقی بماند و به همین منظور برای اینکه نفوذ خود را در کشورهای این منطقه حفظ کند و آمریکا جهت تضعیف این نفوذ عمل نکند، بیوسته کوشیده است تا خلق فلسطین را با دشمن خود آشتی دهد و به ایفولاند که موجودیت این رژیم اشغالگر "واقعیستی عینی" است و باید آنرا پذیرفت! کوشش مشترک آمریکا و شوروی در کنفرانس رنوجیه به سازش کشاندن انقلاب فلسطین با ژاندارم امپریالیسم در منطقه در چپا رچوب همین توطئه امپریالیستی قرار می گرفت. اما جنبش توده های فلسطین همچنان تمام توطئه های ارتجاعی و امپریالیستی را برملا کرده است و امروز شوروی با زهم میگوید تا این جنبش را از راه توطئه های جدید سرکوب نماید و آنرا وجه المصلحت سازشهای جدید با آمریکا قرار دهد. نطق برژنف در کنگره ۲۴ همین هدف را تعقیب میکند. شوروی مانند همه امپریالیستها میکوشد تا سرنوش خلقها را تعیین کند و به همین خاطر برژنف میگوید شوروی و امپریالیسم چپا رچوب با آمریکا با "حسن نیت" میتوان نندبه "حل جامع" در مورد مسئله فلسطین برسند. آیا آمریکا با کمک همه جانبه به اسرائیل "حسن نیت، عدالت و واقع بینی" خود را سالین سال بتما پیش نگذاشته است؟ آیا کشتار و قتل عام توده های فلسطینی "عدالت" امپریالیستها را به تحقق در دنیا ورده است؟ برژنف خائس تمام این جنایات را میبوشاند، برژنف تبهکار برای مامله های جدید با ریکان چپا رچوب قبول میدهد که اگر آمریکا حق شوروی را در منطقه به رسمیت بشناسد از طریق یک کنفرانس بین المللی مشترک میتوان سرنوش فلسطین را تعیین نمود! آری رویزیونیستهای توطئه گر اینچنین علیه خلقها توطئه میچینند و سرکوب انقلاب آنها را همدست با یانگیها و رژیمهای مرتجع تدارک میکنند.

سپس برژنف در کنگره میگوید: "اتحاد شوروی مخالف آن نیست که مسائل مربوط به افغانستان در رابطه با مسائل امنیت خلیج فارس مورد بحث قرار گیرد ولی در این مورد باید فقط نکات بین المللی مسئله افغانستان مطرح شود نه مورد اخلی افغانستان، اتحاد شوروی حاضر است بدون وقفه مذاکرات خود را با ایسالات متحده آمریکا در خصوص محدود کردن تسلیحات استراتژیک... ادامه دهد". منظور برژنف از بحث راجع به "مسائل مربوط به افغانستان در

رفیق شهید مالک عباسی: کمونیستی که در راه آگاهی ورهایی زحمتکشان جان داد.

نام: مالک
عقل: کارگر
هواد: ارسا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شهادت: در برآمدن ترکمن توب در روز ۲۱/۷/۵۹ در اهواز شدت زخمی شد و روز شهادت معلوم نیست.

رفیق مالک با آموزش ما رکنی کمونیسم و بهره گیری از تجربه کارگری خود همواره پشنگا رو خصوصیات کمونیستی و کارگری تاکید میکرد. او پس از شنیدن خبر تیراژان رفیق احمد مودن میگفت: "رفقا، با شهادت هر رفیقی وظیفه کمونیستی ما سنگینتر میشود، ما باید به ارتجاع بقیما نیم که جای رفقا خالی نمیمانند".
رفیق مالک پس از آغا زنگ ارتجاعی با انرژی بیشتر و روحیه ای عالی به انجام وظائف تشکیلاتی پرداخت و شب و روز بسیاری توده های آسیب دیده میشتافت.

روز ۲۱ مهر ما ۵۹ هنگا میکه رفیق کتساب منتخب آثار لنین را همراه داشت و برای مطالعه با تفاق رفیقی آغاز خانه بود در اثر ما بست ترکش توپهای دورزن ارتش ارتجاعی عراق زخمی شد، رفیقش که در اثر ضربت کج شده بود از نحوه انتقال رفیق مالک اطلاعی نمیا بدطبق اطلاعات بدست آمده، رفیق بعدا در بیمارستان لقمان الدوله تهران بستری شده ولی در تحقیقاتی که بعدا بعمل آمده خبری از او بدست نمیا یسد.
احتمال قوی اینکه با مداران ارتجاع از روی کتاب و مطالب سیاسی دیگری که همراه رفیق بود پی به کمونیست بودن رفیق برده وی را دزدیده باشند و وجود دارد، از پدر رفیق نیز که برای ارتش بار مهمات حمل میکرده خبری نیست، این خانواده زحمتکش در شرح جنگ ارتجاعی کنونی صدمات زیادی دیده است.

ارتجاع از دادن جنازه رفیق کمونیست ما خودداری کرده است، رژیم ارتجاعی میبندد که خون سرخ کمونیست ها تجسم کینه طبقاتی آنها علیه سرمایه داران است و به همین خاطر نسبت به کمونیستها شدیدترین دشمنیها میورزد و نهایت بیرحمی طبقاتی خود را نشان میدهد.

رفیق پیکار و شهید مالک عباسی کارگر آگاهی بود که راهی خود و طبقه اش را در پیوند با سوسیالیسم علمی و مسلح شدن به جهان بینی تاریخا طبقه کارگر دیده و در جهت گسستن زنجیرهای ستم و استثمات طبقاتی پیکار کرد و قربانی جنگ ارتجاعی ای شد که دشمنان طبقاتی اش برای مکیدن او و هم زنجیرانش بر زحمتکشان ایران و عراق تحمیل کرده اند.

ما زمان ما، یک رفیق صمیمی و یک کمونیست پیکار کرد و پیکار را در شرح جنگ ارتجاعی رژیم های ایران و عراق از دست داد.

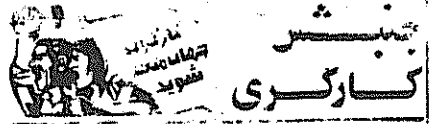
رفیق شهید مالک عباسی، از فرزندان مبارز خلق عرب بود که از کودکی با رنج و ستم آشنا شده بود. رفیق از ۱۱ سالگی به کارگری پرداخت چندین سال بعنوان کمک را ننده نزد پدرش کار میکرد و سپس در یک کارگاه فلزکاری مشغول کار شد و تا پایان زندگی کوتاه ولی پرشمارش در آنجا به کار ادامه میداد. رفیق شهید ما، به علت داشتن غصت های مبارزه جویانه و محیط زندگی و کارش در جریان مبارزات پر شور توده ها پسر علیه رژیم منغور شاه و امپریالیسم در دوران قبل از قیام مبعوث به صف نبرد توده ها پیوست و با کسب آگاهی سیاسی، در زمره هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق درآمد، اما رشد آگاهی کمونیستی رفیق، وی را به مرز بندی با مضمی و مواضع آن سازمان گشاید. رفیق در اثر شناسایی و ارتباط سیاسی با رفقای پیکار کرد در اهواز و پیوسته رفیق شهید احمد مودن، به صفوف هواداران سازمان ما پیوست و تا لحظه شهادت با اعتقاد راسخ به کمونیسم و لنینیسم و عشق به آزادی طبقه کارگر به مبارزه ادامه میداد. رفیق در ماههای آخسر زندگی در بخش محلات سازمان فعالیت میکرد. رفیق مالک از فعالین جنبش کارگری بود و از اعضای هیئت موسس سندیکای فلزکاران اهواز بشما میرفت. کارگران اهواز رفیق مالک را به خاطر مبارزه و روحیه ای انبوهی از تشریح و اعلامیه برای آگاهی دادن بشده های زحمتکش بمیان آنان میرفت. رفیق کینه ای آشتی ناپذیر به سرمایه داران داشت و آموزشهای کمونیسم را در مبارزه طبقاتی، در زندگی و فعالیتها پیش بکار میگرفت. رفیق یکبار در محل کارش همراه همسایه ای از همکارانش دست به اعتصاب زدند و سازمان ما فافه حقوق درخواستی را از کارفرما گرفتند. رفیق مالک پس از کار رخصته کننده روزانه با روحیه ای سرشار از عشق و کینه طبقاتی بمیان توده های زحمتکش در محلات کارگری و فقیرنشین میرفت و بذرات آگاهی میباشید. رفیق در جریان سیل سال گذشته خوزستان بطور خستگی ناپذیر همراه با همزمانش به بیاری سده های سیل زده شتافت

رابطه با مسائل امنیت خلیج فارس چیست؟ برزنف صحبت از تقسیم منطقه از طریق سازش میکند. امپریالیسم شوروی به آمریکا میگردد امروز اتفاقا نستان زیر سلطه کشور ما است و به همین خاطر آمریکا نباید در مورد اخلی آن مداخله کند لیکن میتوان در سطح منطقه با به رسمیت شناختن سهم هر یک از تقسیم سرزمینها به توافق جدیدی رسید. امپریالیسم شوروی به امپریالیسم آمریکا میگردد شما فتوادها را در افغانستان مسلح نکنید و واقعیت رژیم مزدور وابسته به مسکورا بپذیرید، اما در سطح منطقه و با بین المللی میتوان در باره امتیاسات متقابل به توافق رسید: توافق در باره ایران! توافق در مورد بیگانه های جدید! توافق در مورد استقرار ناوگانها در آبهای خلیج و اقیانوس هند! توافق در باره جنگ ایران و عراق! توافق در مورد پاکستان و بلوچستان شرقی! توافق در باره سلاحهای استراتژیک امپریالیسم برای همه این امکانات بازمی - گزاردا مورد بحث و مداخله قرار گیرد، بشرطی که اتفاقا نستان در زیر سلطه امپریالیسم شوروی باقی بماند.

بدین ترتیب متوجه میشویم که اساس سیاست پیشنهادی سوسیال امپریالیستها در عرضه مسائل بین المللی، طرح تاکتیک سازش - های جدید با امپریالیسم آمریکا است. البته امپریالیستها هیچگاه از رقابت و تحت شرایط معینی از جنگ با یکدیگر با ندارند، آنها برای غارت جهان حاضرند میلیونها کارگر و توده های تحت ستم را در آتش جنگ امپریالیستی خسود بسوزانند، اما آنچه که حائز اهمیت است اینست که شوروی با توجه به مشکلات عدیده ای که دارد و با توجه به تناسبات در سطح بین المللی سیاست این دوره خود را برپا به تاکتیک سازش جدید با آمریکا قرار داده است البته شوروی بارها و بارها در گذشته به سازش با آمریکا دست زده است، لیکن در نطق برزنف تاکتیک سازش بر - جنگی خاصی دارد، و پرواضح است که این امر نافی سرکوب مسلحانه خلقها و تاجا و زبده کشورهای دیگروبا درگیریهای نظامی غیر مستقیم میان شوروی و آمریکا نخواهد بود. نطق امپریالیستی برزنف در کنگره ۲۶ یکبار دیگر ما هیت تحاوز - کارانه شوروی را بنمایش گذاشته و بیروشنسی نشان میدهد که شوروی برای سرکوب پروولتاریا و خلقهای جهان و غارت و جپاول سرزمینها چگونه با امپریالیستهای دیگر دست به سازش میزند.



درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق



وحشت رژیم از اجتماع

کارکنان پالایشگاه اصفهان!

از مدتها قبل شورای فنی عملیات سرای
رشدگی، سدایا را شایسته کد در عملکردش چیست
به سخوتی به خواستهای کارکنان و همچنین
عملکرد سرپرست خود را در صورت تکمیل
اجمع عمومی کرده بود. اما عوامل رژیم (الحقن
اسلامی، شورای اسلامی، تدبیریت و اساسداری)
کد از هرگونه شکل اصلاحی کارکنان و ختندارند
به تکاپو افتادند تا جلوی این مجمع را بگیرند
اما با وجود این قرار شد روز ۴/۱۱/۵۹ این گروه
همایشی تشکیل شود.

وحشت رژیم از این گردهمایی بحدی بود که شب
قبل آن در تلوویزیون اعلامیه‌ای از طرف استنادار
خوانده میشد مبنی بر اینکه عده‌ای میخواهند
سویطه کرده و در کارخانه‌ها اختلال نمایند. لذا
هرگونه تجمع را ممنوع اعلام میکنند و "متخلفین"
را دستگیر خواهند کرد. در همان روز در باره
آنها، مسمیانه، رور و مجمع سرانجام تدبیرت
با اینستا که اعلامیه‌ای با همین محتوا صب میشود
از طرف کارکنان رژیم صادر شد. آنها گفتند که
و با وجود این سرروهایی که کارکنان را ختند
با اینستا که در آنجا حاضر میشوند، این اعمال گند
سبب بحران رژیم بود. ساعت بعد کارکنان سنده
بود. آنها با توجه به سنده که رژیم جمهوری اسلامی
در آنجا صادر میشود، کارکنان سرای رشدگی
سرما به داری و ایستادند. اما در سرکوب کوچکترین
حرکت مبارزاتی کارکنان ممانعت ایجاد کرد.
کیرانند اما عملکرد شورای فنی عملیات و
نظمنامه‌ای که خوانده شد. اما گروهی تیانست
به رژیم و کوتاه‌اند. در سال اولیای عوامل
آن بود. آنها هنوز بی سرده بودند که اعمال ضد
کارگری عمال رژیم بطور اساسی را رو... جدا از
با هست طیفی رژیم است. و مبارزان کارکنان
زمانی به نتیجه خواهد رسید که کل رژیم و سیستم
سربا به داری و ایستاد و مورد ضرب خودترا دهد
خواستهای جزئی کد در این راه دست می‌آیند،
صنایست تنیبا عامل ضدکسده حرکت کارکنان
صنعت طویانند. مبارزان را که کد کارکنان ایران
صنایست بحد و حمیری که در تنیبا این سروران
طنده کارگران مشکل و با زبانه‌های سنده و سایر کارکنان
حمیری دیگری است. هر کسی سوسال است...

به حمایت از ۲۲۵ کارگر
اخراجی فرودگاه برخیزیم!

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارزان!

ساعتی که در این فرودگاه دستگیران توسط
رژیم ارجحاتی غیره، و بر سر فرودگاه و ایر-
گرفته‌اند. سالها است که دستهای سده از دست
گواهی، قسببای "گفرتنگ" و رستوران همچنان
شغیل با غیر مانند کارکنان این صنعتها علمبر-
غم سفتیل بودن محل کارشان هر روز سرکار بخیزد
خامریده و سفترا ز سرگرمی سدن فعالیسان در
این صنعتها شدند. و در باره این موضوع تا به
های متعددی به مدبران ملان ارا کردی و حیوان
کردی و سدها تا به رژیم جمهوری اسلامی سوسند
اما دولت جمهوری اسلامی در مقابل خواست
کارگران معنی سرا ز سرگرفته‌ن کار، سبثرمانه
حکم اخراج ۲۲۵ کارگران قسمتیا را سببدون
کو حکمرس توضیح و دلایلی ما در سببده است.
کارگران مبارزان را اخراجی فرودگاه، در مقابل این
حرکت ضدکارگری، صبی محکوم ساختن آن خواهان
رشدگی به خواستهایشان و جلوگیری از سبکار
سدن کارگرانی که هر یک ۷ سرعائله دارند سنده

کارگران مبارزان

با استیهای ضدکارگری و ضد خلقی رژیم
جمهوری اسلامی روز بروز گسترش بیشتری می-
یابد. رژیم جمهوری اسلامی که حافظ منافع
سرما سده از آن و دشمن کارگران و زحمتکشان
است، همه روزها سرکوب مبارزان کارگران،
دستگیری سببندگان مبارزان کارگران، و اخراج
های فردی و سده جمعی کارگران، تلفوسبب
و سده... این سببکاران را سببکاران سببکاران
مدیت خود را با کارگران نشان میدهند.
همین همه فعل بود که رژیم با قطع عسدی

توده‌های مبارزان!

متحدایا با خاسته و به حمایت از کارکنان
اخراجی فرودگاه برخیزیم و توطئه‌های رژیم
جمهوری اسلامی و دشمنی آنان با زحمتکشان را
افشا کنیم و صدای اعتراض خود را با اخراج
کارگران فرودگاه هر چه رسا تر ساخته و خواهان
سازگشت آنان به سرکار خویش شویم!
سرور باد مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان
سازمان سبکار در درازا آذادی طیفه کارگر

۵۹/۱۲/۱۲



اخبار کوتاه:

شیراز: اخباریه ۳۰۰ نفر از کارگران مناطق
حکمرده کد برای کار به سرتوسی سرار رساده
سده اند، گفته شده که ۱۲/۵ درصد از حقوقشان کم
خواهند شد که طبعاً روی سببمایای کارکنان
نظرطرافه کارگری، حق کارکنان و... سببخواهد
گذاشت. همچنین حق بازنشستگی این کارکنان
کامی خواهد شد. این اقدامات ضدکارگری
سببکاران را مد "خبر سرکات" ختک برای کارکنان
←



فغان، مسکن، آزادی



جنبش کارگری

ورجیتکاران است فیبر بابایسر

دراثر فشار کارگران بالاخره دادگاه انقلاب که کنترل این کارخانه را بعهده دارد، مجبور شد اجازه ورود مواد اولیه به کارخانه را بدهد و بدین ترتیب کارخانه از روز ۱۱/۲۵ شروع بکار میکند. کارگران علاوه بر کسب این موفقیت که مانع بکار رفتن سینه بکسری خواسته‌های رفاهی از قبیل: حق لباس ۱۰۰۰ تومان در سال اسباب و دهاب ۲۰۰ تومان و ۵۰ عدد فیبر سالانه مطرح میکنند موفق میشوند بخشی از این خواسته‌ها را برای امسال گرفته و تمامی آنها را برای سال آینده بتصویب برسانند.

اعتصاب کارگران "ایران الکتریک" بخاطر سوراخ و پاره!

روز ۱۱/۲۴ کارگران کارخانه ایران الکتریک کیلان بعنوان اعتراض به لغو قانون سودویژه که در واقع بخشی اردستمدت کارگران را لغو میکند، بمدت ۲ روز اعتصاب میکنند. کارگران می‌گفتند: تولید امسال بیشتر بوده و با بدستگیری برای سودویژه بگیریم. اما انجمن اسلامی کارخانه از وحشت می‌ارزد که کارگران بدست و با افتاده و رئیس هیات باکسری این عامل سرکوبگر و مزدور را که تاکنون کارگران مبارز بسیاری را از کارخانه کیلان اخراج کرده است (راه کارخانه می‌آوردند).

این عنصر فداکار و گروممن صحبت برای کارگران اعتصابی، بنا به ما هیت طبقاتی پیش قبل از هر چیز بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیستها، که بیکیترترین دشمنان سرما به داران هستند، لجم - براکنی میکنند و آنگاه کارگران را اغفال شده توسط کمونیستها خوانده و دست آخربا نسه همبستگی بودجه‌اند! شتن دولت و شرایط جنگی را آورده و از کارگران میخواهد که بشفیع سرما به - داران و رژیم‌ها میثان، از حقوق نا چیز خود سز بگذرند!

سرانجام من "حجت الاسلام" مزدور، کارگران را به سرکوب تهدید میکنند. در این میان ساسر نیروهای تندکار و ترسناک انجمن اسلامی، بوده! بنا و اکثریتی های خائن نیز متحداً بر علیه کارگران به توطئه جیشی پرداخته و با مبارزه اعتصابی آنها مخالفت میکنند. در چنین شرایطی تنها راه به نتیجه رسیدن مبارزات کارگران متحد و متشکل شدنشان در یک

چگونه...

بفید از صفحه ۳ حقوق خود برسد و در کل جا سده نیز بدون سازمان و حزب سیاسی خود تا در به مبارزه نخواهند بود. اکنون یکماه است که عیدمانده است کارگری و کمبود اجناس بیشتر از همه ما کارگران را لای برین گذاشته و خرده میکند. مبارزات کارگران با رس الکتریک، کفش ملی، ترانس بک، مینو و... همه نشاندهنده این است که ما کارگران در یک موقعیت حاس هستیم. برای اینکه بتوانیم بر علیه حقوق یا مال شده خود مبارزه کنیم باید متحد و یکپارچه شویم ولی چگونه میتوانیم این کار را بکنیم.

قبل از هر چیزی باید نگاهي به مبارزات مبارزان در رابطه با سودویژه بیندازیم. با رسال در کارخانه‌ها، مینو، عییدی، ده رویش و بسیاری از کارخانه‌ها به مبارزات با شکوهی دست زده‌اند، ولی از درون این مبارزات به جوجه شکل‌های واقعی کارگری بیرون نیامد. بهترین شکل - های واقعی کارگری از دل مبارزات کارگری بیرون می‌آید. و این بزرگترین ضعف مبارزات با رسال بود. در کیلان کارگران آنجا در ایجاد تشکیلات موفقیت بیشتری داشتند. آنها توانستند با تشکیل اتحادیه‌های کیسلان، بیست هزار کارگر را برای گرفتن سودویژه متحد سازند و این نمونه درخشانی از مبارزات کارگری بود.

اکنون وضع کارخانه‌ها از نظر تشکیلات کارگری چگونه است؟

در اکثر کارخانه‌ها با شورا‌های قلابی و فرمایشی برسرا ر هستند، و با انجمن‌های اسلامی این چشم‌گوش حزب خمپوری اسلامی قدرت بنا می‌کنند که سعی دارند جلوی مبارزات ما را سد کنند. مبارزه کارگران با رس الکتریک نشان میدهد که چگونه شورا‌های قلابی و انجمن‌های اسلامی از تمام حقه‌ها و کلک‌ها استفاده میکنند تا راهمان را ببندند. اکنون زمان آن است که این تشکیلات - های فرمایشی را نابود کنیم و شوراها و تشکیلات - های واقعی کارگری خودمان را ایجاد کنیم.

در پیش بردن مبارزه برای گرفتن سودویژه که الان خواست اصلی و فوری ما را تشکیل میدهد و برای همه کارگران کارخانه‌ها مبارزات ایران است درجا‌هایی که تشکیلات واقعی وجود ندارند باید کمیته‌ای مرکب از مبارزترین و آگاه‌ترین - های کارگران کارخانه تشکیل داد. کارگرانی که نشان داده‌اند هیچگاه سارس پذیر نبوده و حاضر به فداکاری و از جان گذشتگی برای هم‌نحیران - شان می‌باشند. این کمیته هماهنگی مبارزه (درجا‌هایی که شورا‌ها شای واقعی وجود دارند همان

شورای واقعی و برقراری هماهنگی و اتحاد با مبارزان کارخانه‌ها می‌باشد. تا زمانیکه ۲۵ به دستمردها افزوده نشده سودویژه برسد اخت با سیدگردد!

شورای واقعی) دارای چند ویژگی مهم است:
۱- رهبری مبارزات کارگران را برای سود و به بعهده بگیرد و به اتحادیه بیشتر کارگران کارخانه بگردد. نمودار مبارزات نشان را هماهنگ کند و از طریق تشکیل مجمع عمومی‌ها و اعلامیه - های تبلیغی و... و فکر بر سر روش مبارزه و نظرخواهی از کارگران و... مبارزه را به جریان درست بیندازند.

۲- با تشکیلاتهای واقعی سایر کارخانه‌ها تماس برقرار کند و سعی کند که مبارزات کارخانه‌ها - های مختلف را هماهنگ کند. در مرحله کنونی از مبارزات طبقه کارگر که مسئله سودویژه مطرح است ارتباط گرفتن با تشکیلاتهای واقعی سایر کارخانه‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا سودویژه مسئله همه کارخانه‌هاست. تنها وقتی میتوان از پیروزی در این مبارزه حرف زد که مبارزات کارگران کارخانه‌های مختلف را بتوانیم متحد و هماهنگ و متشکل کردیم. در غیر این صورت اگر چه ممکن است در چند کارخانه محدود بتوانیم مبارزات تصمان حقمان را بگیریم، ولی نخواهیم توانست قانون جدید سودویژه را که در رابطه با طبقه کارگران ایران وضع شده است ملغی کنیم.

۳- در طول مبارزه با سازماندهی کارگران جلوی خرابکاری عمال کارفرما را گرفته و از کارخانه‌ها حفاظت بعمل آورند.

۴- و بالاخره مهمترین راه مبارزات برای تشکیل یک شورا واقعی در کارخانه‌ها است. این

در این مبارزات مشخص یکماه هر چند که گرفتن خواسته‌ها برای ما اهمیت زیادی دارد ولی آنچه که بسیار مهمتر است اتحادها و تشکیلات ما است. چرا که چند سومان بول گرفته شده تا زمانی که نظام سرما به داری وجود دارد و مبارزات مبارزین مبارزه برای گرفتن سودویژه بتوانیم شورا‌های واقعی خودمان را تشکیل دهیم، در واقع بر روی پای خود می‌ایستیم. اگر بتوانیم اتحادیه‌های واقعی کارگری خودمان را ایجاد کنیم و سایر هم‌نحیران خود متحد شویم در واقع قدم بزرگی به جلو برداشته ایم و توانسته‌ایم سلاحمان را در مبارزه بر علیه سرما به داری نیز بزنیم. باید بدانیم که هر کارگری باید از مبارزات گذشته اش درس بگیرد و بداند که:

کارگران متحد و با تشکیلات همه چیزند کارگران متفرق و بی تشکیلات هیچ چیز

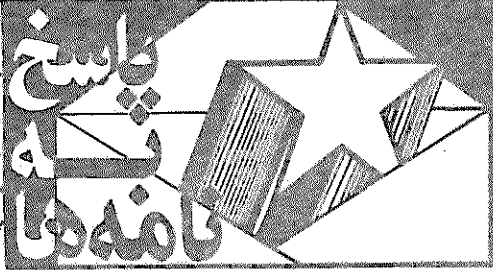
پس:
پیش سوی تشکیل شورا‌های واقعی کارگری پیش سوی تشکیل اتحادیه‌های واقعی کارگری هر چه مستحکم تر با اتحاد کارگران ایران بنقل از ویژه نامه مبارزات کارگری در باره سود ویژه - سازمان پیکار در در آ آزادی طبقه کارگر - کمیته تهران، شماره ۱

درباره سکتا ریسیم

برخی از رفقا ضمن طرح سوابقی در مورد مفهوم "سکتا ریسیم" و اینکه آیا ادعای برخی نیروها در مورد گرایشات "سکتا ریسیمی" سازمان صحت دارد یا نه، از ما خواستند در این باره توضیحاتی بدهیم:

رفقا! قبل از بررسی صحت و سقم اینگونه ادعاها، بهتر است مفهوم و ریشه سکتا ریسیم را بطور فشرده بررسی کنیم. سکتا ریسیم یا فرقه گراشی و گروه گراشی که از نقطه نظر لغوی از واژه "سکت" به معنی فرقه ناشی میشود، بیان انحرافی در دیدگاهها و عملکردهای افراد و نیروهاست که ریشه آنرا باید در وضعیت عینی و طبقاتی آنان جستجو نمود. میداندیم که پیرولتا ربا تنها طبقه ای است که در سطح جهانی، دارای منافع واحد طبقاتی بوده و هیچگونه مرزهای محلی گراشی (لوکا ریسیم) ملی گرایشی (ناسیونالیسم) و فرقه گرایشی (سکتا ریسیم) را در این منافع طبقاتی رانمی تواند و نباید محدود سازد، منافعی که در همین حال در برگیرنده منافع تمام طبقات است. شمشیر شونده تا ریخ نیز خواهد بود. اما در مقابل سکتا ربا و پیرولتا ربا، تمام طبقات و اقشار دیگر قرار دارند که به آنها مختلف در بند منافع گروهی خویش هستند. مثلاً بورژوازی که بخاطر منطبق عینیتی سرما به داری مجبور است که با جناحهای مختلف طبقه خود در یک کشور و همچنین با بورژوازی در کشورهای دیگر برای سود بیشتر به رقابت بپردازد و از آنجا که "گروه گرا" و "خود غرض" است. و با خرده بورژوازی که برای دفاع از منافع حقیر خود در برابر سرما به بزرگ شیدیدارای خصلت گروه گرایشی و خود گرایشی است. اما علیرغم اینکه پیرولتا ربا از لحاظ پایه عینی طبقاتی - ایدئولوژیک خود طبقه ای میرا از گروه گرایشی است، بخاطر تاثیر پذیری از آنها جماعت ایدئولوژیک - سیاسی و اقتصادی بورژوازی و اینکه تحت حاکمیت انحطاط آورا و زندگی میکنند، بناچار رویدرات مختلفی به شواش غیبر پیرولتاری نظیر سکتا ریسیم و... آلوده میگردد روشن است که در شرایط فقدان حزب پیرولتا ربا و زمانی که جنبش کمونیستی فاقد وجود است، ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی است. انحراف سکتا ریسیمی و گروه گرایشی نیز خود را نشان خواهد داد و این عجیب نیست. اما برای اینکه دید روشن تری نسبت به سکتا ریسیم داشته باشیم، نگاهیم به جنبش کمونیستی ایران کمک فراوانی میکند. گذشته جنبش کمونیستی ایران در چارچوب ریسیم "جب" یعنی آواتور ریسیم بود. در نتیجه این

(*) - روشن است که انحرافات دیگری نظیر ایورتونیسیم، رویزیونیسیم، تروتسکیسم و... با این انحرافات بیوندا حتماً تا پذیری دارند.



رضایتی کرده است. ما در مان نوشته است که اعمال دختربیکا ریش موجب ایجاد جوش کمونیستی در میان قاصیل شده است و همه به مصداق مشت نمونه خروار "با کمونیستها مخالفت میکنند. این ما در مان خواسته است بدانند آیا اعمال دخترش مورد تائید ما است یا نه.

ما در عزیز: کمونیستها به هر مسئله ای طبقاتی برخورد کرده و از موضع طبقه کارگر حرکت میکنند. از اینرو برخورد رفقا در رابطه با خانواده ها یا خانوار (اگر در صفوف خلق قرار داشته باشند) باید با توجه به مسئله فوق و منطق بر اطلاق کمونیستی باشد. ما با آنها در همین صفحه به رفقایی که برخورد های "جب" روانه نسبت به خانواده ها داشته و هیچگونه حساب مسئولیتی نسبت به خانواده از حمتکش خود نداشته اند، برخورد کرده و ضرورت برخوردی آگاهانه گرانه توامبا متانت کمونیستی را برای این رفقها توضیح داده ایم. در اینجا هم از دختربیکا ربا که شما میخواهیم که همواره سعی کنیدا تجزیسه و تحلیل درست صائل، در اینگونه موارد نقض عنصر آگاه (ونه برخورد زبالا) را بازی کنید. فراموش نباید کرد که خانواده های زحمتکش ما نیز در صفوف خلقند و چگونگی برخورد ما به آنها غالباً معیار رفقها و شما در مورد کمونیستها خواهد بود. بنا بر این باید نسبت به این مسئله و تاثیر که در محیط زندگی خود بجا میگذارد ریسیم بسیار مسئولانه برخورد کنیم.

و اما ما در گرامی، از تونیزانتظار داریم که اولاً شرایط سنی و روحی دخترت را در نظر گرفته و با ریش نمایی که مشکلاتش را حل کند. ثانیاً تونه تنهانیاید جلوی آگاه شدن دختر کوچکتر را بگیریم، بلکه میبایست با نزدیکتر شدن هر چه بیشتر با دختران مبارزت و کمک یکدیگر بر جو ضد کمونیستی حاکم بر فامیل غلبه کنید و اگر همانطور که در نامهات نوشته بودی طرفدار کمونیستها هستی، میبایست بسهم خود در تبلیغ آن بکوشی و در ضمن آگاهی خویش را نیز دانشما افزایش دهی.

به امید موفقیت و پیروزی! ما با رفقایی که برای ما نامه نوشتند:

م. م. م. از بروجرد (سه نامه)، موری ۴۴-، جمع مونتاز II، ش. ر. م. از تهران، ر. ن. هیدکرج، ر. ج. زاهدان، حیدر عموغلی، فرج - بروجرد، م. م. هوا دارا رومیه (دونا مه)، رفقا زوها از دانش آموزی شرق، صریم الف تهران، ک. ج. اهواز، کارگر کرد از مهاباد، ج. از لاهیجان، ر. الف دانش آموزی شرق، هادی، هسته ب داروبخش م. ب. تهران، ج. محمود، "م"، هسته ب باز کمیته ترجمه، رفیق مادر ب - پ، رفقای جمع تعلیمات الف - نظریات، ج. ع. ۲۴ تهران، مینا دانش - آموزها دارا، رفقای بختی و توزیع غرب، ا. ک. اصفهان، ایوب تهران، ا. هس - ب. دزفول.

ما در عزیزمان سیما، طی یک نامه از اینکه دختربزرگش که از هوا دارا سازمان است، به مسائل مشکلات خانواده توجه نمیکند و مثلاً بعد از ظهرها زود تر به خانه نمیاید، ابراز نا

دوست کوچکمان "آنا هیتا" طی نامه‌ای بـ برای سازمان نوشته است:

"سلام: من دلم میخواهد در دریا هبیمای شـسی کمونیستها شرکت کنم، ولی هرچه به خوان و برادران خود میگویم هیچ کس مرا به راه هبیمای ـ ها و جاهای فعالیت کمونیستها... نمی آورد. سازمان پیگارا زما تنها می کند که کاری کنید که من هم در فعالیتها شرکت کنم. برای من مهم نیست که مرا بگیرند و یا زخمی کنند و یا بکشند. برای من مهم اینست که اگر من هم شـسته شـدم برای مردم آینده حکومت کاری داشته باشم. من تا میتوانم تا آخرین قطره خونم جانم را برای زحمتکشـان قدا میکنم. آنا هیتا دوم دبستان"

رفیق عزیز! نامه تو که در آن روحیه مبارزاتی و نزدیکی به کمونیستها موج میزند، نشانه نگرش و نفوذ کمونیستهاست. آری امروزه رشد مبارزه طبقاتی در جامعه ما به چنان درجه ای رسیده است که همه نیروهای اجتماعی حتی کودکان را وادار به موقعگیری میکند. ما نمی دانیم که خواهان و برادران تو کمونیست هستند یا نه. اگر بودند که حتما مهربانست تو را نیز بسا فعالیت های گوناگون کمونیستها آشنا کنند و به تظاهرات، بحث های خیابانی، سرکسـاط کتا بفروشی ها... بپردازند. ما نباید از دوستان بزرگتر کمک بگیریم!

رفیق کارگر از "و": با عتی را که در حین تظاهرات پیدا کرده بودی رسید، ولی متاسفانه بغلت عدم مکانات نمی توانی آنرا بدست صاحبش برسانیم. موفق باشی!

رفقای "هسته تلاتن" یادنامه ارسالتان رسید و در دست تکمیل جهت انتشار راست. ضمن تشکر از این اقدام مبارزانه، برایتان موفقیت آرزو میکنیم.

رفیق رز از تهران نامهات رسید و ما نامه تو را به رفیق مورد نظرت رسانده ایم و از وی خواسته ایم که تو را ببیند.

بقیه از صفحه ۱۴ **رزمندگان**
روزیونیستی پیش دار (کم رنگ بنما بنما) آنگاه با یـدگفت رفقا قادر نخواهند بود، مفسوف خویش را کاملاً از اندیشه ها و پیروایه های غیر - بیروتری بزداید و آنگاه با یـد اعلام داشت که تصفیه اپورتونیستها نه از زاویه ای ما رکسیستی بلکه از زاویه ای سائریستی صورت گرفته است که اگر چه با تصفیه قاطع مکانیکی اپورتونیستها نتوانم بوده اما مصلحت گرانگی و آشتی طلبی مانع از آن گشت که تصفیه قاطع در عمده اندیشه و ایدئولوژی با اپورتونیسم صورت گیرد.

جریان انقلابی موجود در رزمندگان که با مقاومت در مقابل اپورتونیستها و اخراج آنها

بقیه از صفحه ۱۶ **مصاحبه**

ابزار و آلات جنگی را در گوشه ای جمع میکنند و آنها را به شما بش میگذرانند.

ـ برای انجام مصاحبه در مناطق جنگی، همیشه تدارکاتی انجام میگیرند که جواب دلخواه گرفته شود. از جمله این تدارکات، انتخاب نفراتی از قبل با شناسائی کامل برای مصاحبه توجیهی مصاحبه شوندگان که در پاسخ سوالات مشخص جوابهای از پیش آماده شده ای بدهند. در مواردی اینکار توسط فرماندهان نظامی انجام می - پذیرد و یا اینکار را با انجام مصاحبه با فرماندهان در بین پرسنل انجام میدهند تا پرسنل بدانند که چه چیزی را باید گفت.

با تمام دشمنان رها، با هم اگر کسی جواب دلخواه رژیم را ندهد به خط اول جبهه فرستاده میشود تا دیگران متوجه شوند که چه باید بگویند و به اصطلاح درس عبرت بگیرند.

به نقل از ۲۲ بهمن (شماره ۱) نشریه کارکنان مبارزان دیوتلوویزیون.

بقیه از صفحه ۱۱ **زنده باد**

خلق مبارز کرد!
کارگران و زحمتکشـان انقلابی!

دو شرايطی که پیگارا کارگران و سایر انقلابیون کمونیست تحت سخت ترین شرایط و با دادن صدها شهید و زندانی در سراسر ایران مشغول مبارزه اند و در شرایطی که توهم توده ها هر روز و هر روزتست به جریانی ضد انقلابی فرو میریزد، بالاخره در چنین شرایطی که بشر از چشمگیری توهم زحمتکشـان کردستان نیزتست به حزب دمکرات فرو میریزد، "حزب" از ترس انقلاب، مبارزین را به شهادت میرساند و تحت پیگرد و شکنجه قرار میدهد و واقعاً با تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد و انقلاب دموکراتیک ایران میشود.

با تمام قوا بکشیم که از ادامه این سیاست های حزب دمکرات جلوگیری نمائیم، تنها و تنهاست توانای کارگران و زحمتکشـان و اتحاد انقلابی آنان قادر به جلوگیری از اینگونه سیاستهاست.

درود بر شهدای به خون خفته خلق! سنگ و نفرت بر رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و توطئه های ضد انقلاب علیه نیروهای انقلابی!

هر چه گسترده تر باشد پیوند مبارزاتی خلق کردنی مبارزات کارگران و زحمتکشـان ایران!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

۵۹/۱۲/۹

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر - کردستان

و تصحیح بسیاری از مواضع پیشین نشان داد که از پتانسیل انقلابی کمونیستی برخوردار است خود نوید بخش آن است که رفقا راه اول را در پیش گیرند.

بقیه از صفحه ۱۵ **گلوله**

وقتی میتوانیم سود ویژه درخواستی خودمان را بگیریم که متحد باشیم، ما با یستی صدای حق - طلبانه خود را به گوش همه کارگران شرکتها و کارخانه های دیگر برسانیم. تا آنها هم از مبارزه بحق ما پشتیبانی نمایند. مبارزه ما باید بطوری باشد که هر چه بیشتر ما را متحد کند. ما با یستی با راهیما شی سراسری خودتصمیم کارگران را یکجا کنیم تا فریاد مبارزه جویانه واقشاگران کارگران متحد پشت طبقه سرمایه دار را ببلرزاند!

مرگ بر طبقه سرمایه دار و روحا میان آنها!

سود ویژه مورد درخواست ما پرداخت باید گردد!

نماینده زندانی آزادیایدگسروود!

با سدارحای سرمایه داران کارخانه اخراج باید گردد!

پیگارا کارگران کفش سازی

۱۳۵۹/۱۲/۱۵

☆☆☆

بقیه از صفحه ۸ **جنایتی**

مبارزه ما بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی با ز دارد. و این وحشیگری تنها رسوائی و افشای هر چه بیشتر جزو بدنهال خواهد داشت مردمیکه نسبت به حزب توهم دارند اکنون دیگر در میابند که حزب دمکرات بیش از آنکه دشمنی مبارزه اش بسا رژیم جمهوری اسلامی باشد با نیروهای انقلابی است و به همین دلیل مرتباً به رژیم پیشنهاد مذاکره میدهد اما به نیروهای انقلابی اعلان جنگ میدهد.

ما یکبار دیگر با اصرار و تکیه بر نظرات و مبارزه ما بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی هر گونه تعرض و تهاجم علیه نیروهای انقلابی و از جمله حمله وحشیانه دیروز را مرد صلح حزب دمکرات را به مقر سازمان پیگارا در یوکان قاطعانه محکوم نموده و خواهان اجرای موارد زیر میباشیم:

الف - تحویل فوری جنازه شهدایمان، زبیرا نگهداری جنازه شهدا را حتی در رابطه با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هم ندیده ایم.

ب - آزادی رفقای دربند که اکنون بدندان زندانیان سیاسی انقلابی در زندان حزب دمکرات بسر میبرند.

ج - آزادی اموال سازمانی که جزوا موال زحمتکشـان و طبقه کارگران است.

هر چه رسوائی تریا توطئه های ضد انقلابی و خائنانه حزب دمکرات بر علیه نیروهای مترقی هر چه فشرده تر باشد مفسوف زحمتکشـان و نیروهای انقلابی بر توان با جنبش مقاومت و مست خلق کرد

سازمان مبارزان آزادی طبقه کارگر

کمیته کردستان

۱۳۵۹/۱۲/۸

بعبه از صفحه ۲ سر مقاله

داد. حزب دمکرات که پس از یکدوره تلاش خاشاکانه برای بسازش کشتادن جنبش خلق کرد، از طریق سازش با معافل حکومتی، بدلیل سرخستی جناح حزب جمهوری، به بن بست رسیده بود، به تکتیک گسترش درگیری خود با رژیم روی آورد و کوشید تا از این طریق، ورا بیای سازش بر اساس خواستها و تمایلات فدا انقلابی خویش، و در واقع شکست جنبش انقلابی کردستان بکشانند. حزب اکنسون مترصد آن است که بهر شکل ممکن، با استفاده از تاکتیکهای مختلف، توجه معافل حکومتی بویو لیبرالها را بسمت خویش جلب نماید و به پستی این سازش تاریخی برود.

درواقع پس از انشعاب رویزیونیستی درون حزب و یکپارچگی، ایدئولوژیک و سیاسی بیشتر در دستگارهبری آن و به موازات سنگبصری سیاسی حزب در عرصه روابط خارجی بسمت معافل غربی، در عرصه روابط داخلی با احزاب و معافل حکومتی نیز هر چند بشکل تلویحی و ضمنی، جانش لیبرالها را میگیرد، ولیبرالها نیز متقابلاً شما یلاتی ضمنی بسمت سازش با حزب از خود نشان میدهند، ممانعت غیرقانونی سلولیا لوموند که در آن آشکارا از زبنی مدد دفاع میکند و او را شما یل به "حل مسئله کردستان جلوه گرمی سازد، مذاکرات مدتی پیش میان شما یندگان حزب و بنی صدر که درستون "با دداشتهای رئیس جمهور" در روزنامه انقلاب اسلامی" منعکس شده و این امر مخالفت و جابجایی را از جانب حزب جمهوری برانگیخت، حمله چند روز گذشته یکی از شما یندگان "حزبی" مجلس به بنی صدر و ارتش و متهم کردن آنها به ایجا دیک کودتا، تحت حمایت حسزب دمکرات و نمونه هاشی از این سنگبصری متقابل میان حزب و لیبرالهاست. حمایت تلویحی و تالیف با شما هدین از حسزب دمکرات در ممانعت های با قاسملو، با توجه به سنگبصری سیاسی شما هدین بسوی لیبرالها نیز خود جلوه ای دیگر از این سنگبصری حزب و قطب بندی جدید در میان نیروهای سیاسی است.

این سیاستها و حرکات حزب دمکرات که اکنون در همه عرصه ها بطور یکدست خود را بنمایش میگذارد، بیروشنی میتواند خصلت ناسیونالیسم گنبدیده و فدا انقلابی و ماهیت بورژوا - فدا انقلابی آنرا در عرصه مبارزه ملی و طبقاتی در کردستان وکل ایران، نمایان سازد. حرکت حزب دمکرات در همین مدت کوتاه، علیرغم هرگونه ضدیتی با رژیم جمهوری اسلامی، هیچ نشانی از هرگونه عنصرترقی خواهی در حزب باقی نمیگذارد و جایگاه واقعی آن را در جبهه فدا انقلابی بخوبی نشان میدهد، برآگما تسم بورژواشی حسزب دمکرات که هر روز ورا به آغوش یکی از معافل قطبهای فدا انقلابی در کشور ویا در سطح منطقه میکشانند، بیروشنی نشان میدهد که حزب دمکرات متکی بر جنبش خلق گردنیده و جایگاهی در این جنبش نمیتواند داشته باشد. او نماینده ناسیونالیسم میان تهی و گنبدیده بورژوازی ضعیف البینه ای

است که با زمین رفته است و با درسیستم سرمایه داری وابسته ایران مستحیل گشته و بدان پیوند خورده است. تنها زمان میخواست تا جوهر فدا انقلابی این ناسیونالیسم گنبدیده و خالی از هرگونه عنصرترقی خواهی، در جلوسو دیدگان پراگماتیستی کما نیکه تحلیل از حسزب را برپا به حاصل جمع مکاتبتکی نمودهای حرکت حزب، استوار میکردند و بدان خصلت ترقیسی - خواها نه می بخشیدند، عریان و آشکارا سازد.

بدین ترتیب هم جریان عمومی رشد مبارزه طبقاتی در کردستان و هم سرنوشت آئینده (نزدیک یا دور) فداهای درونی ارتجاع حاکم، تا شبر مستقیم و بی واسطه ای در حرکت حزب دمکرات در کردستان دارد. تا آنجا که به شرایط عینی مبارزه توده ها بازمیگردد، تصمیق بیشتر خصلت طبقاتی مبارزه خلق کرد، حزب دمکرات را هرچه بیشتر در سراشیب انفرادی یکسو و تشدید حرکات فدا انقلابی و مخرب آن در برابر خلق گردنیده و نیروهای انقلابی از سوی دیگر وارد، در رابطه با فداهای درونی هیئت حاکمه نیز، هر تغیری بشفع لیبرالها در صورت ممکن، (حتی اگر بصورت تحمیل سیاست لیبرالها بر حزب در رابطه با کردستان، بر اساس تناسب قوای فطری درون رژیم باشد)، حزب را بیشتر بسمت سازش تاریخی و خیانت به خلق گردنیده یکی به حکومت و قرار گرفتن در برابر جنبش خلق گردنیده.

چنین چشم اندازی در روند تاریخی جنبش کردستان، با توجه به نقش و اهمیت که حسزب بطور کلی و از همه جهات در کردستان دارد و نیز با توجه به ضعف شرایط ذهنی توده ها و سطح نا زل آگاهی سیاسی - طبقاتی آنان نسبت به سطح شرایط عینی مبارزه، بیش از پیش حاسمیت سیاستها و حرکات حزب دمکرات و خطرات ناشی از آن را در تضعیف جنبش خلق گردنیده و تقویت ارتجاع حاکم نشان میدهد، خطراتی که با ید مورد توجه عمیق و مسئولانه همه نیروهای انقلابی در کردستان و در سراسر ایران قرار گیرد.

حزب دمکرات، به شما به یک نیروی بورژوا - فدا انقلابی، با انکاء به نیروی توهم توده های خلق گردنیده و متکی بر دستگاره نظامی و اداری خویش در کردستان، هم اکنون به مهمترین خطر برای جنبش انقلابی خلق گردنیده شده است، خطری که اگر چنانچه به موقع از جانب نیروهای انقلابی در کردستان، مورد توجه قرار نگیرد، میتواند ضربات جبران ناپذیری بر جنبش انقلابی خلق کرد، وارد آورد و صفوف آنرا حداقل در یک مرحله دچار تلاشی نماید. تصویر آن لحظه که حزب دمکرات با رفتن بزیبرچم سازش با حکومت، به زاندا رم رژیم در کردستان تبدیل شود و دستگاره داری - جنگی اش را بر علیه خلق گردنیده و نیروهای انقلابی بکار اندازد، تصور خیالی و دور از ذهن نیست. روند تشدید حرکات فدا انقلابی اخیر حزب را تنها با ید در پرتو این خطر عمومی مورد توجه و تحلیل قرار داد، حمله حزب دمکرات به سازمان ما، حمله ای منفرد و

مختص سازمان ما نیست، بلکه حمله ایست به کل دستا وردهای جنبش خلق گردنیده ایست از زنجیر حوادثی که همچنان ادامه دارد و در آن حزب دمکرات، هرچه بیشتر به نیروی تخریب کننده جنبش انقلابی خلق گردنیده تبدیل میشود و بدینست امروز حزب با سازمان ما، فدیت فردا با کومله و فدیت پسین فردا با کل جنبش انقلابی کردستان خواهد بود.

تردید نیست که حزب دمکرات، به شما به یک حزب سیاسی فدا انقلابی، نه تنها شما ید به جنبش انقلابی کردستان جذب شود، بلکه با انکس با ید منفرد و طرد گردد. اذهان ساده لوحی که با گذشتن بدنبال "عنصرترقی خواهی" در حزب دمکرات، در پی جذب آن به جنبش هستند، نقش دنیاله روی از بورژوازی کرد را ایفا میکنند. حزب دمکرات را با ید در کردستان و در سایر نقاط ایران، با افشای سیاستهای فدا انقلابی دم افزونش، منقرد نمود و توطئه های آنتی و آتی او را بر علیه جنبش کردستان، خشنی نمود. با ید با اهدا انداختن تبلیغات افشاگرانه وسیع، حزب را از زیر خالی نمود و توده های نا آگاه و مبارزی را که بگرد حزب جمع شده اند، از پیرامونش پراکنده ساخت و بسمت نیروهای انقلابی و بحول خط مشی پیگیر پرولتری جذب نمود. هرگونه ممانعات با حزب و سکوت در برابر حرکات و سیاستهای فدا انقلابی آن، جز به زیان جنبش خلق گردنیده و سیاستهای تخریبی حزب دمکرات نخواهد بود. شکی نیست که شکستن این سکوت، به معنای رودررویی مستقیم نظامی با حزب دمکرات نبوده و نمیتواند هم باشد. دشمن اصلی خلق کرد، همچنان که ما بر خلقها، همچنان رژیم ارتجاعی حاکم است که اکنون به سرکوب منظم جنبش خلق گردنیده است. نقش اصلی حزب دمکرات در این میان، به سازش کشتادن جنبش خلق گردنیده فدا انقلاب حاکم است. و درست از همین نقطه است که با ید به افشای حزب در نزد توده ها برخاست و بر اساس آن، چشم انداز محتمل تبدیل حزب را به زانده ای از دستگاره سرکوب فدا انقلاب حاکم در نزد خلق کرد تصویر نمود، و آگاهی سیاسی - طبقاتی آنان را افزونی بخشید. هرگونه عکس العمل انعکاسی در برابر عملیات جنا پتکارانه حزب از جانب نیروهای انقلابی، در شکل عمل متقابل، حرکتی است آنا رشیستی که تنها به تضعیف جنبش خلق گردنیده خواهد رساند. ما نیروهای انقلابی میتوانند و با ید در برابر هر حمله فدا انقلابی حزب بدفاع مشروع و انقلابی از خود، برخیزند و این دفاع مشروع و انقلابی را با ید به سکوی برای افزایش آگاهی توده ها و خشنی کردن توطئه های فدا انقلابی "حزب تبدیل نما یند. آنچه که اکنون برای نیروهای انقلابی کردستان مطرح است، به انفراد کشتادن حزب دمکرات در میان خلق گردنیده و زدن به پایگاه سیاسی آتی و محتمل بورژوازی حاکم ایران در کردستان، از طریق این حزب میباشد. بدون تردید، افشای سیاست



«ملاحظات کوتاه»

"سود ویژه" طاغوتی است!

این رژیم که بر سر کار آمد هرگز "طاغوتی" را که بنفشی بود گفت خوب است و به این ترتیب ارتش، یک شبه اسلامی شد و واجب الاطاعت ما لیا تنها خوب بود ما شد، اما ملاک زمینداران هم محترم بود ما شد سرما به داری وابسته عنوان کسب حلال را بخود گرفت و گران روز افزون هم کسی نتوانست دستی به ترکیش بزند یا بنا همه تطهیر شدند و اسلامی، اما سرکوب کارگران و خلقهای زحمتکش هم لازم شد، کمونیستها و انقلابیون هم که در زندان و شکنجه و تحت تعقیب و در معرض اعدام بودند ایندفعه، بعنوان "سر - کوب کفار"، "واجب القتل" شمرده شدند. تمام این کارهای "طاغوتی" با پوشیدن سریع ردای مسلمانان از طاغوتی بودن در آمدند مثلاً بن "سود ویژه"! آخر سود ویژه قسمتی از حق کارگران بود که آنها بزور زحمت رژیم شاه بیرون کشیده بودند ولی چون با لایحه از حیب سرما به داران گرفته میشد و به کارگران میرسد و نتوانست خود را با منافع سرما به داران تطبیق دهد همچنان طاغوتی ماند و چراغی نبود جز اینکه حذف شود! تا نوبت سرما به داران بود همه چیز قابل توجیه و تطهیر بود ولی نوبت کارگران که رسید "آسمان تنبید"!

☆☆☆

خیمه شب بازی در امجدیه!

"لیبرال پوسیده"ها با لایحه بخود جراتی دادند و پنجاهمین اسفند جمعی از هم طبقه وهم فکرا نشان را گرد خود جمع کردند تا با شنیدن شعار مضحکی مثل "با زرگان چریک پیرا سران" دلی از عزادر آورند، سعایی بر سر قبیای حزبی منت گذاشت که "ما اهل ستیز نیستیم" (سر منکرش لمنبت! شما کی اهل ستیز با آنها بودید؟) و با زرگان با ژست معمولی قصه گوئی قهوه خانه - ایش به توجیه "افتخارات" نهضت آزادی برداخت و بخصوص چا پلوسا نه بر "ارادت به امام زمانیکه ایشان در نجف بودند" تکیه کرد و گفت که از سال ۴۶ تا ۵۶ و بعد از آن چه بر سر کارگران کارخانه ایرومیا ورده و چگونه از خوان بیدریغ سیستم سرما به داری وابسته و رونق طاغوتی آن متنعم بوده و "شکر خدای" را بجای میا ورده است، با زرگان به توجیه تماس با آمریکا شها هم برداخت و گفت که همان تماس ها منجر به رفتن شاه شد! زهی بیشرمی! بزودی وصباغبان هم کوشیدند با گرد و خاک کردن علیه حزب پرده ساتی بر عریانی خود بیاندازند! غافل از اینکه توده ها چشم دارند! در حاشیه این خیمه شب بازی

که چگونه حزبی که مسئولین و افراد آن مغول وار مقرسا زمان ما را مسلمانانه مورد حمله قرار میدهد، حزبی که مبارزین راه استقلال و دمکراسی واقعی را به گلوله میبندد و حتی سرازتن آنها جدا می - کند حزبی که دهها خیانت در قبال دیگر نیروها و توده های زحمتکش انجام داده است میتواند سود مورد حمایت سا زمان مجاهدین باشد. رهبری مجاهدین نمی تواند سکوت کند.

همه نیروهای انقلابی و سوبیزه انقلابیون کمونیست با یدر سالت خویش را در برابر بر حرکاتی که از جانب حزب در حال گسترش و وجگیری است احساس نمایند و به مقابله اصولی با آن برخیزند این احساس و مبارزه اصولی، تنها ضامن محدود کردن ویا جلوگیری از زیادهای ناشی از سیاست - های ضد انقلابی حزب دمکرات برجیش خلق کرد و در مقیاس وسیعتر، برجیش انقلابی ایران است بکوشیم تا این رسالت را با هوشیاری انقلابی با سخوبای شیم، اما مه را سرخ شهدای کردستان و شهدای اخیر ما در گرو انجام این رسالت است.

تفتیش عقاید و توطئه برای پایمال کردن حقوق زنان

این مرتجعین در "کالا" بودن زن شک ندارند و فقط میپرسند: "به چه دلیل زن را کالا میدانند؟" این مرتجعین حیوان صفت تردید ندارند که "آیا زن نقش یک انسان را بازی می - کند؟" رژیم که حافظ سرما به داری وابسته است و تحت لوای فریبکارانه "حمایت از مستضعفین" به دفاع از منافع سرما به مشغول است نمیتواند زن را کالا نداند، این "انسان"های مرتجع طبیعی است که بخاطر ما هیت طبقاتی ایشان در "انسان" بودن زنان شک و تردید داشته باشند، آنها از مبارزه طبقاتی زحمتکش که نیمی از با آن بدوش زنان مبارزه است هراس دارند، آنها با حرکت از دید بیفایت عقب مانده - شان که اشرافیه فرهنگ امپریالیستی و فرهنگ فئودالی قرون وسطی است وجود زن را در "کالا" بودن، "آزادیهای جنسی"، "کانون زن شوشی" و... خلاصه میکنند چرا که میدانند زنان زحمتکش و مبارز میهن ما در جنبش اعتلائی زحمتکش ایران سهیم بوده و با شرکت فعال در کلیه حرکتیهای اجتماعی - سیاسی ضربات مهلک بر زندگانی پوسیده رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی وارد میاورند.

اما، تلاش سردمداران رژیم کوشی عبث است، این گونه تفتیش عقاید قرون وسطی که بخشی از سیاستهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، هیچگونه کمکی به ارتجاع حاکم در برداشتن سد میا رزات توده ها از پیش پای خود نخواهد کرد و نتیجه ای جز افشای بیش از پیش رژیم جمهوری اسلامی نخواهد داشت

انحرافی آن نیروهای بورژوا دمکراتی (مانند مجاهدین) را که اکنون دنباله رولیبیرالها شده - اند و در همین راستا به حمایت از حزب دمکرات برخاسته اند، کامهمی در این جهت خواهد بود. سا زمان مجاهدین خلق که اکنون چنین سیاستی را پیش گرفته است جز به ضربه زدن به جنبش انقلابی کردستان کاری انجام نمیدهد، حزب دمکرات که اکنون هر چه بیشتر به انفرادگمانه میشود میگوید با جلب حمایت نیروهای متزلزلی چون مجاهدین، با یگانه اجتماعی خویش را از گزند حوادث محفوظ دارد و این نیروها را به پلکانی برای حرکات آتی خود تبدیل کند، بهمین جهت مبارزه با سیاست مجاهدین خلق ویا نیروهای که کمابیش در چنین راستائی بحرکت مشغولند، گامهای است در جهت به انفرادگماندن و افشای هر چه بیشتر حزب دمکرات در کردستان. امروز مجاهدین در قبال این جنایات سکوت کرده اند اما مجاهدین باید به توده های هوادار خود و دیگر نیروهای انقلابی توضیح دهند

اخیراً یک سری سوالات در میان کارکنان زن شرکت مخابرات پخش شد و آنان خواسته شده است با قید مشخصات کامل خود (!) به آنها جواب دهند. آنچه که در این با صلاح "نظرخواهی" مورد نظر رژیم جمهوری اسلامی میباشد چیزی جز تفتیش عقاید و شناسائی طرز فکر کارکنان نیست و این امر نمیتواند بی ارتباط با محدودیتهای شغلی برای زنان باشد. علاوه بر این سوالات طرح شده نشان دهنده بینش بیفایده ارتجاعی و عقب مانده سردمداران رژیم در برابر خوردبینه زنان که نیمی از جامعه را تشکیل میدهند می - باشد.

سردمداران "مکتبی" رژیم ارتجاعی حاکم از زنان کارمند پرسیده اند: "حجاب چه مفهومی دارد؟"، "تا چه حد آزادیهای جنسی را جایز میدانید؟"، "آیا زن نقش یک انسان را بازی میکند؟" آیا به تساوی حقوق زن و مرد اعتقاد دارید؟"، "فعالیت زن در اجتماع به کانون زن ناشوشی صدمه میزند؟"، "به چه دلیل زن را کالا میدانید؟" و با طرح آنها قصد ملی خود را از اتخا چنین روشهای ارتجاعی که محدود کردن فعالیت اجتماعی زنان است افشا کرده اند. رژیم با طرح چنین سوالاتی دنبال بهانه و به عبارت دیگر "مدرک کتبی" با خط و امضای کارکنان میگردد تا آنها را از کار برکنار کند. در پشت این سیاست، بینشی ارتجاعی نیست - خوابیده است که با یدیا افشای آن چهره فریب - کارانه سردمداران رژیم را که در اشراف رتوده - ها و از روی ناچاری ظاهراً از حقوق انسانی تساوی بین زن و مرد حرف میزند، بیش از پیش برای توده ها نمایانند.

**"شیطان بزرگ"
سر لطف آمده است!!**

**ارسال اصلحه به ایران توسط امپریالیسم آمریکا
از سر گرفته شد.**

رژیم مزدور شاه، در آخرین سالهای حیات
شکستش تعدادی هواپیمای بسیار پیشرفته
"اف ۳۳" از آمریکا خریداری کرده بود که به
علت تغییر تحولات سیاسی - اجتماعی ایران و قیام توده
- های خلق، یک فروتن آن به تعویق افتاده بود.
بدنیال آزادی مفتضحانه گروگانها
امپریالیسم آمریکا با تحویل این هواپیما
موافقت کرده است و یک هیئت فنی ۱۷ نفری
برای تحویل آن به آسیانیا میروند (ایمن
هولماد یکی از ایگاههای آمریکا آسیانیاگداری میشود
علاوه بر هواپیمای "اف ۱۴" فوق، دونوع از
موشک های "هوا به هوا" (مخصوص هواپیما های
اف ۱۴) بنا میهای "9H"
اف ۱۴) بنا میهای "Aim 7F", "Aim 9H" نیز
توسط امپریالیستهای آمریکا، تقدیم رژیم
جمهوری اسلامی خواهد شد.

ورود هواپیما و سلاح های مجهز آمریکا
به ایران بزرگترین ادعای بیوج "فدا میریسا -
لیستی" رژیم جمهوری اسلامی و رجز خوانی های
بی محتوای سردمداران رژیم علیه امپریالیسم
آمریکا (که برای فریب توده های زحمتکش
صورت میگیرد) خط بطلان میکشد.
ارسال تسلیحات پیشرفته آمریکایی به
ایران یک بار دیگر درستی گفته ها و ارزیابی -
های کمونیستهای بیکرانایست میکنند که بیان کردند:
آزادی گروگانهای آمریکا، مقدمه ای
بر گسترش وابستگی بزمپریالیسم آمریکا است!

**باز هم کودتاچیان آزاد و
انقلابیون زندانی میشوند**

به دو خبر زیر توجه کنید:
"۱۵ تن از هواداران سازمان بیکار، در آمل محکوم شدند"
"۱۵ نفر از کودتاچیان آزاد شدند"
میزان ۱۲ اسفند ۵۹

رژیم جمهوری اسلامی ده انقلابی کمونیست
را بجرم شرکت در تظاهرات بزرگداشت قیام بهمن
در شهر آمل به ۱/۵ الی سال زندان محکوم
میشود و همزمان ۱۵ کودتاچی دیگر را که در
تایستان گذشته بنا بگفته خود رژیم در "کودتای
نا فرجام آمریکا" دست داشتند آزاد مینماید.
رژیم جمهوری اسلامی از یک سوانقلابیون و
کمونیست ها را "آمریکایی" مینامد و به زندان و
شکجه میکشد و تیرباران مینماید و از سوی دیگر
کسانی را که در کودتای "آمریکا بی" شرکت

لیبرالها...

بقیه از صفحه ۳۲
دست زده و در اطلاعیه خود از حزب منحوس "محبت
کرده و در بر خورد به چاندان با کنا به به
بهشتی ها، میگوید: جماعتاران "فرستاده همان
امثال پینوشه هستند"

بدین ترتیب میبینیم که چگونه فادهای دوجناح
ارتجاعی بطرز صریح، آشکارا و عریانی خود نمائی می
کند. این شیوه برخورد و بیابین صراحت نشا نگر
آنستکه فادهای دوجناح همچنان به رشد خود
ادامه خواهد داد اما پرواضح است که این تضاد -
ها بر اساس منافع مرتجعانه ای استوار است و
بهیچوجه دارای ماهیتی مترقیانه نمی باشد.
رویزونیستهای خروشچنی وطنی به تضاد و شعار
- های حزبیهما ماهیتی مترقی میبخشند تا نوکری
خود را توجیه کنند و ما هدین نیز عملا با حمایت
بی دریغ خود از لیبرالهای مرتجع و سازش با
آنها، به حرکت لیبرالها ماهیتی مترقیانه
میبخشند. حال آنکه از نظر ما کمونیستها ایمن
تضادها ناظر بر تضادهای دویبخش از ب - سورژواری
بوده و شعارها و موضعگیریهای فوق انعکاس این
تضادهای فدا انقلابی میباشند. این شعارها ناظر
برخواست عمیق زحمتکشان جامعه ما نیست. این
شعارها نه از زاویه انقلاب باکله از زاویه رقابت
دویبخش از هیات حاکمه ایران مطرح است. طبقه
کارگرفشارهای مستقل خود را در دشوارها شای
که انعکاسی از تضاد کارگران و سایر توده های
ستمذیده با کل رژیم بورژوازی ایران میباشد

دوم - با ترضی که لیبرالها و بطور مشخص
بنی صدر علیه حزبیهما نمود و با رسوا تر شدن حزب
لیبرالهای خاش امتیازات بزرگی بدست
آوردند، آنها توانستند از طریق تضعیف حریف
موقعیت قدرت را در اذهان توده های کهنه شده
از حزب ما همچنان متوجه لیبرالها، تقویت
نمایند. بنی صدر مکار چینی و ناموسا خت که
او "بزرگترین افشاگر حزب" است و اوست که
"مذاق واقعی آزادی" است. اما آیا ایمن
حقیقت دارد؟ شما منشریات نیروهای کمونیستی
را ورق بزنید تا ببینید افشاگروا قعی و
انقلابی کیست و چگونه جنایات و خیا نتههای
تاما می جناحهای رژیم از حزبیهما تا لیبرالها و
از خمینی تا بنی صدر و بهشتی را افشا کرده اند.
بیشتر از هر کس این کمونیستها بودند که دستان
غرقه در خون حزبیهما و لیبرالها را به توده ها
نشان دادند. این کمونیستها بودند که دستان
سازش لیبرالها و حزبیهما با امپریالیسم را افشا
نمودند. لیبرالها فقط بعلت رشد تضادهای ایشان
با حزبیهما و برای خیزدن به رایس قدرت و نیییز
بمنظور فریب توده های خلق این "افشاگریهای"

داشتند آزاد مینماید.
ما کمونیست ها انتظار دیگری از چینیس
رژیمی نداریم. رژیم جمهوری اسلامی برای حفظ
و گسترش روابط سرما یه داری وابسته به
امپریالیستهای غارتگروا ز جمله امپریالیسم
آمریکانیا زمندا است و طبیعی است که گروگانهای

دم بریده را انجام میدهند. لیبرالها کجا قرار -
دا دهای امپریالیستی را افشا کرده اند؟ لیبرال
- ها کجا تیرباران و شکجه کارگران و کمونیست
- ها را افشا کرده اند؟ لیبرالها کجا سرکوب
جنیش خلقها را افشا کرده اند؟ نه لیبرالها هرگز
نمی توانستند به این افشاگریها بپردازند.
آنان بنا به ماهیت فدا انقلابی خود نه تنها نمی -
توانند به افشاکری انقلابی دست بزنند، بلکه
خود همیشه شریک مستقیم جنایات و خیا نتههای
رژیم حاکم بوده اند. لیبرالهای خاش در پی
اتمد تا بانان فنی ما هدین را بیشتر بخدمت گیرند
وتوده های خلق را بفریبند و حاکمیت مرتجعانه
خود را تحکیم بخشند. لیبرالها میخواهند بزر
راس قدرت بنشینند تا به شیوه خود سرما یه داری
وابسته را بازسازی کنند و انقلاب را سرکوب کنند
آری لیبرالها ماهیت عوض نکرده اند، لیبرالها
همچون حزبیهما دشمنان انقلاب، طبقه کارگر و
تمامی خلقهای ایران میباشد. لیبرالها
همچون حزبیهما همان دوستان نیکوکار رژیم شاه
جلادمیباشند. لیبرالها همچون حزبیهما متحذان
با وفای امپریالیستها میباشد و کسانیکه این
حقایق را بپوشانند به انقلاب خیانت کرده اند.
لیبرالها چنین وانمود میکنند که "دوست مردم"
و "طرفدار آزادی" اند. اما با بدیدر سید کسانسی
که طرفدار سلطنت بودند، کسانیکه ارتش
آریامهری را بازسازی کردند، کسانیکه
سرما یه داری خونخوار را حمایت کردند، کسانیکه
که قرار دادهای اسارت با امپریالیستی را
حفاظت نمودند، کسانیکه در همه سرکوبها از
گشتا زخلق کردن تا گشتا زخلق ترکمن از تیرباران
کمونیستها تا بخون کشیدن دانشگاهها دست
دا شتند، آری آیا چنین کسانیکه دوست مردم و
طرفدار آزادی اند؟ نه هرگز هزار بار نه!
لیبرالها مانند حزبیهما دشمن انقلابند، هستی
آنان از خون کارگران و زحمتکشان سیراب شده
است. لیبرالها آزادی میخواهند تا خود به
چپاول بیشتری دست بزنند.

آری طبقه کارگر هرگز فریب لیبرالهای
خاش را نخواهد خورد چرا که او خود مدافع پیگیر
- ترین آزادی و دمکراسی میباشد. شما طبقه
کارگرایست که آزادی لیبرالها، آزادی دروغین
است و تنها دمکراسی پرولتاریا فضا من پیروزی
انقلاب و خواستهای توده های میلیونی است.
آری طبقه کارگر شعسارهای مستقل خود را در
شعاططبقه کارگر مرگ بر لیبرالها و مرگ بر
حزبیهما است، شعاططبقه کارگر مرگ بر بورژوازی
است، شعاططبقه کارگرنه با انقلاب است،
شعاططبقه کارگرنه با دوسویالیسم است!

آمریکایی را با سلام و طلوات روانه آمریکا کند
از آمریکا تجهیزات و اسلحه بخرد و وارداتش را
از کشورهای امپریالیستی چند برابر کند...
و نیز کودتاچیان مزدور را رها ساخته و بجای
آنان زندانها را از انقلابیون و کمونیست ها پر
بقیه در ۲۹

ملاحظات کوتاه

توده‌ایها به خوشرویی برای خط امام و حزب جمهوری مشغول بودند که خود مایه تنفر بود و حضور خجولانه مجاهدین هم مایه عبرت و تامل!

از معنی‌ها یاد گرفته اند!

رژیم جمهوری اسلامی در تضادی که با معنی‌های عراق دارد (تضادی که بمعنی مترقیانه بودن این رژیم نیست)، طی یکی دو سال گذشته فحشی نیست که به معنی هان داده باشد، اما میداند نیم که وقتی پای منافع طبقاتی در میان باشد خیلی از حرف‌ها در عمل بی‌اثر نمی‌شود. رژیم جمهوری اسلامی هم میتواند از بعضی چیزها بی‌اثر بگذرد. آقای رجائی طی صحبتی که در شهر "ساری" کرده سپاه ساداران را "ارتش اعتقادی" نامیده است این همان اصطلاح یعنی هاست که با استکا، به سرنیزه ارتش در عراق و سوریه به قدرت رسیدند رژیم‌های ضد خلقی را که جرئت از سیستم‌های امپریالیسم میباید شدیداً بچینند حزب بعث برای آنکه توده‌ها را نسبت به ماهیت ارتش فریب دهد آنرا "ارتش اعتقادی" (الجبیش) السعائدی یعنی ارتش اعتقادی یا مکتبسی) نامید. یعنی هاست که ارتش را خواستند تهنید کنند و ماهیت واقعی آنرا که "بازا سرکوب طبقه‌ای است بدست طبقه دیگر"، بیپوشا کنند. در این باره کتابها نوشتند و را جیب زیادی یافتند. مسأله‌ها با گذشت زمان ماهیت ضد انقلابی و سرکوبگرانه آن ارتش‌های به اصطلاح اعتقادی و مکتبسی را دریا فتند. رژیم جمهوری اسلامی و بی‌ویژه حزبی هاست که ارتش شسته ساخته که بیشتر متمایل به لیبرال‌هاست نمی‌توانند زیاد حساب کنند و لذا ارتش اعتقادیان را سپاه ساداران معرفی میکنند به این امید که مردم با او رکنند که "علی‌آباد ده‌دهی است!" رجائی می‌خواهد روی جنایت‌های وحشیانه‌ها ساداران در کردستان و قتل عام‌های قهلاتان و قارنا و غیره که منجمه بدست پاساداران صورت گرفت را سرپوش بگذارد. رجائی میخواهد روی جنایات هر روزه این نهاد ضد انقلابی در سراسر کشور برده ساترکشد و نقش آنرا در حمله به مبتنیگها و تظاهرات کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی در سراسر انداختن چماقداران و چاقوگشان در ترو و کشتار و ضرب و شتم کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی در سرکوب کارگران و دهقانان بود بگرد زحمتگشان نادیده بگیرد. رجائی میخواهد مردم پاساداران را چماق چهل‌خافظ سرمایه‌تداندند. ولی هما نظور که "ارتش مکتبسی" حافظ اسد و صدام حسین وجود و جاکمیت آنها را برای مردم توجیه نکرده ارتش اعتقادی آقای رجائی و حزب جمهوری اسلامی هم اینان را از چنگ توده‌های آگاه و انقلابی نجات نخواهد داد.

بقیه از صفحه ۲۸ بازهم...
نماید. رژیم جمهوری اسلامی با محکوم کردن جوانان انقلابی و کمونیست به ۲ سال زندان فقط به "جرم" شرکت در یک تظاهرات، تنها بیست و هشت خود را از آگاه شدن توده‌ها بنمایش می‌گذارد. او میداند که در جریان فعالیت‌های انقلابی و کمونیستی است که پذیرا گاه‌های در میان توده‌ها پاشیده میشود و این آگاه‌ها را انجام ناقوس مرگ ارتجاع را به صدا درمی‌آورد. اما، نه زندان و شکنجه و تیرباران و کشتار و کجکترین خللی در اراده مبارزاتی و استوار کمونیست‌ها نمیتواند بوجود آورد و اتفاقاً سرخ انقلاب همچنان روشن است و روزی و روزتابانکتر خواهد شد.

منتشر شد



نوع قول	قیمت	تعداد
الف	۵۴۲۰	۳۰۰
ب	۵۳۰۰	۲۰۰
ج	۱۵۰۰	۲۰۰
د	۲۰۰۰	۲۰۰
هـ	۶۸۱۰	۲۰۰
و	۱۰۰۰	۲۰۰
اراک :		
ع	۶۷۰۰	۲۰۰
ف	۶۲۰۰	۲۰۰
ج	۷۵۰۰	۲۰۰
د	۱۰۰۰	۲۰۰
خرم آباد :		
ن	۲۵۰۰۰	۲۰۰
ج	۷۰۰۰	۲۰۰
د	۲۰۰۰	۲۰۰
کارگران هوادار :		
۱- آلمان - اسفرورغا	۳۰۰	۲۰۰
۲- غوزستان، هست معلمین	۲۰۰	۲۰۰
۳- باران احمد، کوهن‌کلا آسی	۲۰۰	۲۰۰
۴- نخبویک سری، سفیره	۲۰۰	۲۰۰
هـ- همر با	۱۱۰۰۰	۲۰۰
۶- کربان‌شاه - م	۴۰۰۰	۲۰۰
۷- سروان - کرایند	۲۰۰۰	۲۰۰
۸- سپهرتیب، سوسهند	۳۰۰۰	۲۰۰
۹- سعیدعلی‌مان - سر قفسای	۲۰۰۰	۲۰۰
۱۰- هوادار	۱۷۵۰۰	۲۰۰
۱۱- آندیسک - کارگر	۵۰۰	۲۰۰
۱۲- بکا نسک	۵۰۰	۲۰۰
۱۳- سهان - زد دانش	۳۰۰	۲۰۰
۱۴- یخت - گ ۴۱۱۰	۲۰۰	۲۰۰
۱۵- کاکر ۱۰۰۰، الف مسلم	۳۰۰۰	۲۰۰
۱۶- نخانی، الف ۵۵۰۰	۴۰۰	۲۰۰
۱۷- ا	۱۴۴۰۰	۲۰۰
۱۸- رامهرمز - پیروز همر	۲۰۰	۲۰۰
۱۹- نامه ۱۰۰۰، آندیسک	۱۰۰۰	۲۰۰
۲۰- شوشتری - ی ۱۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
۲۱- آفرین ۲۰۰۰ و ۲۰۰۰	۲۰۰	۲۰۰
آقایان :		
الف	۱۱۲۰۰	۲۰۰
ب	۳۰۰	۲۰۰
ج	۲۰۰	۲۰۰
د	۲۰۰	۲۰۰
زنان :		
الف	۲۰۰	۲۰۰
ب	۲۰۰	۲۰۰
ج	۲۰۰	۲۰۰
د	۲۰۰	۲۰۰
هـ	۲۰۰	۲۰۰

کمک‌های مالی دریافت شده

شماره	نوع قول	مبلغ	تعداد
تهران :	الف - ۱	۲۸۰۰	۳۰۰
	ب	۲۸۰۰	۳۰۰
	ج	۲۸۰۰	۳۰۰
	د	۲۸۰۰	۳۰۰
	هـ	۲۸۰۰	۳۰۰
	و	۲۸۰۰	۳۰۰
	ز	۲۸۰۰	۳۰۰
	ح	۲۸۰۰	۳۰۰
	ط	۲۸۰۰	۳۰۰
	ی	۲۸۰۰	۳۰۰
تهران :	الف - ۲	۲۸۰۰	۳۰۰
	ب	۲۸۰۰	۳۰۰
	ج	۲۸۰۰	۳۰۰
	د	۲۸۰۰	۳۰۰
	هـ	۲۸۰۰	۳۰۰
	و	۲۸۰۰	۳۰۰
	ز	۲۸۰۰	۳۰۰
	ح	۲۸۰۰	۳۰۰
	ط	۲۸۰۰	۳۰۰
	ی	۲۸۰۰	۳۰۰
تهران :	الف - ۳	۲۸۰۰	۳۰۰
	ب	۲۸۰۰	۳۰۰
	ج	۲۸۰۰	۳۰۰
	د	۲۸۰۰	۳۰۰
	هـ	۲۸۰۰	۳۰۰
	و	۲۸۰۰	۳۰۰
	ز	۲۸۰۰	۳۰۰
	ح	۲۸۰۰	۳۰۰
	ط	۲۸۰۰	۳۰۰
	ی	۲۸۰۰	۳۰۰
تهران :	الف - ۴	۲۸۰۰	۳۰۰
	ب	۲۸۰۰	۳۰۰
	ج	۲۸۰۰	۳۰۰
	د	۲۸۰۰	۳۰۰
	هـ	۲۸۰۰	۳۰۰
	و	۲۸۰۰	۳۰۰
	ز	۲۸۰۰	۳۰۰
	ح	۲۸۰۰	۳۰۰
	ط	۲۸۰۰	۳۰۰
	ی	۲۸۰۰	۳۰۰
تهران :	الف - ۵	۲۸۰۰	۳۰۰
	ب	۲۸۰۰	۳۰۰
	ج	۲۸۰۰	۳۰۰
	د	۲۸۰۰	۳۰۰
	هـ	۲۸۰۰	۳۰۰
	و	۲۸۰۰	۳۰۰
	ز	۲۸۰۰	۳۰۰
	ح	۲۸۰۰	۳۰۰
	ط	۲۸۰۰	۳۰۰
	ی	۲۸۰۰	۳۰۰

دژخیمان جمهوری اسلامی رفیق شهید محمود صمدی زاقبل از تیرباران بسختی شکنجه کرده بودند

بسختی شکنجه شده بود "پزشک قانونی" علیرغم فشارها و تهدیدات سپاه پاسداران گواهی کرده است که "اثر ضرب در ناحیه ساق پاها، اثر شکنجه بودی در چشم مشهود بود". این سند، بیانگر نمونه ای از شکنجه رایج در زندانهای جمهوری اسلامی است اما محمود و محمودها با پاسداری دلاورانه در برابر ارتجاع زبونی زندان شکنجه دژخیمان جمهوری اسلامی را در برابر آراده شکست ناپذیر کمونیست ها با ردیگریه اثبات میرسانند و درود بر آنها باد!

کمونیست پیکا رگر رفیق محمود صمدی فرزند زحمتکشان و شهید راه آزادی طبقه کارگر قبل از تیرباران در روز ۱۳ شهریور بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، ۲۷ روز در اسارت پاسداران سرما به بود.

رژیم جمهوری اسلامی از کمونیست ها که آشتی ناپذیرترین دشمنان طبقاتی ارتجاع میباشند وحشت دار و دوکینه طبقاتی خود را به وحشیانه ترین روشها به نمایش میگذارد، رفیق محمود در مدت اسارت در زندان جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی در ورطه فساد

فساد و فحشا، یکی از نتایج طبیعی سلطه سرمایه داری و امپریالیسم و ارتجاع کشورهای است و در کلیه جوامع طبقاتی که دستم و استثم را وجود دارد در کنش فساد و فحشا و... را نیز بسیار مریاورد. رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال حاکمیتش برای فریب توده ها، بیشرمانه ترین تهمت ها را در زمینه فساد اخلاق و روابط زن و مرد به کمونیستها و دیگر انقلابیون وارد آورده است. سرمداران رژیم در کنش رداستان - سرائی ها و دروغهای گویلیزی از قبیل کشف فیلم و عکس منافی عفت و "قرص فدا ملکی" و... در خانه های کمونیست ها، خود را مجسمه عفت و عصمت، با کبی و تقوی جا زده و میزند. اما واقعیت چیز دیگری است در کشور ما فحشا و فساد وجود دارد و عده زیادی قربانی آن میشوند اما علت اصلی بروز چنین فجایی وجود سرمایه داری وابسته و نفوذ امپریالیسم است و رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا از آن حفاظت میکند و سرمداران چنین رژیمی نمیتوانند در اندکان اخلاق و فرهنگ انقلابی باشند و علی رغم تمام فدا و قربانیهای بوجشان کوس رسوائی شان به صدا در آمده است. در پیکار ۹۶ از تاج و زینک روحانی به یک دختر ۱۵ ساله جنگ زده در کنش با صحبت کردیم و در پیکار ۹۱ رسوائی فحاحت با روابط چهار پاسدار "مکتبی" یا خواهر "مکتبی" پاسدارشان را در نوشهر آوردیم. دو خبر زیر گوشه های دیگری از "اخلاق" عوامل "مکتبی" رژیم را نشان میدهد: **اسالم (گیلان):** چند ماه پیش در آذربایجان یکی از مزدوران ریاکار رژیم که از فعالین "انجمن اسلامی معلمین هشتر" و مدیر "دبیرستان وحدت" اسالم میباشد، رسوائی دیگری برای رژیم جمهوری اسلامی آفرید. این فرد که میرزائی نام دارد و رای زن و فرزند نیز میباشد با استفاده از موقعیتش یک دختر دانش آموز را فریب داده و بخانه خود میبرد که در اثر اطلاع همسایه اش و مراجعه پاسداران، وی را در حین ارتکاب عمل خلاف عفت دستگیر و به "سپاه پاسداران" میبرند اما با دخالت "رئیس آموزش" ماذق کیا" (که خود به فساد اخلاق معروف است) و مرتضوی یکی از معلمین روحانی، جریان فیصله پیدا کرده و وی را پس از تحویل به شهر با نی، آزاد میماند. دانش آموزان به آزادی این مدیر فاسد "مکتبی" شیدا اعتراض میکنند. رئیس مرتجع آموزش و پرورش با حرکت از فرهنگ ارتجاعی - امپریالیستی حاکم چنین "حادثه" ای را "طبیعی" و "ناچیز" قلمداد میکند.

تاریخ صدور _____
برای این گواهی بیع عنوان حقی دریافت نمیشود.
گواهی پزشک و... (مخال) (راجع به مرگ)
ملقب نموده آئین نامه ثبت احوال اینجا بنویسید
مقیم: _____ گواهی میدهم
در تاریخ _____
دارنده شناسنامه شماره _____
فرزند آقای _____ و خانم _____ که نزدیکان حاضر اوست میباشند
مرد است
Branca, unam - (Branca, unam) - (Branca, unam) - (Branca, unam)
Branca, unam - (Branca, unam) - (Branca, unam) - (Branca, unam)
Branca, unam - (Branca, unam) - (Branca, unam) - (Branca, unam)
Branca, unam - (Branca, unam) - (Branca, unam) - (Branca, unam)

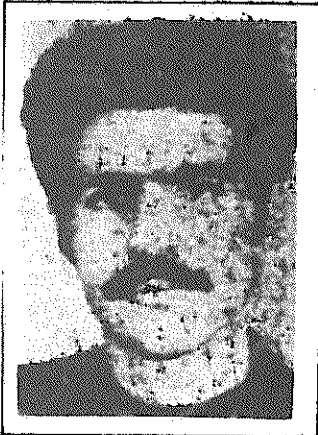
این گواهی را در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ در تهران صادر شد.
این گواهی را در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ در تهران صادر شد.
این گواهی را در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ در تهران صادر شد.
این گواهی را در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ در تهران صادر شد.
این گواهی را در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ در تهران صادر شد.
این گواهی را در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ در تهران صادر شد.
این گواهی را در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ در تهران صادر شد.
این گواهی را در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ در تهران صادر شد.

اردبیل: چندی پیش یک دختر عضو "سیخ" در ارتداد شدن روابط نامشروع با "فاطمی" رئیس مرتجع سیخ اردبیل حامله میشود، در اثر پیگیری مادر دختر جریان آفتابی میشود در اثر تحقیق پدر دختر کار به دادگاه میکشد اما به توصیه "حاکم شرع" فاطمی مرتجع که دارای زن و فرزند نیز هست، دختر سیخی را صیغه میکنند. در اثر نشانگریهای مردم مبارز اردبیل، فاطمی و قیاحانه پیمای از رادیو محلی میفرستد و میگوید که "این حق مسلم است که حتی صد زن دیگر نیز بگیرم!"

کمبری از رسوائی و بیویزه بعلت عضویت هر دو در انجمن اسلامی که مرکز مزدوران مرتجع و مکتبی میباشد، برجریان سرپوش میگذارند. این سند و فاسد "مکتبی" با حفظ سمت به کار خود در شرکت و احاد ادامه میدهند.
دراواسط دیماه: فردی بنام حسن محمدی سرپرست توقفگاه منطقه ۲ را بعلت ارتکاب به عمل کشیف و ممشزکننده لواط اخراج مینمایند اما چندی بعد وی بعنوان سرپرست توقفگاه منطقه ۱ مشغول کار میشود و "ترفیع" هم میگیرد.

تهران در اوخر دیماه: مزدوری، به نام "تاج فر" از کارکنان شرکت واحد توپو سرائی در حین عمل منافی با عفت با یکی از زنان کارمند در ساختمان اداره مرکزی شرکت غافلگیر میشوند. اما دست اندرکاران شرکت برای جلوگیری

خاطره رفقای شهید اسفند ماه گرامی باد!



رفیق عبدالامین

متولد ۱۲ فروردین ۱۳۲۷ در مشهد
شرکت در مبارزات دانشجویی دانشگاه
ارتباط با سازمان مجاهدین خلق و
پیوستن به مبارزه مخفی از زمستان ۱۳۵۲
از اولین رفقای که در جریان تحولات
درونی سازمان، مارکسیسم لنینیسم را
پذیرفته و به بخش منشعب پیوست.
شرکت در چندین عمل انقلابی از جمله
هنگام ورود کمیسیون تهران و نیز
انفجارانجمن فرهنگی ایران و انگلیس
در ۳۰ تیر ۵۴
در روز ۲ مرداد ۵۴ در درگیری با
برابری پلیس مزدور شاه دستگیر شد. پس از
ماهها مقاومت در زیر شکنجه در زندان
ساواک در روز ۲۵ بهمن ۵۴ دستمزدوران
امپریالیسم و ارتجاع تیرباران شد.



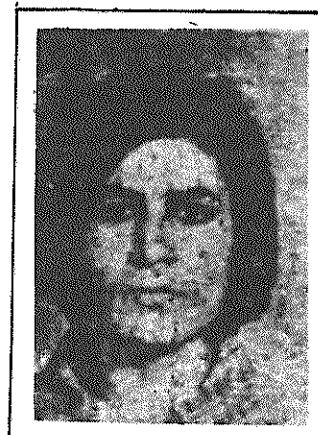
رفیق منیره افتخاری

متولد همدان و دانشجوی سابق
دانشگاه پزشکی
شرکت فعال در مبارزه علیه رژیم شاه
از طریق ارتباط با یک گروه مذهبی (هم -
رزم با مجاهد شهید محمد مخیدی و رفیق
علیرضا سیاسی) از سال ۱۳۵۰
پیوستن گروهی به سازمان
مجاهدین خلق در سال ۵۱
از اولین رفقای که در جریان تحولات
درونی سازمان مارکسیسم لنینیسم را میپذیرد
شهادت در نیمه اسفند ۱۳۵۴ در اثر
انفجار بمب در جبهه انجام یک ماوریت
شکلیاتی جهت انفجار محل برگزاری
کفرانس سرمایه گذاران آمریکایی در تهران



رفیق علی اکبر قائمی

دانشجوی دانشگاه صنعتی و
فعال در جنبش دانشجویان انقلابی.
ارتباط با سازمان مجاهدین خلق در
اوایل دهه ۵۰
پیوستن به مبارزه انقلابی مخفی در
سال ۱۳۵۱
پذیرش مارکسیسم لنینیسم
بعنوان ایدئولوژی رهائی بخش
طبقه کارگر
کارگزاری در کارخانجات از جمله
جنرال موتورز، فرقه زیبا و غیره از
سال ۵۳ تا ۵۵
روز ۲۱ اسفند ۵۵، رفیق علی اکبر
مورد شناشی گشتی های ساواک
قرار گرفته و دیدارگیری نابرابر در
چهار راه سرخمه تهران، شهادت رسید.



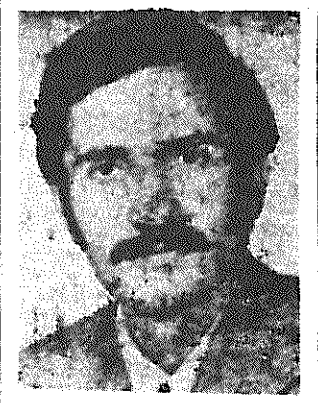
رفیق حوریه بازگان

متولد ۱۳۲۳ در مشهد و فارغ التحصیل
دانشگاه مشهد و آشنایی با سازمان
مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۹
ادامه فعالیت انقلابی در
خارج از کشور ۱۳۵۴ - ۱۳۵۲
پذیرش مارکسیسم لنینیسم در سال ۱۳۵۴ و
مبارزه همدرش با خلق فلسطین و خدمت
در هلال احمر فلسطین در جریان جنگ لبنان
عزیمت به عمان و ادامه مبارزه
انقلابی در کنار انقلابیون عمان (ظفار)
و فعالیت در دفتر بخش منشعب س.م.خ.
در عدن ۵۵ - ۱۳۵۲
بازگشت مخفیانه به ایران در زمستان
۱۳۵۵، شهادت در ۱۸ اسفند ۱۳۵۵

از رفیق هوه

بقیه از صفحه ۳۲
را دستگیر نموده امر عیبی شما ر نمی آید.
رفیق محسن سالیان در علیه رژیم پهلوی
مبارزه کرده است، او در عملیات اعدا انقلابی
کنترل برابری آمریکایی و در عطیبات بمب گذاری در آستانه
ورود نیکسون جنایتکار به ایران شرکت داشته است، او سالها
در کنار خلق فلسطین علیه اسرائیل صهیونیست و فاشیستهای
لبنان جنگیده است و امروز رژیم حاکم پادشاهی بنیامین
مبارزه ضد امپریالیستی را با تان و شکنجه میدهد.
ما از تمام کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی
و کمونیست میخواهیم تقاضای اعتراض خود را علیه دستگیری
رفیق محسن فاضل سفیدکوبه و توطئه رژیم جمهوری
اسلامی علیه این رفیق کمونیست را سازمانیابند.
با بودیا و توطئه های نفرت انگیز
رژیم جمهوری اسلامی!

عزیمت به آمریکایر ا ادامه تحصیل در ۱۳۴۹ و ارتباط با "انجمن
اسلامی دانشجویان در آمریکا"
بریدن از "انجمن" و پیوستن به بخش منشعب خارج از کشور سازمان
مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۰
فعالیت انقلابی در بایگهای فلسطینی
مسئول اجرای برنامه رادیویی "مدای انقلابیون ایران" از طریق
سازمان مجاهدین در ۱۳۵۱
اداره بخش فارسی مدای انقلاب عمان بمدت یکسال از اردیبهشت
۱۳۵۳ و همگام با آن انجام "ماوریتهای شکلیاتی در منطقه"
پذیرش مارکسیسم لنینیسم.
بازگشت به ایران در اوایل خرداد ۵۴ و فعالیت در بخش کارگری بخمش
منشعب تابهار ۵۵
قطع ارتباط شکلیاتی در جریان تعقیب پلیس و خروج از
کشور برای ارتباط مجدد با بخش خارج از کشور سازمان
بازگشت به ایران همراه رفیق حوریه بازگان در زمستان ۵۵
شهادت در ۱۸ اسفند ۱۳۵۵



رفیق مرتضی خاموشی

متولد ۱۳۳۰ در تهران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

لیبرالها مانند حزبها دشمن انقلابند!

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

از رفیق محسن فاضل قاطعانه دفاع نمایم!



بیش از یکماه است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی رفیق محسن فاضل را دستگیر نموده و در سیاهال خود محبوس نگاهداشته است. بیش از یکماه است که جانبان حکومتی این رفیق کمونیست را که سالها در سنگر مبارزه علیه رژیم متفورشاه و امپریالیسم امپریونیسمز مبدع به زندان انداخته، مورد آزار و شکنجه قرار داده و کشتیفترین اتهامات ضدانقلابی را علیه ایشان رفیق و سا زمان ما منتشر ساخته است.

دیروز رژیم جلادشاه به کمونیستها "خوابکار" میگفت و امروز نیز جمهوری اسلامی کمونیستها را "آمریکائی" مینامد. دیروز رژیم پهلوی کمونیستها را شکنجه و تیرباران مینمود و امروز نیز حکومت تبهکار جمهوری اسلامی کمونیستها را شکنجه و تیرباران مینماید. آری رژیم جمهوری اسلامی مانند رژیم شاه دشمن کمونیستها، طبقه کارگر و خلقهای ایران میباشد. رژیم جاکم خود را فریبکارانه مدافع "مستضعفان" مینامد ولی مکرر رژیمی که طرفدار سرمایه داران است، رژیمی که با امپریالیسم مبارز کرده است، رژیمی که انقلابیون و کمونیستها را آخرین راه نبردندان می اندازد و ترور میکند، آری مگر چنین رژیمی میتواند طرفدار زحمتکشان باشد؟ کمونیستها، مبارزین جان برکفی هستند که برای آزادی و استقلال و سوسیالیسم مبارزه میکنند، آنها دشمن سر سخت امپریالیستها و کلیه مرتجعین میباشد، آنها مدافعین واقعی و بیگیرکارگران و زحمتکشان هستند و درست به همین خاطر است که رژیم جمهوری اسلامی آنها را زندانی کرده و اعدام میکند. بنا بر این اگر امروز رژیم جمهوری اسلامی رفیق محسن فاضل

نقشه در صفحه ۳۱

های جناحهای ارتجاعی حکومت بود و دیگر آنکه این حرکت عامل بسیار موفقی بود تا توده های کهنه شده راجرب، اما مافدا کاشی انقلابی، بسوی لیبرالها توجه بیشتری نمایند:

اول - بنی صدر کوشید تا آنجا که ممکن است از نظر خود حزب راسی آبرو کند. او با افشای عناصر جماعت راجری و انبای ارتباط چاق - داران با ارگانها می ماند سیاه پاداران، نخست وزیری، حزب همپسوری اسلامی و... سعی کرد تا ضربه سختی به حریف وارد کرده و توده های متزلزل سوزل جاسی حزب را بسوی خود کشیده و توده های راکه تا آنگاه تبه دهنال لیبرالها میباشد را علیه حزب بیشتر سنج نماید. عوامل وابسته به لیبرالها بسوی همراهی محاهدین شعارهای ضد حزبی مانندند "مسلمان بیخیز، حزب شده رستاخیز"، "تا مرگ تا به دوم (بهشتی)، نهفت ادا به دارد"، "مرگ بسوی بهشتی"، "تا حزب کفن نشود، این وطن وطن نشود"، "روح منی بنی صدر، بت شکنی بنی صدر" به میان مردم کشیده و بدین طریق سعی می نمودند تا مردم را علیه حزبها تحریک نمایند. در پایان این سخنرانی درگیری سختی میان طرفداران لیبرالها و حزبها بوجود آمد و تعداد زیادی از حزبها به سختی مجروح گشتند. سخنرانی بنی صدر و حوادث پیر و آن ضربه سختی به حزب وارد ساخت. در انعکاس به این واقعه حزبها متقاسلا حمله کردند. خامنه ای در نماز جمعه شدیداً بسوی "گروهکهای ضد اسلام و ضد خط امام، سیاستمداران و رشکسته منزوی شده از چشم مردم افتاده، براننده شدگان ز دستگاه ادا ره کشور..." حمله کرد. او به لیبرالها تعرض کرد اما سعی نکرد آنکار به شخصی بنی صدر حمله کند. بعد از نماز هرات حزبها راه افتاد. طرفداران حزب فریاد میزدند: "مرگ بر بنی صدر"، "مرگ بر لیبرال"، "سیه سالار پینوشه، ایران شیلی نمیشه" و غیره، نخست وزیری، یانهای در در نظرات بنی صدر منتهی بروجود نیروی ویژه نخست وزیری مادر کرد و بسوی بنی صدر نسبت به "عواقب" رسم و شیوه اش هشدار داد. و با لاف حزب تیز به بنی صدر با وضوح تمام حمله کرد و ردا و را کار دشا هتسای خواند، او را ناقض قانون اساسی خطاب کرد و او را مسئول "اعمال سنگین"، "کار در ریاست جمهوری" خواند. در مقابل این حملات بنی صدر به تعرض محدود

نقشه در صفحه ۲۸

یکی از مهمترین وقایع هفته گذشته سخن رانی بنی صدر در دانشگاه هواداشی بود که بسوی بدنبال آن رخ داد. این واقعه در ادا به تعرض گسترده لیبرالها در دوره اخیر میباشد. لیبرالها به انکار حمایت ارتش و شهربانی، به تیبانی نیروی نایبگیری چون محاهدین، سواستفاده از نارضایتی های گسترده و بسا بقه توده های مردم و عوام مغربسی های آزادیخواها تدهومی - کوشید تا توده ها را هر چه وسعتر بدنبال خود کشیده و حزب را منزوی ساخته و شرایط سقوط آن از راس قدرت سیاسی را بوجود آورند. در حالیکه مجموعه رژیم جاکم و کل طبقه بورژوازی ایران مسئول فقر و مالاکت توده ها میباشد لیبرالها و بخصوص بنی صدر مکارم کوشیدند تا با انگشت گذاشتن بر روی برخی از اقدامات ارتجاعی و عربان حزبها سمت مبارزه توده ها را از مبارزه علیه کل سیستم جاکم سحر جاسی حذف نمایند. بنی صدر با رفاقتی ها و اعتراعات را متوجه حزب نمائند. لیبرالها شاید تبه میخواهند توده ها بگویند که همه بدبختی ها ناشی از حزب است، آنها می گویند ما همیشه طرفدار "آزادی" بوده ایم ما حزبها "انحمار طلب و مستند" هستند. لیبرالها با این مقامین به حزبها هجوم برده و آنها را به موضع ضعف انداخته اند و در پی آنند تا همچنان به تعرض خود ادا به دهند و تعرض لیبرالها بدست آوردن همونی در قدرت سیاسی را تعصب میکنند و در این شرایط متاسفانه بسوی عوام مل بفتح آنها عمل میکنند. فقدان قطب نیرومند کمونیستی، سازش محاهدین با لیبرالها و فقدان آگاهی انقلابی در میان توده های وسیع و نازکی از جمله عوام ملی میباشد که به کمک لیبرالهای ضد انقلابی شناخته اند. درستتر چنین شرایطی لیبرالها با بهره گیری از اقدامات عربان و مرتجعانه حزبها به توده ها میخواهند بگویند که آنان "فرشته نجات" میباشد!

بنی صدر در دانشگاه بنماش حساب شده ای دست زد آنچه که بنی صدر در دانشگاه انجام داد چیز ناره ای نبود چرا که کمونیستها با رها و بارها جناسات رژیم و از جمله حزبها را افشا کرده و با رها و بارها آفات کرده اند که دستهای او باش و جاسی بدستان و آنگونه به رژیم جاکم بسوی خصوص حزب جمهوری اسلامی میباشد. اما آنچه که بنی صدر گفت: رد و جنبه قابل توجه بود. یکی آنکه این اقدام بسا مکرر قطع جدید ارتجاع -

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده یاد پیکار توده ها!